



## مردم به صحنه انتخابات وارد شوند و از حق خود دفاع کنند

ضرورت مشارکت مردم در انتخابات در گفت‌وگو با  
حجت‌الاسلام والمصلحین پناهیان

### سیاست‌بازان رای‌برون کنید!

پرونده خلوص

مردم مکلفند به این که  
در انتخابات شرکت کنند

هلاهل ویژه

گور بابای دموکراسی

رأی نمی‌دم، رأی می‌دم

وکیل‌الرعیایا در صندوق



---

خداوند سرنوشت هیچ ملتی را تغییر نمی دهد  
مگر اینکه آنان خود را تغییر دهند.

---

سوره رعد، آیه ۱۱



# دکمه

دو هفته‌نامه جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی  
سال یازدهم، شماره ۱۱۷، بهمن ۱۴۰۲

صاحب امتیاز: مجید کهنوجی  
مدیرمسئول و سردبیر: صادق یزدانی  
زیر نظر شورای سیاست گذاری  
مدیر داخلی: حمیدرضا محمدی

دبیر تحریریه: محمدرضا انیسی آرانی  
هیأت تحریریه: محمدحسن استرحام،  
جمال یزدانی، مجتبی قبادی،  
محمد محقق، علیرضا عبدی  
با تشکر از: حجت الاسلام سید مصطفی حسینی و  
محمد مهدی صادقی

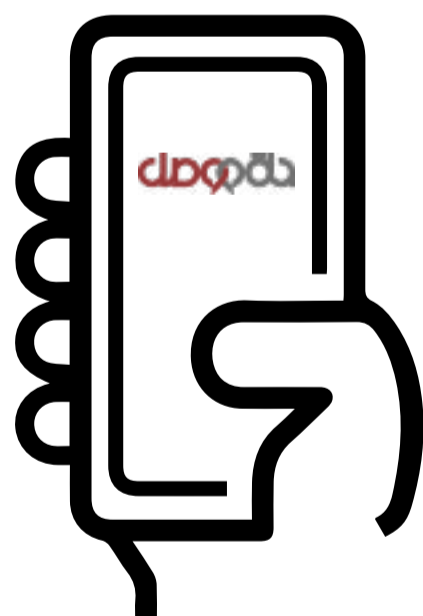
صفحه آرایی و طراحی جلد: جلیل یزدانی  
عکس: حمید محمودی  
حروف چینی: زهرا سلمانی، الهه عباپافاها

با همکاری: پوریا جهان تیغی (سیستان و بلوچستان)، احسان دائی (آذربایجان شرقی)، پیام آریافرد، رحمان بشگز (خراسان جنوبی)، حمیدرضا فتاحی (کرمانشاه)، احمدرضا پرسا (گیلان)، امیدزندی (تهران)، محمد میرابی (ایلام)، حسن نجمی (مرکزی)، سید ابراهیم هاشمی (خراسان شمالی)، حمیدرضا علی زاد (همدان)، علی سخاوت (خوزستان)، محمد امین حق نجات (بوشهر)، محمد امین بهاروند (لرستان)، امیررضا شریفیان (کردستان)، علی قزوینی (تهران شرق)، سید مجتبی میرمحمدی (تهران جنوب شرق)، محمدرضا بلندکردار (تهران جنوب غرب)، افخمی (هرمزگان)، محمدرضا مسایلی (اصفهان)، سعید یوسفی (کهگیلویه و بویراحمد)، سجاد رمضان پور (اردبیل)، محدثه عباسی (سمنان)، مهدی صفدرزاده (خراسان رضوی)، فاروق حفیظی (چهارمحال و بختیاری)، سعید اسلام (یزد)، پیام آریافرد (قزوین)، حمید قانعی (فارس)، سعید امینی (مازندران)، روح الله احمدآبادی (قم)

کدپستی: ۱۴۱۶۶۷۴۴۱۳  
صندوق پستی: ۱۴۴ - ۱۵۷۱۵  
آدرس الکترونیکی:  
halgheh.vasl@gmail.com  
آدرس تارنما: www.hvasl.ir

شماره تماس و فکس: ۰۲۱۸۸۳۹۵۳۲۴ - ۰۲۱۸۸۳۹۵۳۴۰  
آدرس: تهران، بلوار کشاورز، خیابان فلسطین، بن بست سعیدی، پلاک ۲، واحد ۲  
چاپخانه: چاپ هم میهن آدرس شهر قدس خیابان صنعت

نشریه در تلخیص و ویرایش مطالب آزاد است.  
استفاده از مطالب نشریه با ذکر منبع مجاز است.  
چاپ مطالب به منزله تأیید کامل محتوا نیست.



نسخه مناسب انتشار  
در گوشی‌های همراه

از طریق فهرست  
می‌توانید با کلیک  
بر روی هر مطلب  
به صفحه آن مطلب  
بروید.

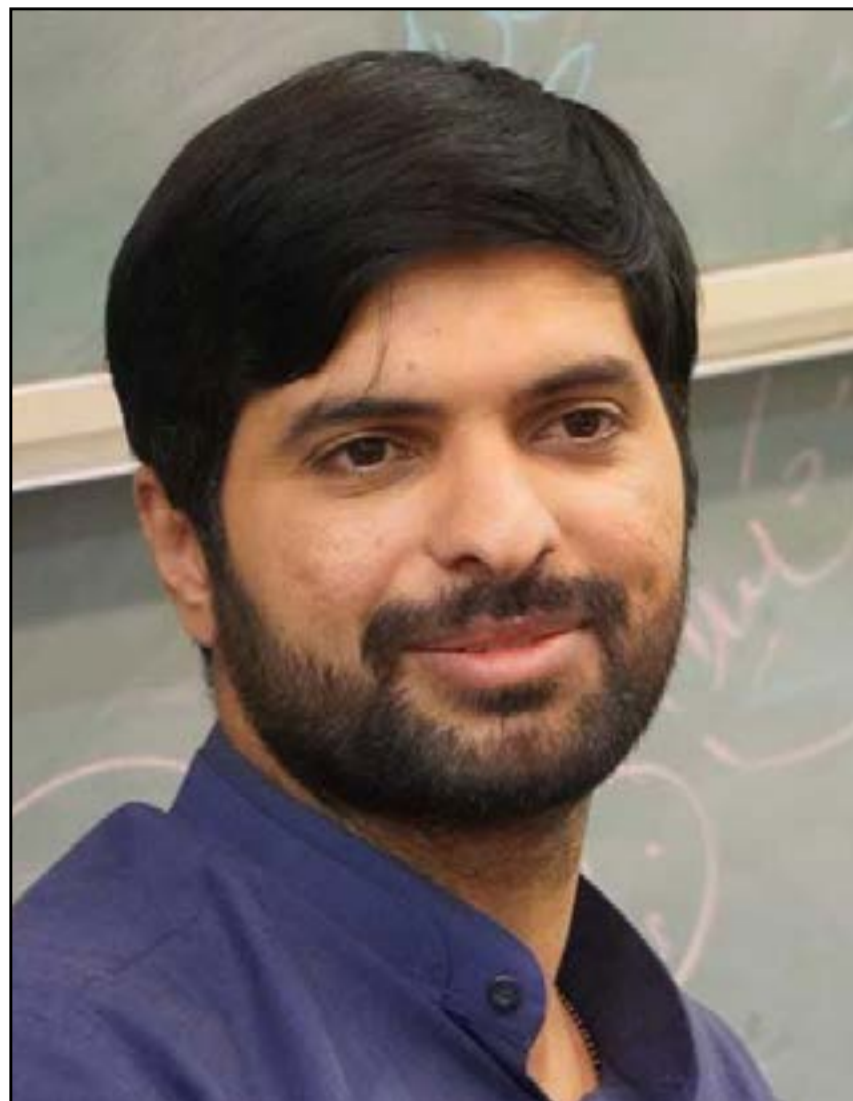


در انتهای هر مطلب  
با کلیک بر روی دکمه  
فهرست می‌توانید  
به صفحه فهرست  
بازگردید.

فهرست



صفحه ۳۴



صفحه ۲۵



صفحه ۱۱

## ۶ رواق

مرور بیانات مقام معظم رهبری درباره انتخابات؛  
۷/ مردم به صحنه انتخابات وارد شوند و از حق خود دفاع کنند

۱۱/ سیاست بازان را بیرون کنید!  
ضرورت مشارکت مردم در انتخابات در گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین پناهیان

۲۵/ خود خواهی را کنار بگذاریم!  
دعوت به هم افزایی سیاسی؛

۳۴/ زبان به کام بگیریم و حرف مردم را بشنویم!  
برای تحقق مطالبه مشارکت حداکثری مردم در انتخابات چه باید کرد؟

۴۴/ راهبرد جاهلانه یا خائنانه؟!  
یک انتخاب در بزرنگاه انتخابات؛

۴۷/ فایده دار بودن انتخابات را تبیین کنیم  
راهکارهایی برای حضور فعالان فرهنگی در عرصه انتخابات؛

۵۲/ نماینده ای می تواند مسائل را حل کند که وامدار کسی نباشد



صفحه ۷۱

تحلیل نقش زنان در انتخابات در گفت و گو با مسئول موسسه «بانوی میدان دار»  
۵۹/ آقایان به این باور نرسیده اند که بانوان قوی هستند

۶۸/ زن هر کاری می کند نباید با محوریت او در خانواده متضاد باشد



صفحه ۸۲

۷۱/ راه حلی برای وضعیت بغرنج زنان ایران  
موفقیت زنان نیاز به تعادل، تجربه و سیاستگذاری زنانه دارد؛

۸۲/ حضور در اجتماع یا ماندن در خانه، مسأله این نیست!  
نقدی بر کلیشه ای مرسوم؛

## ۸۶ خلوص



صفحه ۸۸

۸۷/ مردم مکلفند به این که در انتخابات شرکت کنند

۹۶/ شرکت در انتخابات ندای لبیک گفتن به رسول گرامی اسلام است

## ۱۰۲ هلاهل



صفحه ۱۱۳

۱۰۳/ گور بابای دموکراسی

۱۰۴/ مؤذن جامعه در انتخابات

۱۰۶/ من غنی ام، از...

۱۰۸/ دو دل

۱۱۰/ چون فانتوم بیا!

۱۱۱/ رأی می دم، رأی نمی دم،

۱۱۲/ انتخابی مطمئن!

۱۱۳/ وکیل الرعایا در صندوق

# رواق

زمانی بر ما گذشت  
که «خالص» بودیم!  
چه خوب است مرور  
کنیم دورانی را که  
«خلوص» فصل  
مشترک مان بود!

# مردم به صحنه انتخابات وارد شوند و از حق خود دفاع کنند

مرور بیانات مقام معظم رهبری درباره انتخابات؛

## انتخاب پرشور، قدرت ملی است

خواص می‌توانند نقش ایفا کنند. مطمئناً [اگر] انتخابات در داخل کشور هرچه پرشورتر صورت بگیرد، قدرت ملی را بیشتر نشان می‌دهد و قدرت ملی امنیت ملی می‌آورد؛ یعنی وقتی جبهه‌ی دشمن نگاه می‌کند حضور مردم را می‌بیند، قدرت نظام را مشاهده می‌کند و می‌بیند این کشور، کشور قدرتمندی است، مردم حاضر و آماده‌اند، تهدید دشمن خنثی می‌شود؛ یعنی اقتدار ملی امنیت ملی را به وجود می‌آورد؛ این چیز خیلی باارزش و مهمی است. اینجا خواص می‌توانند نقش‌آفرینی کنند، انتخابات را پرشور کنند. همه‌ی کارهای انقلابی از همین قبیل است؛ ما چند روز دیگر



راه‌پیمایی بیست‌ودوم بهمن را داریم؛ ان شاء الله مردم عزیز ما در این راه‌پیمایی پُرشور شرکت خواهند کرد. این هم نشان‌دهنده‌ی اقتدار است؛ در این ۴۵ سال، مردم هر سال بدون تعطیل یک نوبت، در سرتاسر کشور - شهرهای بزرگ، کوچک، حتی روستاها - روز بیست‌ودوم بهمن آمدند در خیابانها و شعار دادند و از انقلاب خودشان دفاع کردند، نام امام بزرگوار را بلند کردند و تبعیت خودشان و بیعت خودشان را با امام تجدید کردند. امسال هم ان شاء الله به فضل الهی همین جور خواهد بود.

**بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش - ۱۶ بهمن ۱۴۰۲**

### انتخابات، مصداق کامل میدان سیاسی

یک نکته‌ی مهم در نماز جمعه و خطبه‌ها - که این دیگر آخرِ عرایض ما است - تشویق آحاد مردم و مخاطبین شما به حضور در میدان‌های مختلف است. فرض کنید حضور در میدان‌های اجتماعی و خدمات اجتماعی؛ مثلاً بنامی شود در یک شهری مدرسه‌سازی کنند، مردم به شرکت تشویق بشوند، هر کسی هر مقداری که می‌تواند، هر جوری که می‌تواند. مثلاً فرض کنید در یک شهری، خیرین درصد برمی‌آیند که بیمارستان‌سازی کنند - از این کارهای خیر همیشه بوده، الان هم هست و می‌کنند - یا بنا می‌گذارند دیه‌ی زندانی‌هایی را که به خاطر دیه در زندانند، اداء کنند و آن‌ها را از زندان آزاد کنند؛ از این کارهای خیر مردم تشویق بشوند به اینکه در این مسائل شرکت کنند؛ این یک میدان است؛ یک میدانِ مسائل اجتماعی است.

[همچنین] میدان مسائل سیاسی، مثل انتخابات؛ انتخابات مصداق کامل یک میدان سیاسی است. بنده چند مرتبه در زمینه‌ی انتخابات تکرار کرده‌ام که انتخابات یک میدان سیاسی‌ای است که حضور مردم در آن، به معنای واقعی کلمه لازم است؛ یعنی، هم وظیفه‌ای است برای مردم، هم حقی است برای مردم. حضور در انتخابات صرفاً تکلیف نیست؛ حق است؛ حق شما است، حق مردم است که انتخاب کنند آن کسی را که مایلند برایشان قانون بنویسد یا قانون را اجرا کند یا در مورد رهبر نظر بدهد یا [از طریق] مجلس خبرگان، رهبر را انتخاب کند. [این] حق مردم است؛ بایستی وارد بشوند و از حق خودشان استفاده کنند.

**بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور - ۲۶ دی ۱۴۰۲**







## راهبرد دشمن

برای اینکه مردم را از صحنه خارج کنند، یکی از کارهایشان مایوس کردن از آینده است. شما ببینید چقدر در این رسانه‌های وابسته‌ی به دشمن - یا صریح یا غیر صریح؛ بعضی از این رسانه‌ها صریحاً وابسته‌ی به دشمنند، بعضی‌ها صریحاً وابسته نیستند اما باطناً وابسته‌اند - مردم را از آینده مایوس می‌کنند. یک نکته‌ی منفی را پیدا می‌کنند، این را تعمیم می‌دهند، بزرگ می‌کنند برای اینکه مردم مایوس بشوند، عمده هم جوانها؛ [می‌خواهند] جوان‌ها را مایوس کنند. این را که «حضور در فعالیت‌های سیاسی چه فایده دارد؟ حضور در انتخابات چه فایده دارد؟» ترویج می‌کنند، روی این کار می‌کنند.

[کار دیگر] به رخ کشیدن کمبودها و سختی‌ها در امور اقتصادی. خوب‌له، مامشکل اقتصادی داریم، شکی نیست؛ ضعف‌های گوناگونی بوده، ادامه پیدا کرده؛ این ضعف‌های اقتصادی وجود دارد، در این هیچ تردیدی نیست؛ این‌ها را به رخ میکشند، در حالی که اگر در یک موردی دقت بشود، تحقیق بشود، بیشتر این ضعف‌های اقتصادی هم به خاطر عدم حضور مردم است؛ آن جاهایی که مردم حضور داشتند، این ضعف‌ها کمتر است.

**بیانات در دیدار مردم قم - ۱۹ دی ۱۴۰۲**

## جهاد تبیین برای انتخابات

ما انتخابات در پیش داریم؛ یک عده‌ای نمی‌خواهند این انتخابات آن‌چنان که شایسته‌ی این ملت است انجام بگیرد؛ تلاش می‌کنند مردم را مایوس کنند، مردم را بی‌اعتماد کنند، وانمود کنند که انتخابات فایده‌ای ندارد، تأثیری ندارد؛ در مقابل این‌ها «جهاد تبیین» باید سینه‌سپر کند، در مقابل این‌ها باید حقیقت را بیان کند. کسانی هستند که [می‌خواهند] حضور مردم در اداره‌ی کشور - که ثابت‌کننده‌ی تحقق مردم‌سالاری دینی در کشور است - ضعیف بشود، تا حرف امام بزرگوار دروغ دربیاید؛ هدفشان این است که وعده‌ی الهی را مخالف واقع نشان بدهند. این حرکت، خصمانه است؛ در مقابل این حرکت خصمانه باید تلاش کرد. هر کس با انتخابات مخالفت کند، با جمهوری اسلامی مخالفت کرده، با اسلام مخالفت کرده. انتخابات یک وظیفه است. این یکی از کارها است؛ امروز احساس وظیفه نسبت به انتخابات یکی از کارهای نقدِ جامعه‌ی مجاهد در «جهاد تبیین» است.

**بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام - ۱۳ دی ۱۴۰۲**

## نقش زنان در انتخابات

در این قضیه‌ی انتخابات شما بانوان و خانم‌های عزیز می‌توانید نقش ایفا کنید. مهم‌ترین نقش شما هم در داخل خانه است؛ مادرها می‌توانند نقش ایفا کنند، وادار کنند فرزندان را و همسر را برای اینکه در زمینه‌ی انتخابات فعال باشند و درست تحقیق کنند. زن‌ها در برخی از مسائل شناخت اشخاص و راهبردها و جریانها، دقیق‌تر و ظریف‌تر از مردها نگاه می‌کنند و نقاطی را پیدا می‌کنند؛ [لذا] در شناخت نامزدهای انتخاباتی، در حضور در پای صندوقها، هم در داخل خانه و هم در خارج خانه می‌توانید نقش ایفا کنید.

**بیانات در دیدار اقشار مختلف بانوان - ۶ دی ۱۴۰۲**

### چهار ویژگی انتخابات درست

بنده چهار خصوصیت را در اول امسال راجع به این انتخابات به ملت ایران عرض کردم: اولاً مشارکت قوی، ثانیاً رقابت واقعی، ثالثاً سلامت به معنای حقیقی کلمه، و رابعاً امنیت انتخابات؛ این چهار خصوصیت باید انجام بگیرد. قبل از اینکه راجع به این چهار خصوصیت صحبت بکنیم - که من حالا امروز چند جمله عرض می‌کنم، بعد باز در فاصله‌ی این دو ماه اگر زنده بودیم و توفیقی بود، با مردم عزیزمان مجدداً صحبت خواهیم کرد - بایستی اصل منطق انتخابات در جمهوری اسلامی روشن بشود. چرا انتخابات [برگزار] می‌کنیم؟ من عرض می‌کنم هر دو کلمه‌ی «جمهوری» و «اسلامی» وابسته‌ی به انتخابات است. «جمهوری» یعنی مردم‌سالاری، یعنی حاکمیت کشور به دست مردم. خب مردم چه جوری در حاکمیت دخالت کنند؟ هیچ راهی بجز انتخابات وجود ندارد. بعضی‌ها در مورد لزوم انتخابات اشکال‌تراشی می‌کنند، [مردم را] دلسرد می‌کنند، توجه نمی‌کنند که اگر انتخابات در کشور نباشد، یادیکتاتوری است یا هرج و مرج و ناامنی است. آن چیزی که جلوی بُروز دیکتاتوری را در کشور می‌گیرد انتخابات است؛ آن چیزی که جلوی هرج و مرج و اغتشاش و ناامنی را می‌گیرد انتخابات است. انتخابات آن مسیر صحیحی است که مردم می‌توانند به وسیله‌ی آن و از آن مسیر، حاکمیت ملی را، مردم‌سالاری را، جمهوریت را در کشور تأمین کنند. این، مسئله‌ی جمهوریت. انتخابات می‌تواند ولی فقیه در کشور انتخاب بکند و به وجود بیاورد، یعنی اسلامیت را تأمین کند. انتخابات می‌تواند نمایندگان را در مجلس شورای اسلامی مستقر کند که طبق مقررات اسلامی و معارف اسلامی، برای مدیریت کشور قوانین تدوین کنند. پس بنابراین، هم جمهوریت و هم اسلامیت، متکی به انتخابات است. بنابراین، در نظام جمهوری اسلامی، انتخابات ضروری است.

**بیانات در دیدار با مردم**

**«کرمان» و «خوزستان» - ۲ دی ۱۴۰۲**

ضرورت مشارکت مردم در انتخابات در گفت‌وگو با  
حجت‌الاسلام والمصلحین پناهیان

## سیاست‌بازان را

## بیرون کنید!

در انتخابات چهار سال پیش، نمایندگان برنامه‌های خود را شعاری و مبهم مطرح کردند، ولی اینبار شعاری و مبهم نه، برنامه بدهند، امضا کنند، دست روی قرآن بگذارند، قسم بخورند، یک عده هم بیایند شهادت بدهند و بگویند این فرد راست می‌گوید، آن وقت مردم به آنها رای بدهند تا کلاه سرشان نرود. این راهکار کوتاه‌مدت حجت‌الاسلام والمصلحین پناهیان برای افزایش مشارکت مردم در انتخابات است. آقای پناهیان دو راهکار بلندمدت را در این گفت‌وگو مطرح می‌کند؛ یک، نهادینه کردن فرهنگ احساس مسئولیت کلان اجتماعی از طریق مساجد و مدارس و دو، پیاده‌سازی اصل ۴۴ قانون اساسی برای افزایش مشارکت در حوزه اقتصاد. شاخص پیشنهادی آقای پناهیان به مردم برای رای دادن در ۱۱ اسفند امسال، توجه به برنامه نامزدها برای افزایش مشارکت مردم در همه جوانب زندگی است و به صراحت می‌گوید: مردم با لحاظ این شاخص، جریان‌های سیاسی و کاندیداهای بدون برنامه را از عرصه سیاست بیرون کنند.



● یکی از مهمترین مصادیق مشارکت مردم در حکومت و حکمرانی، شرکت در انتخابات است. با توجه در پیش بودن انتخابات و موضوع مهم نقش آفرینی مردم در حکومت و حکمرانی، چه عوامل، شاخص‌ها و رفتارهایی باعث ناامیدی مردم از حضور در پای صندوق رای است یا مشارکت مردم در انتخابات را کاهش می‌دهد؟

بحث مشارکت یک پایه فرهنگی دارد. ما از نظر فرهنگی جامعه را در سطح مطلوب مشارکت جویی؛ به تعبیر دقیق‌تر پایبند به «احساس کلان مسئولیت اجتماعی» بارنیاورده‌ایم. در آموزش و پرورش و در مساجد باید فرهنگی به جامعه منتقل شود، برای یک فرهنگی در جامعه تلاش شود و اگر هست تقویت شود تا احساس مسئولیت اجتماعی افراد نسبت به امور کلان اجتماعی بالا رود. احساس مسئولیت درجات مختلفی دارد. برخی نسبت به خودشان هم احساس مسئولیت ندارند. از این بالاتر احساس مسئولیت نسبت به خانواده است. خیلی‌ها نسبت به خانواده هم احساس مسئولیت ندارند، با کوچکترین ناراحتی سعی می‌کنند خانواده را از بین ببرند. تاب‌آوری ندارند که پای سختی‌های یک خانه، یک خانواده، یک پیوند بایستند تا رشد کند و میوه بدهد. بعضی‌ها در قبال زندگی آپارتمان نشینی احساس مسئولیت ندارند؛ یعنی اصلاً برایشان مهم نیست بقیه اعضای آپارتمان چه کار می‌کنند. اینها هیچ وقت مدیر ساختمان نمی‌شوند و می‌گویند: «ول کن بابا! حال دارید، هر کس می‌خواهد جلو بیاید، ماهم یک رای به اومی دهیم» یا می‌گویند هر کس را که شمارای دادید... خودش اصلاً دخالت نمی‌کند. از این بالاتر احساس مسئولیت نسبت به محل است. از این بالاتر احساس مسئولیت نسبت به شهر و منطقه بزرگتر از محل است. از این بالاتر احساس مسئولیت نسبت به جامعه است. از این بالاتر احساس مسئولیت نسبت به امت اسلامی است. از این بالاتر احساس مسئولیت نسبت به جهان است. موضوع امام‌زمان (عج)، موضوع احساس مسئولیت نسبت به جهان است. اگر مسجدی افرادی را تربیت کرد که نسبت به جهان احساس مسئولیت



ندارند؛ یعنی خلاف مسیر درستی که در بالا از آن حرف زدیم حرکت می‌کنند نباید در آن مسجد نماز خواند. چون این نماز مایک نماز حقیقی نیست. یک نفر از امام صادق (ع) پرسید: ما یاران شما ثواب اعمالمان بیشتر است یا یاران آخرین امام وقتی که ظهور می‌کنند؟ حضرت فرمودند شما، چون امام شما غریب است، خودتان هم غریب هستید. گفتند حالا که وضع ما بهتر است و ثوابمان در غربت بیشتر است و گناهانمان هم زودتر بخشید می‌شود، پس چرا دعا کنیم که آخرین امام ظهور کنند. حضرت به مسئولیت جهانی اشاره کردند و فرمودند: چطور می‌توانید تحمل کنید عده زیادی در جهان در جهل بمانند و حق را نفهمند. این تربیت دینی ماست. در مسیر تربیت دینی، احساس مسئولیت برای کل کشور از اهداف میانی است. احساس مسئولیت برای کل کشور حتی از اهداف غایی تربیت دینی هم نیست، از اهداف میانی است. باید این هدف را محقق کنیم. تعلیم و تربیت مادر آموزش و پرورش باید به گونه‌ای باشد که هر کس از این آموزش و پرورش نتواند برای خودش تصور کند من یک روز ممکن است مشارکت سیاسی نداشته باشم، در انتخابات شرکت نکنم آن هم به دلایل غیرمنطقی که وجود دارد. پس بحث مشارکت یک پایه فرهنگی دارد. الان مساجد و مدارس باید نسبت به این موضوع تجدید نظر کنند و ببینند چه کاری کرده‌اند که مردم احساس مسئولیت لازم برای مشارکت سیاسی در موضوعی مثل انتخابات را ندارند. ممکن است بعضی‌ها مسجد نیامده باشند، مدرسه که رفته‌اند. فضای عمومی جامعه و حتی صداوسیما را در نظر بگیرید. من می‌خواهم صداوسیما بگوید که چند تافیلیم درباره افزایش فرهنگ مشارکت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی ساخته‌است، مسئولیت‌پذیری اجتماعی که فرد حاضر باشد خودش را فدا کند. بله! شعار شهدا و شهادت سر می‌دهیم، ولی این مسئله را برای مردم ملموس نکرده‌ایم که شهید کسی است که از حق خودش می‌گذرد، بدون چشم داشت از جان خودش می‌گذرد برای اینکه مردم راحت زندگی کنند، برای اینکه مردم سربلند باشند. شهدای ما دانستند که برای زندگی کردن شایسته‌تر از ما هستند و می‌دانستند عین مردمی که برای آنها فدا می‌شوند کسانی هستند که از امنیتی که شهدا فراهم کردند سوءاستفاده خواهند کرد، ولی یک لحظه از فدای جانشان تردید نکردند. آنطور که شهدا جان خودشان را دادند، چرتکه نیانداختند و حساب و کتاب نکردند، ما اگر سررای‌گیری اینطور حساب و کتاب کنیم یعنی فرهنگ شهادت به ما درست منتقل نشده است. شهدا نسبت به جامعه خودشان احساس مسئولیت کردند و در این زمینه جان دادند و وقتی می‌خواستند برای امنیت و اعتلای کشور جان دهند به خیلی از جزئیات نگاه نکردند، حتی به بدی مسئولان کشور نگاه نکردند. بعضا این بدی را در همان دوران جنگ از نزدیک لمس می‌کردند. در پشتیبانی از دفاع مقدس

این رامی دیدند و می گفتند باشد، ولی برای شهدا آن تکلیف احساس مسئولیت، آن شیرینی فداکاری برای احساس مسئولیت کلان اجتماعی مهمتر بود. ما نتوانستیم این فرهنگ را خوب منتقل کنیم.

**آیا ما این فرهنگ و انتقال آن را در گذشته هم نداشتیم؟ مساجد پیش از انقلاب و ابتدای انقلاب در ایران نیرو تربیت کردند و به نظر می رسد مسئولیت اجتماعی را که شما از آن حرف می زنید داشتند. شهدا تربیت یافته‌ی این مساجد بودند. سوال مشخص این است که آیا مساجدی با این شاخص‌هایی که اشاره کردید داشتیم و از دست داده‌ایم یا کلا چنین مساجدی نداشتیم؟**  
نه، نداشتیم.

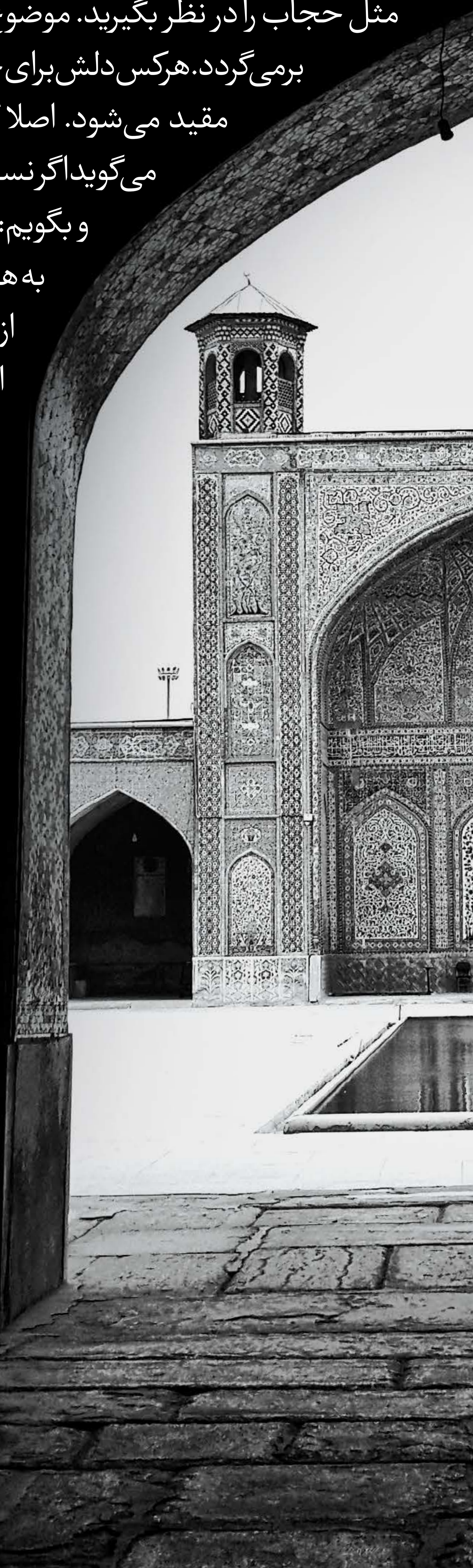
**پس مرکز بودن مسجد در دوران انقلاب اسلامی به چه معناست؟**  
ببینید یک وقت شما وارد بحران می شوید. مردم ما بلااستثنا در هر بحرانی که وارد شدند رو سفید بودند. سیل یا زلزله که می آید، واقعا مردم ما مردمانی رو سفیدی در جهان هستند و کم نمی گذارند. در دوران پیش از انقلاب و ابتدای انقلاب، بحرانی که طوفان انقلاب ایجاد کرد موجب شرکت مردم شد. به نظر من الان مشارکت در بحران‌ها و حس زندگی مواساتی در شرایط بحرانی به مانند کرونا و سایر بلاهای طبیعی، از قبل از انقلاب هم بهتر است، ولی این کارکرد مسجد نیست. حالا در دوران جمع‌آوری غنائیم چی؟

**پس مردم احساس مسئولیت اجتماعی دارند؟**  
دارند، ولی در چه حدی؟

**به نمونه کرونا اشاره داشتید.**

بله، ولی ما احساس مسئولیت را فقط برای شرایط بحرانی نمی خواهیم. من عرض کردم در دوران جمع‌آوری غنائیم، نه در دوران جنگ! احساس مسئولیت اینجا معنی پیدامی کند. در دوران جمع‌آوری غنائیم، برخی پای رکاب رسول خدا هم کم آورده‌اند تا دیدند که موضوع جمع‌آوری غنائیم است تنگه احد را رها کردند و بحث در گرفت که «تو چرا ببری، من چرا نبرم، چرا تو بیشتر بردی، من چرا کم آوردم...» دعوایها از اینجا شروع و احساس مسئولیت‌ها به کل فراموش می شود. مردم ما در بحران‌ها سرآمد هستند، ولی در غیر بحران‌ها چی؟ پس یکی از پایه‌های مشارکت بالا کار فرهنگی است که باید در

جامعه به صورت عمیق وریشه دار انجام شود. فقط بحث انتخابات نیست. موضوعی مثل حجاب را در نظر بگیرید. موضوع حجاب هم به احساس مسئولیت اجتماعی برمی گردد. هرکس دلش برای جامعه و جوانان جامعه بسوزد، نسبت به حجاب مقید می شود. اصلاً لازم نیست دین هم داشته باشد. با خودش می گوید اگر نسبت به دیگران احساس مسئولیت نداشته باشم و بگویم: «به جهنم هر کس هر چه شد، هر خانواده ای به هم ریخت...» اینطور که نمی شود. رعایت حجاب از جنس مقوله مسئولیت اجتماعی است. مقوله احساس مسئولیت اجتماعی اصل و اساس دین است. اگر احساس مسئولیت اجتماعی حذف شود، دیگر چه چیزی باقی می ماند؟ اوج مقوله احساس مسئولیت اجتماعی، امام زمان (عج) است. ما باید این مقوله را به صورت ملموس در جامعه جایبندازیم. مردم به امام زمان (عج) اعتقاد دارند و این رابطه اعتقادی است. مردم با نماز ارتباط دارند، ولی این رابطه عبادی است نه رابطه ی اعتقادی. چرا روزی سه مرتبه برای خواندن نماز در یک جا جمع می شویم؟ واقعا اگر خداوند حکمتی مثل فراگیری زندگی جمعی و تقویت احساس مسئولیت جمعی برای نماز در جامعه قائل نباشد، دین را باید کنار گذاشت. چه دین احمقانه ای می شود اگر ما را بی خود روزی سه مرتبه دور هم جمع کند. یک مکان مقدسی شبیه به سوله، پاک و تمیز در هر محلی هست که پاک و تمیز کردن آن از خانه افراد واجبتر است. هر یک آجری که برای ساختن این خانه



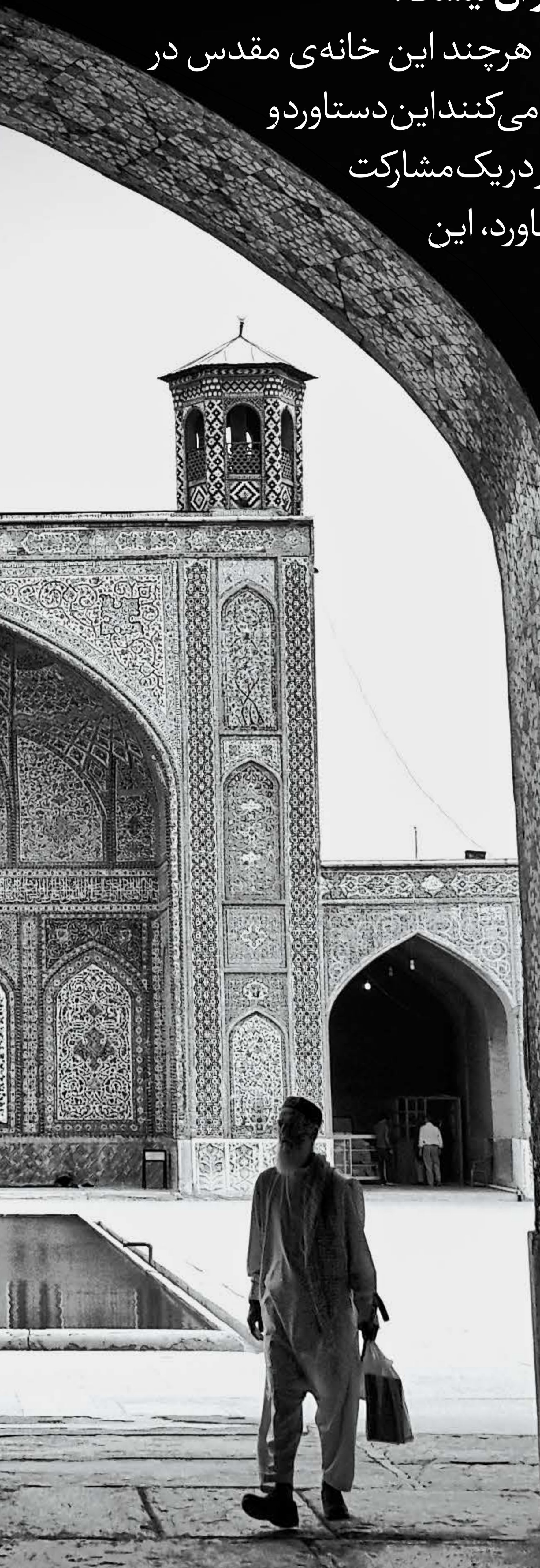
گذاشته می‌شود اجرش قابل شمارش نیست.

## • یعنی کارکرد این خانه فقط نماز خواندن در آن نیست؟

احسنت. ما این را در جامعه جا نینداختیم، هرچند این خانه‌ی مقدس در بحران‌ها کارکرد خودش را نشان می‌دهد. سوال می‌کنند این دستاورد و این کارکرد هم کارکرد کمی نیست؟ باشد، ولی اگر در یک مشارکت سیاسی مثل انتخابات فرهنگ جامعه کم بیاورد، این مسجد و آن مدرسه حتماً مقصر هستند.

## • متولیان مساجد و مدارس به صورت مصداقی باید چه کاری انجام دهند تا این احساس مسئولیت در جامعه رشد کند؟

باید در آموزش و پرورش تحولی ایجاد شود. سند تحول آموزش و پرورش هم تصویب شده است، لابد این اهداف در آن در نظر گرفته شده است. پیرارسال مقام معظم رهبری فرمودند در آموزش و پرورش به بچه‌ها زندگی جمعی را آموزش دهید. این جمله خیلی عمیق است. وقتی آدم وارد زندگی جمعی می‌شود تازه می‌فهمد که باید با جمع کنار بیاید. در جمع تفاوت‌ها وجود دارد. هر کسی نباید زود حساب خودش را جمع کند و کنار بکشد و با جمع قهر کند. در جمع خیلی حرف‌ها هست، مشارکت‌پذیری افزایش پیدا می‌کند. اینکه زندگی جمعی را به بچه‌ها یاد دهیم فقط در کتاب





می دهند، تحول باید در حکمرانی مدارس ایجاد شود. چقدر از اداره یک مدرسه رابه دبیرستانی هاسپرده ایم؟ اینها همه مسئله است. چقدر از اداره یک مدرسه رابه اولیای مدرسه سپرده ایم؟ عامل دوم که موجب افزایش یا کاهش مشارکت می شود این است که اگر شما فقط سر انتخابات مردم رابه مشارکت دعوت کنید، اثر آن کم خواهد شد و ممکن است با کوچکترین تنشی این مشارکت کاهش پیدا کند، اما اگر آنطور که قانون اساسی و اصل ۴۴ قانون اساسی عمل کنید آن وقت نتیجه فرق خواهد کرد. چقدر جالب است، رهبری در صحبت اخیر خودشان در رابطه با مشارکت به عنوان مثال اشاره ای به اصل ۴۴ قانون اساسی داشتند. شاید سوال شود که تناسب بین اصل ۴۴ قانون اساسی و مشارکت چیست؟ اصل ۴۴ قانون اساسی موضوع صحبت رهبری نبود، ولی در هنگام صحبت در رابطه با مشارکت بحث به طور طبیعی به اینجا کشیده می شود. چون وقتی شما در همه موضوعات مردم را مشارکت بدهید، در انتخابات و صندوق رای هم مشارکت بدهید جواب می دهد و تحت تاثیر عوامل بیگانه و عوامل منفی قرار نمی گیرد، اما الان چقدر از کارخانه ها و شرکت های دولتی هستند که اینها باید به مردم سپرده شوند؟ چرا باید مقام معظم رهبری در صحبت اخیرشان بانارحتی این موضوع را ابراز کنند؟ اینکه اصل ۴۴ قانون اساسی به خوبی پیاده نشده، تقصیر کدام دولت و مجلس است؟ فرمودند در دولت های قبل هی گفتند این کار را می کنیم و نکردند. مردم می بینند مشارکت کردند، ولی آیا کارخانه ها دست مردم افتاده است، تعاونی ها برقرار شده است، مشارکت در امور اقتصادی پدید آمده است، اینهاست که قصه را کاملاً تغییر می دهد.

### **. این انتقاد شما به حکومت است؟**

به دولت و مجلس است، به دولت ها و مجلس هایی است که اصل ۴۴ قانون اساسی را لاقلاً بعد از ابلاغ سیاست های این اصل اجرا نکرده اند. در این زمینه کنشگران سیاسی جامعه هم مسئول هستند. اگر کنشگران سیاسی جامعه فقط مچ گیری کنند سر اینکه این کارخانه را چرا خلاف به فلانی داده شده است، ولی مچ گیری نکنند که چرا این کارخانه معطل است و به مردم واگذار نشده است. از امام جمعه های محترم مچ گیری نکرده اند که چرا با اعتبار خودشان زمینه ایجاد تعاونی ها را فراهم نکرده اند تا یک جمعی در کنار تعاونی ها شکل دهند و دولت بتواند فلان کارخانه رابه آنها بسپارد؟ ائمه محترم جماعات، چطور است شما در مساجد نمی تواند از ۱۰۰ تا مسجد از هزار نفر دریاورید که این هزار نفر با انگیزه دینی یک تعاونی تشکیل دهند. دولت این همه امکانات در اختیارشان قرار می دهد. هیچ وقت بالای ۹۰ درصد، ظرفیت تعاونی کشور فعال

نشده است. پس ما در مساجد چه کار می‌کنیم؟ مردم فقط در مسجد نماز بخوانند، آیا اینها جزء دینداری نیست، معیشت مردم جزء دینداری نیست، از بین بردن زمینه رانت خواری‌ها جزء دینداری نیست. باید مشارکت را در همه زمینه‌ها عمومی کرد تا مشارکت در انتخابات هم جای خودش را پیدا کند. وقتی فردی از یک کارمند عادی، از یک کارگر عادی و از یک کاسب جزء درآمد و در اداره تاسیسات شهر و کارخانه‌ها مشارکت کرد، این فرد کلی فک و فامیل دارد و مردم می‌بینند برای رونق پیدا کردن شهر فرق می‌کند کدام نماینده را انتخاب کنیم. اگر مردم را مشارکت ندادیم و فقط به آنها یارانه، حقوق و کوپن دادیم و گفتیم فقط بیاید کارگر شوید، اگر آموزش و پرورش بچه‌ها را فقط برای کارمند شدن تربیت کند، این یعنی مشارکت در آن جامعه پایین است. وقتی شما برای کارمند شدن بچه‌ها را تربیت می‌کنید ناظم مدرسه حضور و غیاب می‌کند، ولی اگر بخواهید بچه‌ها را برای کارآفرین شدن تربیت کنید حضور و غیاب را به عهده دانش‌آموزان می‌گذارید.

## خروجی این سیاست، مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان خواهد شد؟

بله. چون تا مسئولیت رانده‌اید، در مقام مدیریت ریسک نکنید و مسئولیت را به خود جمع و اگذار نکنید؛ جمع‌سپاری نکنید، احساس مسئولیت تمرین نخواهد شد. این کاری است که رسول خدا می‌کرد. در موضوع مشارکت هم همینطور. به نظر من هر استانی، هر استانداری، هر نماینده مجلسی، اگر مشارکت مردم را از امکانات ستاد شخصیش، از اعتبار شخصی که پیدا کرده است استفاده کرد و امام جمعه محترم و ائمه جماعات، هر کسی که ذی‌نفوذ است، از امکانات اعتباری خود در جامعه استفاده کرد و مشارکت مردم در اداره جامعه را افزایش داد، رای‌گیری در آن جامعه آسان خواهد شد و بیدی نیست که به این بادها بلرزد، با تبلیغات منفی و با تخریب‌ها و با خیلی از مشکلات، مشارکت اجتماعی کاهش پیدا نمی‌کند. من نباید در پشت تریبون مردم را برای مشارکت موعظه کنم، بعد خودم در این سال‌های هیچ قدمی برای افزایش مشارکت مردم برنداشته باشم. هیچ قدمی برنداشته‌ام و فقط موعظه می‌کنم و انتظار مشارکت دارم، این صحیح نیست. مردم را باید به صورت هسته‌های محلی فعال کرد و رشد داد. حتماً مردمانی که در شهرها و محله‌ها مشارکتشان در زمینه‌های مختلف بالاست، برای مشارکت در انتخابات هم مشکلی نخواهند داشت. حضرت آقا ۹ سال پیش فرمودند که مردم سالاری دینی فقط به شرکت در انتخابات نیست، به این است که مردم سالار همه امور خود باشند؛ حتی در اقتصاد. در ادامه تاکید داشتند که بسیج مظهر مردم‌سالاری دینی است؛ یعنی یک نمونه است چون مردم دارند در بسیج

مشارکت می‌کنند. چرا حضرت آقا برای اجرایی شدن اصل ۴۴ قانون اساسی اینقدر تاکید می‌کنند؟ براساس برداشتی که من دارم، مردم ما نمی‌دانند فواید اجرای این اصل چیست. مردم می‌گویند چه فرقی می‌کند، کارخانه دست دولت است و دارد کار می‌کند. آقا! این کارخانه اگر دست دولت باشد زمینه فساد خیلی‌ها را پدید می‌آورد؛ از نماینده مجلس تا آدم‌های مختلفی که در ارتباط با این مدیریت قرار می‌گیرند. اگر پس فردا نماینده انتخاب کنید، نماینده به جای کار کردن و به جای قانون تصویب کردن و دنبال کردن طرح‌های ملی، به سراغ بهره‌برداری و سوءاستفاده از کارخانه‌هایی می‌رود که دست دولت است و مردمی نشده‌اند.

**احساس این است که این دوراهکار شما یعنی هم نهادینه کردن بحث فرهنگ احساس مسئولیت کلان اجتماعی و پیاده‌سازی اصل ۴۴ قانون اساسی هر دو بلندمدت هستند. این راهکارها را چطور می‌توان در کوتاه‌مدت عملیاتی کرد؟ انتخابات ۱۱ اسفند برگزار می‌شود.**

راهکار کوتاه‌مدت این است که یک عده از نمایندگان باید قول بدهند، دست روی قرآن بگذارند و قول شرف بدهند، نه شعار که مثل دفعه قبل شعار شفافیت بدهند و عمل نکنند. دفعه قبل نمایندگان شعار شفافیت دادند، البته یک عده هم قول دادند، بعد مجلس رفتاری انجام داد که واقعا یک رفتار صحیحی نبود، یک رفتار برآمده از بلوغ سیاسی نبود. گفتند حالا که بناست ما شفاف شویم، همه شفاف شوند. این یک جور جرزنی است. شما شفافیت را اجرا کنید خود به خود اثرش را بر روی بقیه می‌گذارد. خود شفافیت به نوعی مشارکت دادن سیاسی مردم از نظر نظارت بر رفتار نمایندگان است. نماینده هر کاغذی نوشت، هر توصیه‌ای برای به‌کارگیری هر کسی، برای اصلاح هر امری و برای رفع هر مشکلی، این را باید روی سایت بارگذاری کند تا عموم مردم ببینند. البته به صورت قانونی هم باید مجاز نباشد به کسی، مسئولی، جایی توصیه کند تا برای مردم هم سوال ایجاد نشود این نامه چی بود و چه منفعتی برای نماینده داشت. اگر هم این کار را کرد قانون باید او را موظف کند که هم رای خود و هم دلایل رای خود را بگوید. خود این مشارکت را افزایش می‌دهد. وقتی مردم با شفافیت در نظارت بر رفتار نمایندگان مشارکت کنند، در رای دادن هم مشارکتشان افزایش خواهد یافت. در همین مجلس، تعللی که در تصویب و اجرای قانون شفافیت شد، در کاهش مشارکت موثر است. در کوتاه‌مدت هر کس نامزد هست باید قول دهد این کارها را می‌کند.

## این قول را که همیشه می دهند، ولی عمل نمی کنند.

بالاخره اگر مردم و نخبگان دقیق از آنها قول بگیرند، از آنها بخواهند دست روی قرآن بگذارند نتیجه خواهد داد.

## سری قبل هم در رابطه با شفافیت قول دادند.

اولا همه قول ندادند، بعد هم در مجلس رد کردند. یعنی با اینکه نمایندگان قول ندادند، ولی مردم به آنها رای دادند. مردم وقتی در چنین شرایطی به اینها رای می دهند اینها در ادامه راه از نظارت مردمی و نخبگانی تمکین نخواهند کرد. در اینجا بیشتر منظور نظارت نخبگان است، چون مردم که حوصله ندارند تحقق یا عدم تحقق وعده‌ها را دنبال کنند. نخبگان احساس مشارکت می کنند، نتیجه رای رامی بینند. ثانیاً برخی از نمایندگان شعاری و مبهم مسئله شفافیت را مطرح کردند. اینبار شعاری و مبهم نه، برنامه بدهند، امضا کنند، قسم بخورند، یک عده هم بیایند شهادت بدهند و بگویند این فرد راست می گوید. دفعه قبل کسانی که صریح از شفافیت گفته بودند، واقعا هم صریح عمل کردند. اینجوری نبود که همه عمل نکنند، ولی در مجلس باید به اجماع برسند. اینبار همه مردم تصمیم بگیرند به کسانی رای بدهند که اینها اهل افزایش مشارکت هستند. ما دو گروه افراد داریم؛ بعضی ها حزبی هستند و بانندی کار می کنند. اینها تابع باند خودشان هستند، نه تابع مردم و به فراخور حال به سراغ مردم می آیند. این افراد اول با باند خودشان می بندند و بعد می آیند، بدون اجازه باندشان آب نمی خورند. اینها ولایت مطلقه احزاب را پذیرفته اند. آدم‌های مشورت‌پذیری هستند، ولی با باند خودشان مشورت می کنند. بعضی‌ها هم آدم‌های بانندی نیستند، ولی تک‌پر هستند. این افراد خیلی روی عرضه خودشان و هر می از افراد که در اطراف خودشان تشکیل دادند تکیه می کنند. در بین این دو گروه ممکن است حزب الهی یا غیر حزب الهی باشد، ممکن است معتقد به ولایت فقیه باشد، سست باشد. اینها به درد نمایندگی مجلس نمی خورند. حالا شما بگو این فرد حزب الهی است و بدنش قطعه قطعه شده است، بگو این آدم از نظر سیاسی به شدت لیبرال است، به دموکراسی در حد نئولیبرال‌ها معتقد است و الی آخر. کسی که اهل این نیست که مردم را به صحنه بیاورد به درد مجلس نمی خورد. خودش با نیروها و باند خودش کار می کند یا تابع باند خودش است. هر بانندی هم از این آدم‌ها دارد که در مجلس بگذارد و این افراد رباتی هستند که حرف اینها رامی شنوند. بعضی‌ها هم شخصا آدم‌های قوی هستند، ولی در میان مردم مشارکت ایجاد نمی کنند. این افراد مشکلی راهم حل می کنند. سه چهار تا پروژه را تا زمانی که خودشان هستند حل می کنند ولی خودشان که به هر دلیل -طبیعی یا

غیرطبیعی - کنار می‌روند کارها می‌خواهد. ما باید در میان نامزدها کسانی را انتخاب کنیم که دنبال افزایش مشارکت مردم هستند. با گرفتن این تعهد است که می‌توانیم به صندوق رای امیدوار باشیم. بعد می‌توانیم از نامزدها تقاضا داشته باشیم که چه طرحی برای افزایش مشارکت مردم دارند.

**• یعنی از فردای روزی که فلان نماینده رای آورد به دنبال افزایش مشارکت مردم باشد، نه اینکه همه چیز را اول کند و برود تا چهار سال بعد.**

این حرف «نرود تا چهار سال بعد» خیلی حرف سنگینی است، دامن خیلی‌ها را می‌گیرد. یک زمانی در همین مجلس شورای اسلامی نماینده ضد اسلام بود. همان مجلس اولی که تشکیل شد. کسانی بودند که واقعا اعتقادی به نظام و انقلاب به معنای رایج آن نداشتند. به مرور این وضعیت تغییر پیدا کرد و این افراد از ریل خارج شدند چون نمی‌توانستند به مردم خدمت کنند. الان باید چه کسانی از عرصه سیاست بیرون بروند؟ کسانی که قدرت افزایش مشارکت مردم را ندارند. در عرصه سیاسی تصویب طرحی مثل شفافیت، در عرصه اقتصادی اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، در عرصه معیشت اجرای تعاونی‌ها. آنهایی که این قدرت را ندارد، توانش را ندارند، تفکرش را ندارند که مردم را به صحنه بیاورند، از ویژگی‌های شخصیتی فرد گرفته تا سرمایه‌ی اجتماعی، باید از عرصه سیاست بیرون بروند. چون ظرفیت آوردن مردم به صحنه را ندارند.

**• از ابتدای انقلاب تا الان، کدام یک از مجالس ما از مصادیق یک مجلس مسئولیت‌پذیر است؟**

من نمی‌توانم به این شکل درباره مجالس داوری کنم.



## بدون اسم بردن از فردی آیا چنین مدلی در دوره‌های گذشته وجود داشته یا نه؟

نمی‌دانم شهید چمران آن زمان نماینده مجلس بودند یا نه، ولی در آن مقطع که وزیر دفاع بودند، واقعا اداری عمل نکردند و مشارکت مردم را افزایش دادند. البته آن زمان دوران بحران دفاع مقدس بود، نمی‌شود مقایسه کرد. افرادی مثل شهید چمران را داریم که افزایش دهنده‌ی مشارکت مردم هستند. کسانی مثل ابوترابی آزاده، بدنه اجتماعی داشتند و بدنه اجتماعی فعال می‌کردند. شخصیتشان اینطور بود، ولی بعضی‌ها زیاد به مجالس ختم می‌روند یعنی می‌روند بین مردم، ولی می‌روند تا اعتبار خودشان را افزایش دهند. آقا این تعداد که شما مجالس ختم محل می‌روید تا خودتان را نشان دهید، همین تعداد جلسه برای درست کردن تعاونی گذاشته‌اید. این خیلی سوال ساده‌ای است، این کار را چرانی کنید و در عوض به عروسی‌ها و عزاهای مردم می‌روید. می‌گویند فلانی آدم خدمتکاری است، بعد می‌بینید خدمتکاری او به این است که با پول دولت پروژه‌های محلی را پیش می‌برد؛ «آقای خدمتکار، قدم شما روی سرما، ولی تو دیگر به درد جامعه امروز نمی‌خوری». چون وظیفه امروز شما افزایش مشارکت مردم است. مقام معظم رهبری در دولت قبلی از یک فرماندار مثال زدند، این فرماندار از پول‌های خرد مردم مشکلات مردم را حل کرده است. رقم پول جمع‌آوری شده را اعلام کردند، مکانش را هم اعلام کردند. من نمی‌دانم آن فرماندار چه کسی بود، ولی آقا فرمودند آیا این روش نمی‌تواند در همه جا پیاده شود؟ بحث این نیست که فرماندار باشد یا نماینده مجلس، الان عنصر سیاسی موفق در کشور، عنصری که جامعه به آن نیاز مبرم برای حل مشکلات دارد، عنصری است که بتواند موجبات مشارکت مردم به شکل‌های مختلف را فراهم کند.

## بپردازیم به عوامل کاهش دهنده‌ی مشارکت مردم در انتخابات. چه عواملی در

### این حوزه دخیل هستند؟

یکی از این عوامل، بازی‌های احزاب است. ما در کشورمان حزب به آن معنا نداریم، ولی اگر حزب به معنای درست و حسابی آن را هم داشتیم باز آن را نقد می‌کردیم. الان نقدی که بر گروه‌های سیاسی فعال در کشور وارد است اینکه اگر آمدند و کار را خراب کردند ما نمی‌دانیم پدر و مادر اینها چه کسانی هستند تا بتوانیم یقه آنها را بگیریم.

## سازوکاری هم نیست که بتوانیم یقه این افراد را بگیریم. می‌دانیم فلان حزب این

لیست را اعلام کرده است و افراد این حزب مشخص هستند، ولی چطور می‌توان

یقه اینها را گرفت؟

این مصداق باند و گروه سیاسی است، مصداق به هم ریختگی ساختار سیاسی است. خیلی وضعیت بدی است.

## **• چه نهادی یا ارگانی باید یک سازوکار مناسب برای احقاق حق مردم تعریف کنند؟ نماینده‌ای وعده‌ای می‌دهد و عمل نمی‌کند یا حتی بعضاً خرابکاری می‌کند، چطور باید یقه‌اش را گرفت؟**

این سازوکار را باید نمایندگان مجلسی تعریف کنند که خودشان مسئول این سازوکار به هم ریخته هستند. این راهم بدانید که آنها هیچ وقت این سازوکار را درست نمی‌کنند، چون در این سازوکار به هم ریخته کارها و اهداف خود را پیش می‌برند. مثل شتر مرغ است که به او گفتند بار شتر را ببر گفت من مرغ هستم و وقتی از او خواستند کارها و وظایف مرغ را بر عهده بگیرد گفت من شتر مرغم. الان وضعیت اینطوری است. از زیر بار مسئولیت در می‌روند. از نمایندگان مجلسی که باشعارهای حزبی، گروهی و جریانی آن هم به دورغ مهلک دو قطبی سازی وارد میدان می‌شوند، نباید انتظار اصلاح داشت. اینها هر جا که لازم باشد می‌گویند ما مستقل آمدیم، آقا! چند تالیست شما را تایید کرده است، لازم باشد می‌گوید من مستقل هستم، از آن طرف هیچ حزبی هم عملکرد بد آنها را قبول نمی‌کند. بعضی از نمایندگان مجلس به علت تخطی‌هایی که می‌کنند برکنار می‌شوند، بعد همان حزب و جریان بدون اینکه خجالت بکشد دوباره به مردم آدم معرفی می‌کند. لااقل در این حزب راهم ببندید، چرا؟ چون این حزب معرف فلانی بود و از آن حمایت می‌کرد. در جامعه ما احزاب مسئولیت نمی‌پذیرند.

## **• دو قطبی موجود در عرصه سیاست هم در مشارکت تاثیرگذار است؟**

بله. در کشور ما هیچ وقت دو دیدگاه نبوده است و نیست و نمی‌تواند باشد. راه حل‌های مختلفی وجود دارد. خفقانی که دو قطبی ایجاد می‌کند، دیکتاتوری رضاخانی ایجاد نمی‌کند. هیچ وقت و در هیچ زمینه‌ای ما دو دیدگاه نداشتیم، افراد مختلف با سلايق و افکار مختلف داریم و اگر کاری را به هر کدام از اینها بسپاریم کارشان متفاوت خواهد بود. برای عملی جراحی یک نوزاد نمی‌توان گفت که دو دیدگاه وجود دارد، اگر هم باشد به ندرت است. یک دیدگاه راه ۱۰ نفر به شکل‌های مختلف انجام می‌دهند. یکی با قیمت کمتر و یکی با قیمت بیشتر انجام می‌دهد. احزاب باید بگذارند مردم خودشان انتخاب کنند، مگر برای انتخاب مربی تیم فوتبال از چه روشی استفاده می‌شود، آنجا مگر از این دعواها پیش می‌آید.

## رهبر معظم انقلاب می‌فرماید برنامه‌های خوب می‌تواند مردم را به مشارکت در انتخابات ترغیب کند.

معنای این جمله این است که ما می‌توانیم از دو قطبی موجود بگذریم و کسانی بیایند بگویند من برنامه‌ای برای افزایش مشارکت در امور اقتصادی دارم که امکان رانت راز بین می‌برد، امکان سلطان شدن بخش خصوصی را از بین می‌برد، کارآفرینی را افزایش می‌دهد، تورم را کاهش می‌دهد. حتما چنین برنامه‌ای مشارکت‌آفرین است. حرف من این است که احزاب خیلی غصه مردم را نخورند، غصه مشارکت را نخورند که همین احزاب با همین ریخت، مسئولیت صلاحیت یک کاندیدا را نمی‌پذیرند و سازوکاری ندارند که مسئولیت یک کاندیدار را تا آخر به عهده بگیرند. خود اینها عامل کاهش امید و کاهش مشارکت در جامعه است. عامل دیگر نقش اپوزیسیون بازی کردن برخی از سیاسیون است. نمی‌دانم این چه رسمی است در کشور ما که هر کس می‌خواهد توجه‌ها را جلب کند نقش اپوزیسیون را بازی می‌کند. واقعاً نباید قانونی باشد که اینها را به اشد مجازات برساند.

## هر کس نه، آنهایی که در قدرت بودند و چون از قدرت کنار رفتند، اپوزیسیون شدند.

منظور افرادی است که می‌خواهند در انتخابات شرکت کنند و نقش اپوزیسیون را بازی می‌کنند تا رای بگیرند. آقا! شاخه را از بن می‌برید، این چه وضعیتی است. می‌گوید من رای بیاورم هرچند حاصل آن ناامیدی مردم باشد. در همین انتخابات ریاست جمهوری قبلی، چه تخریب‌های بی‌ادبانه‌ای از جانب برخی از کاندیداها مطرح شد. هیچ کدام از این تخریب‌ها در جامعه حذف نشده است و تا تقی به توقی می‌خورد همه آن را وسط می‌آوردند. مثلاً جریان موهومی را در ذهن خودشان درست می‌کنند، فرد سیاسی قبلی می‌گفت اینها می‌خواهند در پیاده‌روها دیوار بکشند. کسی نیست، قانونی نیست که اینها با تخطئه جلو می‌آیند. این تخطئه‌ها کم‌کم تلمبار می‌شود و ناامید سیاسی ایجاد می‌کند. من از شورای نگهبان تقاضا دارم جلوی بد اخلاقی‌های نامزدها را در دوران تبلیغات انتخاباتی بگیرد. اگر جلوی اینها گرفته نشود روز به روز شاهد افزایش ناامیدی در بین مردم و کاهش مشارکت آنها خواهیم بود. □



دعوت به هم‌افزایی سیاسی؛

## خودخواهی

# را کنار بگذاریم!

ورود فعالان و موسسات فرهنگی در موضوعات سیاسی، مساله‌ای باریک‌تر از پوست و یک لغزش می‌تواند آبرو و اندوخته‌های سالیان سال فعالیت فرهنگی را به باد دهد. با حمیدرضا محمدی درباره حدود و ثغور ورود فعالان فرهنگی به عرصه سیاست و باید‌ها و نبایدهای آن به گفتگو نشستیم.

محمدی مدیر مدرسه تشکیلات اسلامی مضممار است. این مدرسه از سال ۱۳۹۸ به صورت رسمی کار خود را آغاز کرده است. آن طور که محمدی بیان می‌کند، دغدغه اصلی این مجموعه، «کار تشکیلاتی» است. محمدی پیش از شروع گفتگو با تاکید بر این که باید حرکت‌های فردی در جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی کنار گذاشته شود، اهمیت کار تشکیلاتی را گوشزد می‌کند. به عقیده وی باید «حرکت‌سازی‌های جمعی» را شروع کنیم. محمدی می‌گوید: «حضرت آقا در فرمایشات مفصلی، بحث‌های مختلفی درباره اهمیت کار تشکیلاتی و حرکت‌سازی جمعی مطرح کرده‌اند. ایشان می‌فرمایند: آموزه‌های دینی ما، ما را به حرکت‌های جمعی فرا می‌خواند، همان طور که قرآن فرموده است "واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا".»

وقتی از محمدی پرسیدیم «چرا حرکت‌سازی جمعی شکل نمی‌گیرد» پاسخ داد: «ما در فرهنگ خود «گیر» داریم! اصلاً به همین دلیل دغدغه موسسه خود را روی فرهنگ کار تشکیلاتی قرار داده‌ایم.» در موسسه مضممار که شعارش «از مبانی تا میدان» است، علاوه بر فعالیت‌های آموزشی، کارهای پژوهشی نیز انجام می‌شود. تا کنون، در این چند سال، چندین کارگاه و اردو نیز از سوی این موسسه انجام شده است. محمدی درباره شعار موسسه نیز اظهار می‌کند: «قرار نیست فقط در مبانی گیر کنیم، آن طور که برخی موسسات در زمینه کار تشکیلاتی و مهارت‌محوری در مبانی گیر می‌افتند و در میدان فقط به کارهای دم‌دستی مشغولند. انتخاب این شعار به این معنی است که باید در مبانی ریشه داشت، ولی در میدان، به اثرگذاری دست زد.»

این مقدمه نه چندان کوتاه، توضیحاتی بود که محمدی درباره مضممار و دغدغه‌های خود در فضای فرهنگی عنوان کرد. توضیحاتی که نشان می‌دهد او یک گزینه مناسب برای گفتگو درباره نسبت فعالیت‌های فرهنگی و موضوعات سیاسی است...

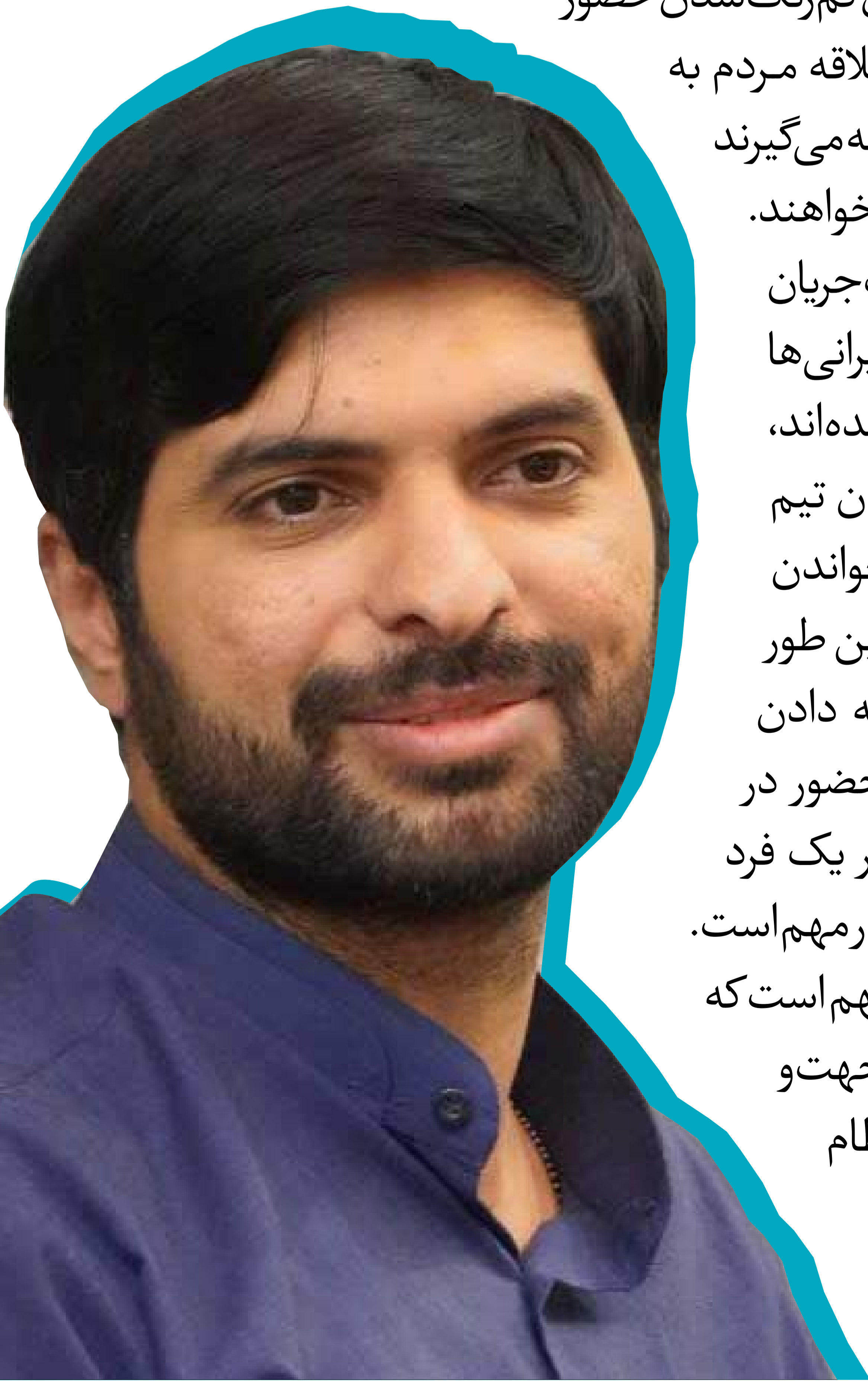
**مقام معظم رهبری در آستانه انتخابات، مثل همیشه به افزایش مشارکت در انتخابات تاکید دارند، نقش فعالان و موسسات و تشکل‌های فرهنگی در تحقق این مطالبه چیست؟**



حمید محمودی

یکی از دغدغه‌های جدی حضرت آقا، افزایش مشارکت در انتخابات است، زیرا این اتفاق، تایید ساز و کار انتخاب اصلاح در حرکت‌سازی جمهوری اسلامی ایران است. در واقع هر کس پای صندوق رای حاضر می‌شود، مهر تایید می‌زند بر کل فرایند نظام جمهوری اسلامی ایران. مشارکت حداکثری در انتخابات، به همین دلیل مهم و مطالبه همیشگی مقام معظم رهبری است. حضور در انتخابات از انتخاب این و آن یا کسی که دلخواه یک نفر باشد، بالاتر است و نفس حضور مردم پای صندوق‌های رای، مهر تاییدی بر جمهوری اسلامی است. در مقابل دشمن بیشتر از هر چیز، از همین حضور بیم دارد و دغدغه اصلی آن، کم‌رنگ کردن حضور مردم است. آنان کم‌رنگ شدن حضور

مردم را به معنای عدم علاقه مردم به نظام تفسیر می‌کنند و نتیجه می‌گیرند که مردم، این نظام را نمی‌خواهند. سال‌گذشته دشمن با کمک جریان رسانه‌ای وانمود می‌کرد ایرانی‌ها از جمهوری اسلامی بیزار شده‌اند، حتی کاری کرد که بازیکنان تیم ملی در مسابقات خود، از خواندن سرود ملی امتناع کنند و این طور نشان دهند که از مسابقه دادن با نام ایران، ناراضی‌اند. حضور در انتخابات از آن چه در نظر یک فرد معمولی جلوه می‌کند، بسیار مهم است. برای حضرت آقا به شدت مهم است که مشارکت حداکثری باشد و جهت و مسیر اصلی آن، تایید کل نظام را نمایش دهد.



در این اثنا، فعالان و موسسات فرهنگی باید چه کنند؟ هدف اصلی همه فعالان و موسسات فرهنگی، «فرهنگ‌سازی» است؛ فرهنگی که شبیه هواست و همه در آن نفس می‌کشند و زندگی می‌کنند. فعالان و تشکل‌های فرهنگی قصد دارند ساز و کار زیست و تنفس صحیح را در بستری به نام جمهوری اسلامی ترویج دهند، از این رو هرگز نمی‌توانند نسبت به مساله‌ای که اصل نظام را با تهدید یا بالندگی مواجه می‌کند، بی‌تفاوت باشند. به همین خاطر فعال فرهنگی باید خود را کنشگری فعال در عرصه انتخابات بداند و در جهت تحقق دغدغه جدی مقام معظم رهبری بکوشد. همان طور که حضرت آقا همواره به موضوع انتخابات توجه دارند و سرخط فعالیت در آن را برای همه فعالیت‌ها و کنشگران مشخص می‌کنند، فعال فرهنگی نیز باید برنامه و ایده ارائه کند. مقام معظم رهبری در یکی از آخرین سخنرانی‌های خود فرمودند که هر کس، در هر جا که دستش می‌رسد، با هر تریبونی که در اختیار دارد، برای هر تعداد مستمعی که در دسترسش هست، به تبیین مشغول شود و همه را به مشارکت حداکثری در انتخابات فراخواند.

پس پاسخ این سوال که موسسات و فعالان فرهنگی نسبت به موضوع انتخابات بی‌تفاوت باشند یا خیر، مشخص است. آنان باید کنشگر فعال این حوزه باشند، یعنی کسانی باشند که در امتداد افق فکری مقام معظم رهبری کار می‌کند، تبیین می‌کند و حرکت می‌کند تا در میدان، مشارکت حداکثری محقق شود.

### **فعالیت‌های تشکیلاتی در عرصه‌های فرهنگی، از نظر ماهیت ارتباط محکمی با فعالیت‌های سیاسی دارد و در واقع می‌توان هر دو را از یک شکل و نوع دانست. تقویت فعالیت‌ها و ساختارهای تشکیلاتی در فرهنگ را چقدر در تقویت نقش سیاسی این تشکل‌ها موثر می‌دانید؟**

همین جا باید به یک نکته اشاره کنم: از این بابت که «دیانت ما عین سیاست ما و سیاست ما عین دیانت ماست» هم نشینی و هم عرضی فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی را با تمام وجود باور داریم، منتها باید نکته‌ای را مورد توجه قرار دهیم که آن هم برآمده از رهنمودهای حضرت آقا است: مجموعه‌های تشکیلاتی حرکت سیاسی خواهند داشت، ولی سیاست زده و بازیچه دست سیاست‌مداران نخواهند شد.

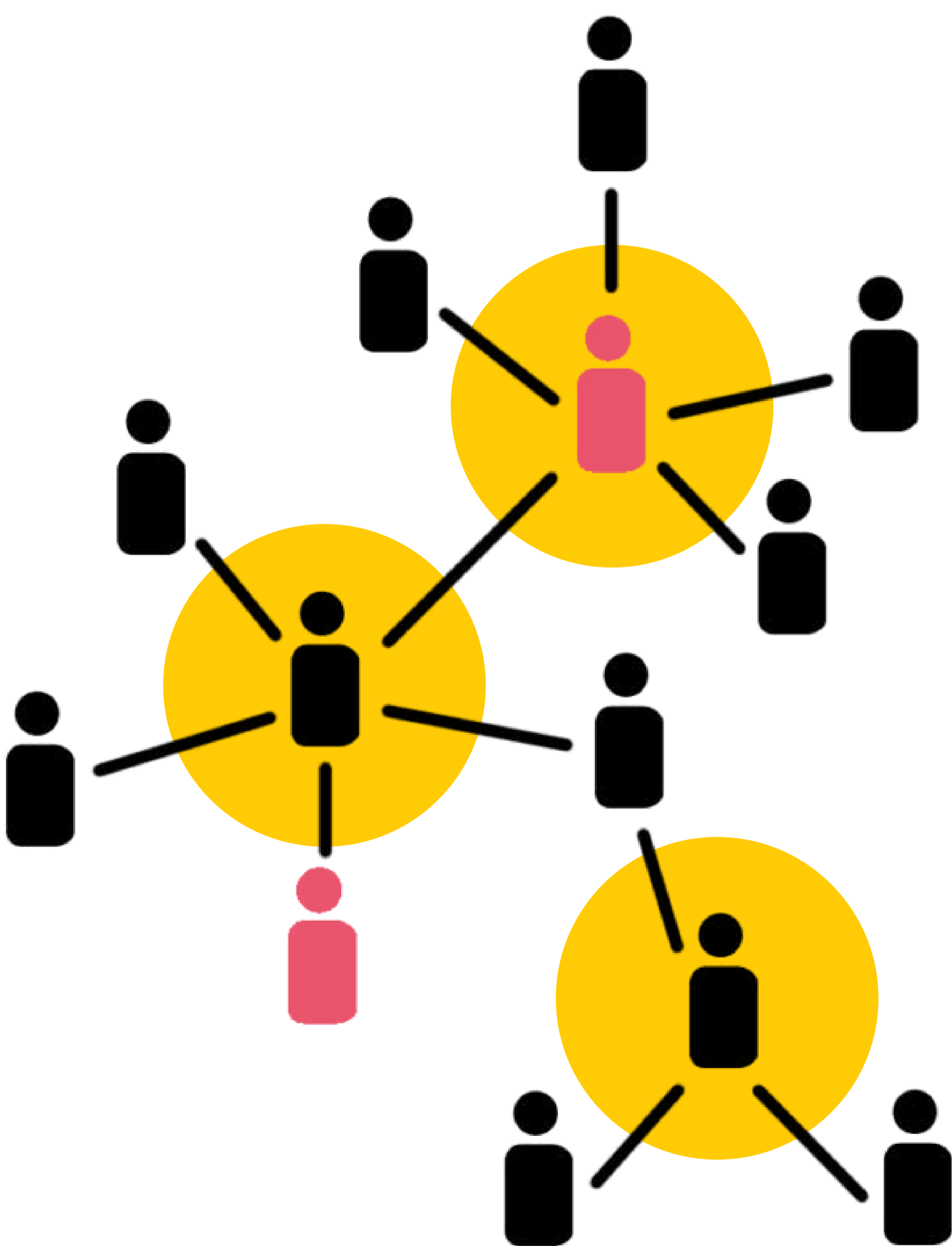
حرکت سیاسی به این معنا که می‌خواهیم حرکت فعالانه‌ای در مسیر حرکت جریان حاکمیت داشته باشیم، مفید است، ولی این که بخواهیم بازیچه این و آن شویم و کل مجموعه تشکیلاتی را در مسیری نادرست بیاندازیم، یک آفت بزرگ به شمار می‌آید. خیلی‌ها به خاطر قدرت طلبی یک فرد یا گروه به میانه میدان می‌آیند و دست به تبلیغات

می‌زنند، چه بسا فریب حرف‌های آنان را می‌خورند و به طرفداری از یک نفر مشغول می‌شوند، بعدها، پس از آن که آن فرد در انتخابات به پیروزی رسید و عملکردش با آن چه وعده داده بود تفاوت پیدا می‌کند، مردم از آن مجموعه فرهنگی زده می‌شوند. به خاطر همین موضوعات خیلی از مدیران مجموعه‌های فرهنگی عطای کار سیاسی را به لقایش بخشیده‌اند و کلاسراغ فعالیت سیاسی نمی‌روند؛ یعنی صورت مساله را کاملاً پاک کرده‌اند. گاهی یک هیات مذهبی کلا ادعا کند که در سیاست داخل نمی‌شوند، تا جایی هم پیش می‌روند که حتی حرف زدن از موضوع مسلمی همچون غزه راهم به بهانه سیاسی بودن، کنار می‌گذارند. این جدایی فرهنگ از سیاست است که به هیچ وجه، مقبول نیست.

مدتی پیش که باب این حرف‌ها باز شده بود، حضرت آقا جمله‌ای فرمودند که بسیار هم برجسته شد، فرمودند هیات سکولار نداریم، زیرا هیات حرکت امام حسین را که عیناً یک حرکت سیاسی است، گرمی می‌دارد. امام حسین علیه السلام علیه یزید قیام کرد، حرکت از این فرهنگی تر و معنوی تر و سیاسی تر؟!

اتصال فرهنگ و سیاست باید به خوبی از سوی مجموعه داران فرهنگی درک شود. حرکت‌های فرهنگی در متن حرکت‌های سیاسی معنا پیدا می‌کند، همان طور که روند سیاسی که در کشور هست، وابسته به حوزه فرهنگی است. این دوبرهم تاثیر و تاثیر کامل

صد درصد دارند و نمی‌توان یکی را گرفت و دیگری را کنار زد. راهکار اصلی، درست انتخاب کردن مسیر است، نه پاک کردن صورت مساله. باید بفهمیم اثر حرکت فرهنگی و حرکت سیاسی ما بر یکدیگر چیست. اگر این دورا متوجه شویم، به خروجی جدی اثرگذاری مفید روی مخاطبان خودمان ایمان پیدا کنیم. در این صورت آن طیف و فردی که مدنظر است، چه رای بیاورد و چه رای نیاورد، پیروزی برای ما حاصل شده است، زیرا روی اصول حرکت کرده‌ایم و هر



نتیجه به دست آید، به آرمان و حرکت ما ضربه نمی خورد. امیرالمومنین می فرمایند: اعرف الحق تُعرف اهلَه. این گفته در بحبوحه جنگ بیان شد، زمانی که یک نفر خدمت مولا آمد و عرض کرد شما حقید یا عایشه و طلحه و زبیر و آنان که روبروی شما ایستاده اند. حضرت به وی فرمود مشکل تو این است که به آدم ها نگاه می کنی، نه به حق. اگر کسی حق و معیار را بشناسد و آدم ها را بر اساس حق و باطل بسنجد - همان طور که حضرت امام فرمودند «ملاک حال فعلی افراد است» - با چنین مشکلی مواجه نمی شود. اگر مجموعه ها سراغ آدم ها بروند، سیاست زده می شوند و زمین می خورند، ولی اگر حق و باطل را معیار قرار دهند، نه تنها زمین نمی خورند، بلکه جریان ساز می شوند. بدین وسیله است که مخاطبان می فهمند چرا گاهی از کسی حمایت می کنیم و مدتی بعد، دست از حمایت او می کشیم؛ چون معیار، حق و باطل و تبیین درست جریان است، نه افراد.

نتیجه ورود غیر اصولی به حوزه انتخابات، از دست رفتن مخاطبان یا بدبینی آنان است. گاهی هم همان مسیری که به آن اشاره شد و به بی تفاوتی محض ختم می شود، پی گرفته خواهد شد. این افراط و تفریط جدی، به دلیل عدم درک درست از آن کلام امیرالمومنین است که حق و شناخت آن را معیار شناخت افراد و گروه ها معرفی فرموده اند.

## **با این توضیحات حد و حدود دخالت فعالان و تشکل ها در انتخابات چیست؟ دخالت مستقیم آن ها در انتخابات، مثلا در حدی که نامزدی را به مردم و اعضا معرفی و از وی حمایت کنند، به صلاح هست یا آفت زا و مشکل آفرین است؟**

در صحبت هم مطرح شد که ملاک همان فرمایش امیرالمومنین است. اولاً یک مسیر از سوی ولی مطرح می شود و فعالان فرهنگی و کسانی که به عنوان حلقه های میانی، صاحب تشکل هستند، وظیفه دارند نسبت به آن هشیار و کنشگر باشند. فعالان فرهنگی به هیچ وجه نمی توانند رویدادی را که در آینده مملکت تا این حد موثر است، از نظر پوشیده دارند. اگر این طور باشد، دقیقاً می توان تشکل فرهنگی را به یک گلخانه تشبیه کرد که در فضای محصور می تواند با فانتزی های خودش زندگی کند؛ ثانیاً در این عرصه، باید جمله امیرالمومنین را نصب العین قرار داد و حق را ملاک گرفت. بر اساس حق، چگونگی انتخاب اصلح مشخص می شود. جریان سیاسی با این روش بر عملکرد فعال فرهنگی غالب نمی شود، بلکه جریان شناسی سیاسی آموزش داده می شود و مخاطبان صاحبان تحلیل سیاسی می شوند.

با این تفاسیر می توان نسبت فعالان فرهنگی با کار سیاسی را در این عبارت خلاصه

کرد: تبیین ریشه‌ها و زیرساخت‌های اساسی مورد نیاز برای حرکت سیاسی. یک جوان که در کف میدان حاضر است، کار سیاسی را شرکت در کارزارهای انتخاباتی این و آن نباید ببیند، بلکه باید با قدرت تحلیل، از خود و دیگران بپرسد «چرا این آدم؟!» شکل فرهنگی باید ریشه‌ها را یاد بدهد؛ ماهی‌گیری یاد بدهد نه این که ماهی دست دیگران بدهد. این طوری است که اگر یک نفر به خطا رفت، مخاطب متوجه می‌شود نباید پشت سر او حرکت کرد.

مثالی خدمت شما عرض کنم: در یکی از انتخابات‌های ریاست جمهوری در مجموعه‌ای کار می‌کردیم. نزدیک انتخابات، خیلی‌ها می‌پرسیدند به چه کسی رای می‌دهید. ما دقیقاً برای آنان ۱۰ تا ۱۵ معیار را در قالب یک جدول مشخص می‌کردیم و پیشنهاد می‌دادیم بین افراد موجود، بهترین را انتخاب کند. دقت کنید که ما نباید در انتخابات، یک انسان کامل را انتخاب کنیم، بلکه کسی را برگزینیم که خیرالموجودین است. باید با معیارهای مختلف، سنجید و الف را بر ب ترجیح داد، در حالی که یقیناً ممکن است کاستی‌هایی در فرد منتخب وجود داشته باشد، هر چند او اصلح باشد. وقتی انتخاب اصلح صورت گیرد، چه انتخاب از نظر ما درست باشد و چه غلط به نظر آید، مردم پای کار انقلاب آمده‌اند و ثابت کرده‌اند همراه نظام هستند. آشنا کردن مخاطب با تحلیل سیاسی، شیرینی درست انتخاب کردن را به آنان می‌چشاند، در غیر این صورت افراد از روی جوی که به وجود می‌آید رای می‌دهند و بعداً به خاطر این که بر اساس نظر شما عمل کرده است، ابراز نارضایتی می‌کنند.

**یک آفت دیگر که در این میانه وجود دارد، گرفتار شدن به کلی‌گویی**

است، طوری که مخاطبان سرگردان می‌شوند بین این که بالاخره این یا آن! به نظر شما دخالت مستقیم در انتخابات، مثلاً در حدی که فعالان فرهنگی نامزدی را به مردم و اعضا معرفی و از وی حمایت کنند، به صلاح هست یا آفت زا و مشکل آفرین است؟

این که سینه چاک یک نامزد یا طیف خاص شوند، نهایتاً به مجموعه ضربه می‌زند. مجموعه‌های فرهنگی معمولاً مخاطبانی عام دارند. این مخاطبان ممکن است پس از

مدتی تصور کنند این مجموعه به بهانه کار فرهنگی به وجود آمده، در حالی که پس پرده، می خواهند حرکت سیاسی و حزب سیاسی خودشان را تقویت کنند. به این معنا، یک انگ تشکیلات سیاسی بودن به مجموعه های فرهنگی چسبانده می شود. در صورتی که با توضیحاتی که عرض شد، اصول رعایت شود، دیگر چنین انگی به مجموعه فرهنگی نمی چسبد و مخاطبان تصور نمی کنند منافع سیاسی موجب می شود مجموعه حزب باد باشد و هر دفعه، از کسی حمایت کند.

چه بسا اگر حمایت های بی حساب از افراد و جناح های سیاسی وجود داشته باشد، مخاطبان جدیدی که به کار فرهنگی علاقمند هستند، موضع بگیرند و به این عنوان که علاقه ای به این فضاها ی سیاسی ندارند، دفع شوند. در همین انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ بسیاری از تریبون آزاده ها و فعالان فرهنگی وسط میدان، بر اساس معیار رهبر انقلاب، به مشارکت حداکثری تمرکز پیدا کرده بودند، در مقابل هم دشمن تنها یک خط را دنبال می کرد و آن، جلوگیری از مشارکت حداکثری بود. مجموعه های فرهنگی باید در همه انتخابات ها روی مشارکت حداکثری تاکید کنند. تعصب ماروی مشارکت حداکثری است و اگر تعصب روی نامزدی خاص باشد، آفت زا خواهد بود.

### **دید می شود که گاهی برخی نامزدها با وعده های دروغین سعی در جمع کردن رای دارند. شیوه برخورد با این موضوعات و برخوردهای سلبی چگونه باید باشد؟**

زمانی که یک نامزد صحبت می کند و جوی به وجود می آورد، باید تبیین کرد، نه این که وی را به دروغ و فضا سازی متهم کرد. مخاطب باید بداند که هر کس با سخن وری و فضا سازی، نباید نظرشان را جلب کند، بلکه باید جستجوگر بود و ملاک داشت. یکی از ملاک ها، گذشته فرد است: آیا عقبه این فرد در مسئولیت های مختلفی که بر عهده داشته، نشانه ای از توانایی وی در عمل به وعده هایش دارد یا خیر؟

در الگوهای نظری مدیریت یکی از بهترین انواع مصاحبه ها برای تشخیص صلاحیت افراد، مصاحبه های رفتاری است، به این معنی که یک فرد به احتمال قوی رفتاری را در آینده از خود نشان خواهد داد که از گذشته تا امروز داشته است. وقتی یک نفر صحبت می کند قرار نیست روی حرف های وی تصمیم بگیریم، بلکه گذشته او نیز باید مورد توجه قرار گیرد. در واقع باید به جای توجه به رخداد و نقطه، به روند توجه کرد. تشکل های فرهنگی باید حرکت عمومی انتخابات را با تبیین معیارها تقویت کنند. آفت بزرگ موجود، تکیه روی فلان طیف و فلان فرد است. اگر کسی معیار نبیند، دل زده می شود.

**در شرایط امروز، دعوت به مشارکت حداکثری را به عنوان رویکرد اصلی فعالان و مجموعه‌های فرهنگی مورد اشاره قرار دادید. اگر رویکردها و اقدامات خاصی در راستای این رویکرد مورد نظر شماست، لطفاً تشریح کنید.**

تشکل‌های فرهنگی باید با هم دست بدهند، نه برای اجماع روی یک طیف یا نفر خاص، بلکه برای هم‌افزایی در جهاد تبیین. همه باید راهکارهایی را که برای تبیین مورد استفاده قرار می‌دهند با دیگران به اشتراک بگذارند. باید یک حرکت جبهه‌ای صورت گیرد تا در امتداد افق فکری مقام معظم رهبری برای ترویج مشارکت حداکثری به کار گرفته شود. باید خود خواهی خود را کنار بگذاریم و کل را در نظر بگیریم. یک جمع واحد حرکت ساز باید به وجود آید. تواصی دو طرفه باید در مجموعه‌های فرهنگی پیاده شود و به کف میدان برود. این که هر مجموعه خیال کند فقط خودش کار درست را می‌کند و راه درست را می‌رود، برای فضای امروز جامعه، سم است.

مخاطبان مجموعه‌های فرهنگی هشیار هستند و زمانی که ببینند یک فعال فرهنگی برای بالا بردن کارهای خودش، کارهایی را که در مجموعه دیگر انجام شده، زیر سوال می‌برد، موضع منفی می‌گیرند.

برای انتخابات باید یک حرکت فراتشکیلاتی و بین‌تشکیلاتی رخ دهد. یکی از لوازم این حرکت، درک راهکارها و رویکردهای مختلف در مواجهه با مخاطبان گوناگون است. اگر مجموعه‌های فرهنگی صادقانه از یکدیگر سوال کنند، راهکارهای بسیار زیادی به دست می‌آید. این واقعیت به خوبی در زمان کرونا مشاهده شد، زمانی که بسیاری از مجموعه‌ها و فعالان فرهنگی دچار بن‌بست شده بودند. در آن زمان تجربیات و ایده‌ها





به اشتراک گذاشته شد و همه دیدند که چه ایده‌های ناب و وجود دارد و می‌تواند در همه فعالان و مجموعه‌ها اجرا شود. راهکارهای متفاوت اقتضایی برای مسائل مختلف وجود دارد و فعالان فرهنگی هر چه بیشتر با آن‌ها آشنا شوند، اقدام بهتری در موقعیت‌های مختلف خواهند داشت.

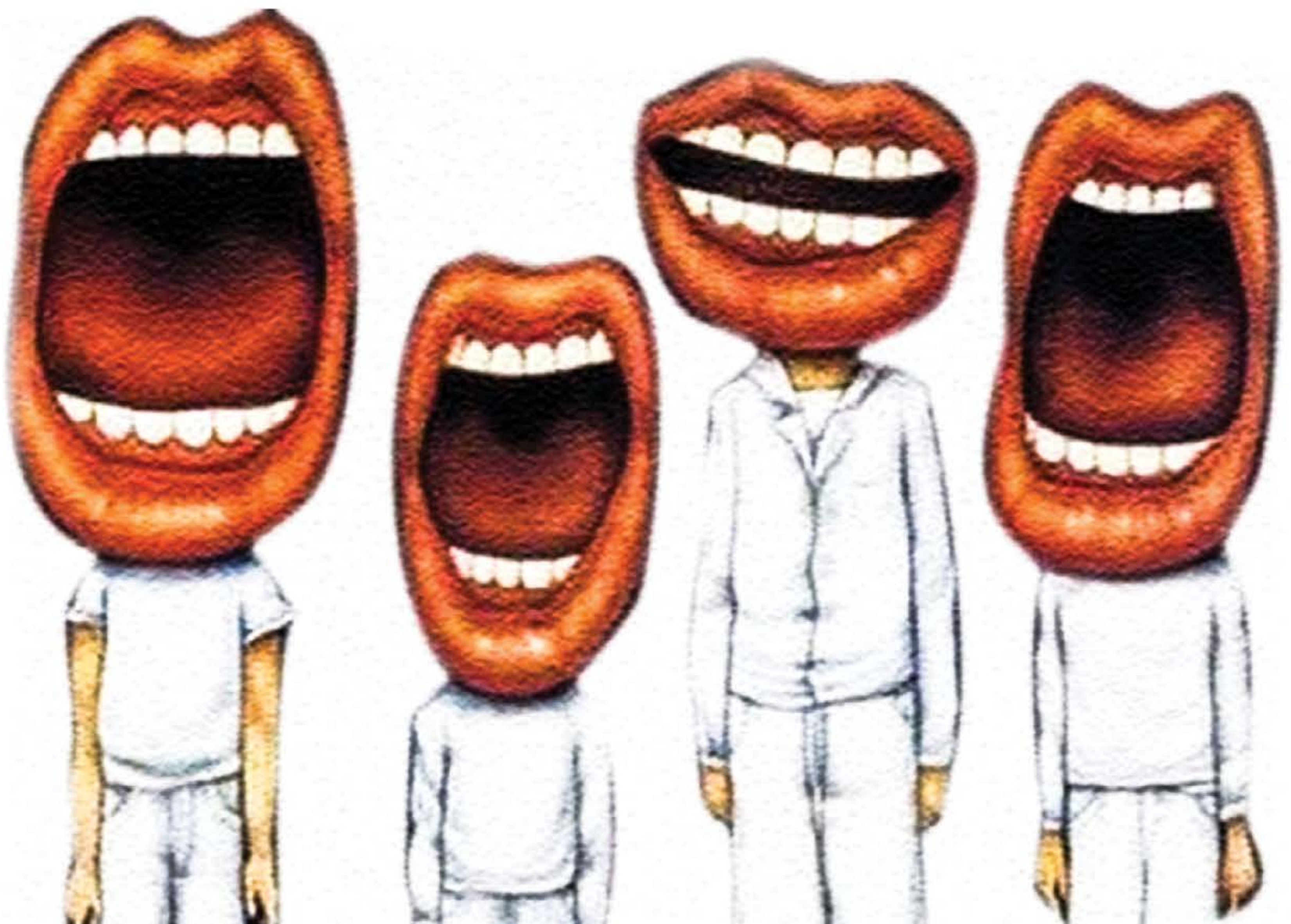
## **• مسلماً وظیفه فعالان و تشکل‌ها به دوران انتخابات محدود نیست و پس از انتخاب افراد، باید تعامل و مطالبه‌گری هم وجود داشته باشد. وظایف فعالان و تشکل‌ها در دوران پس‌انتخابات را چه می‌دانید؟**

اگر فعالان و مجموعه‌ها وظیفه خود را فقط شارژ کردن مردم برای انتخابات بدانند، باز هم شائبه سوءاستفاده از ظرفیت مردمی مطرح می‌شود. بنابراین باید پس از انتخابات هم فعالیت‌ها با مطالبه‌گری بر اساس همان معیارها که در انتخابات مطرح شده، امتداد یابد. در واقع همان معیارهایی که به عنوان رویکردهای انتخاب مطرح می‌شود، می‌تواند رویکردهایی برای مطالبه‌گری باشد. توانمند شدن در تحلیل سیاسی، توانمندی در انتخاب اصلح و توانمندی در مطالبه‌گری، پله‌کافی از مهارت‌های سیاسی است که موسسات فرهنگی می‌توانند برای آموزش آن برنامه‌ریزی کنند. □

برای تحقق مطالبه مشارکت حداکثری مردم در انتخابات چه باید کرد؟

## زبان به کام بگیریم و حرف مردم را بشنویم!

«» شاید تبلیغ اصلی امروز دشمن در حوزه سیاست و انتخابات، روی بی‌رغبتی مردم برای حضور در پای صندوق‌های رای متمرکز باشد. برای شکست دادن این تلاش‌ها باید چه کار کرد؟ سوال مهمی که در روزهای منتهی به ۱۱ اسفند تبدیل به دغدغه‌ی دغدغه‌مندان و دوستداران نظام جمهوری اسلامی شده است. در گفت‌وگو با محمد جعفری، عضو هیئت مؤسس موسسه‌ی «کوله انقلابی» باید‌ها و نباید‌های حضور تشکل‌های فرهنگی در عرصه انتخابات را بررسی کرده‌ایم. آقای جعفری معتقد است اگر در مصادیق ورود شود مسیر اصلی تشکل دچار چالش خواهد شد و تکلیف مجموعه‌های فرهنگی، ایستادن پشت سر شاخص‌ها و ارزش‌هایی است که امام جامعه تعیین کرده است. او معتقد است باید صدای مردم را شنید و تاکید دارد خوب شنیدن دغدغه‌ی افراد، قطعاً باعث می‌شود مطالب ما هم به خوبی توسط جامعه شنیده شود.





## • به نظر شما مهم‌ترین رویکرد تشکل‌های فرهنگی برای تحقق خواسته حضرت آقا درباره مشارکت حداکثری چه باید باشد؟

همان‌طور که در سوال شما هم بود حضرت آقا تکلیف کردند و مطالبه دارند از جریان‌های فرهنگی و هر کسی که صدایش به جامعه می‌رسد در میدان تبیین ورود کند. امروز نوک میدان تبیین به سمت ایجاد مشارکت حداکثری و مشارکت همه مردم در انتخابات است. در ادای این تکلیف طبیعتاً همه موسسات و تشکیلات فرهنگی نقش دارند. در روزهای نزدیک به انتخابات هیجانات انتخاباتی و موضوعات مختلف بر فضا غالب و از برخی از ضرورت‌های غفلت می‌شود که باید توجه‌ها را به این ضروریات جلب کرد. در مواجهه با میدان انتخابات مجموعه‌های فرهنگی و انقلابی دودسته ماموریت دارند؛ بخشی از این ماموریت، توانمندسازی و انسجام و آگاهی بخشی دورنی است و بخش دیگر با طراحی و کنشگری در عملیات‌های تبیینی بیرونی تعریف می‌شود. ما در ابتدا به ساکن باید نیروهای مجموعه خودمان را نسبت به مسائل، موضوعات، شبهات و دغدغه‌هایی که در میدان انتخابات وجود دارد، آگاه و توانمند کنیم. این اتفاق باید با یک انسجام جدی به عنوان ماموریت اساسی در درون مجموعه‌ها تعریف شود. عموماً از پرداخت به این ضرورت غفلت می‌کنیم و فرمان این است که بچه‌های ما بچه‌های انقلابی هستند، از کسانی هستند که به دلیل داشتن دغدغه در این مسیر قرار گرفته‌اند،

به این موضوع فکر نمی‌کنیم که ابتدا به ساکن نیاز داریم مجموعه خودمان را آگاه و توانمند کنیم و به یک انسجام جدی برسائیم تا در مرحله‌ی دوم کارمان موفق شویم. مرحله دوم کار ما طراحی عملیات‌هایی با روش‌های منطبق بر ذائقه‌ی مخاطب و اهداف تشکیلاتی مجموعه است. بخش اول مقدمه‌ای است بر بخش دوم؛ یعنی اگر ماموریت در بخش اول جدی گرفته نشود، برنامه‌ها با پیش‌فرض‌های اشتباهی جلو می‌رود. روسای تشکل‌ها اینطور فکر می‌کنند که همیشه مجموعه درونی آن‌ها آماده عملیات هستند. وقتی با این پیش‌فرض و بدون آمادگی وارد میدان شویم، احتمالاً در میدان علمیات دچار نقص‌ها و چالش‌های جدی خواهیم شد. لذا برای تحقق عملیات‌ها و نتیجه‌دادن ماموریت‌های تبیینی مجموعه و طراحی‌هایی درست، بخش اول ماموریت را باید بسیار جدی بگیریم. طبیعتاً وقتی انسجام و توانمندسازی و آگاهی در درون مجموعه بالا رفت، بروز ایده‌ها و تفکرهای مختلف برای طراحی‌های متنوع و منطبق بر ذائقه‌های مختلف مخاطب آسان‌تر خواهد بود. برای تحقق هدفگذاری مشارکت حداکثری در انتخابات پیشرو، ماموریت تشکل‌ها این است که خود را در این دو بخش؛ بحث تبیین حداکثری ابتدا در درون خودشان و بعد هم با یک آمادگی به لحاظ مسلط بودن بر مباحث و حساسیت انتخابات برای طراحی‌های بیرونی، آماده و بعد وارد میدان انتخابات شوند و ایده‌های مختلف را پیاده کنند. این را بدانیم که فعالیت‌های تشکیلاتی در عرصه‌های فرهنگی از نظر ماهیت، ارتباط محکمی با فعالیت‌های سیاسی دارند و در واقع می‌توان هر دو را از یک شکل و نوع دانست.

## **خودتشکل‌های فرهنگی هم در امور تشکیلاتی مشکلات فراوان دارند. به نظر شما آیا حل این مشکلات می‌تواند به رشد نقش آفرینی سیاسی آن‌ها کمک کند؟**

برای پاسخ به این سوال باید مفهوم کنش سیاسی در تشکل‌ها را مشخص کرد. امروز با تنوع و تکثر زیادی از تشکل‌های حزبی مواجه هستیم. این‌ها معمولاً فقط نام هستند و یک تشکل سیاسی جدی که بتواند اجتماع جدی از مردم را با خودشان همراه کنند یا در عرصه سیاسی کنشگری‌های جدی داشته باشد، نیستند. اوایل انقلاب حزب جمهوری اسلامی وجود داشت که یک تشکل سیاسی دارای کلونی جمعیت گسترده و طرفداران متعدد بود. اگر مفهوم عمل سیاسی در تشکل‌ها را به معنای عمل حزبی به معنای ورود به مصداق‌نمایی‌ها در نظر بگیریم، تشکل‌های فرهنگی باید از این مسیر دوری کنند. تشکل‌های فرهنگی موظف هستند در عمل و کنش خودشان منطبق با مجموعه اهدافی که دارند، حتماً جایی را برای تحقق سیاست‌های کلان امام جامعه در نظر بگیرند. سیاست کلان امام جامعه در موضوع انتخابات مشارکت حداکثری

است، پس هیچ مجموعه فرهنگی نمی‌تواند نسبت به مشارکت حداکثری بی‌تفاوت باشد. با استدلال به اینکه مادر سیاست‌های کلان پیرو امام جامعه هستیم و طبیعتاً سیاست‌های امام جامعه برای ما خط‌مشی است، باید کنشگری‌های فرهنگی را در نقطه‌ای که سبب تحقق خط‌مشی اصلی فرمان امام جامعه باشد هدایت کنیم. فعالیت‌های سیاسی به منزله‌ی تحقق سیاست‌های اعلامی امام جامعه قطع به یقین عملی واجب، فوری و جدی به‌ویژه در ایام انتخابات است. آسیب، ورود در مصادیق است؛ یعنی اگر در مصادیق ورود شود مسیر اصلی تشکل دچار چالش خواهد شد.

### **. پس نسبت فعالان و تشکل‌های فرهنگی با کار سیاسی چیست؟**

گفتم اگر فعالیت‌های سیاسی را به منزله‌ی تحقق سیاست‌های اعلامی امام جامعه بدانیم، عملاً جدایی بین حرکت عمومی فرهنگی برای تحقق مأموریت‌ها و اهداف فرهنگی با عمل سیاسی وجود نخواهد داشت. چون مجموعه‌های فرهنگی، برآمده از متن مردم هستند و دغدغه‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و اقداماتی که انجام می‌دهند از مردم و برای مردم است. یعنی در این میدان اصلی‌ترین و موثرترین کنشگران مردم هستند. لذا مجموعه‌ها و تشکل‌های فرهنگی هم تکلیف و وظیفه پیدامی‌کنند در میدان سیاسی به صورت واضح ورود کنند. میدان جهاد و به تعبیر حضرت آقا میدان جهاد تبیین باز است و نیاز به نقش‌آفرینی تشکل‌های فرهنگی دارد. پس نمی‌توان نسبت فعالان و تشکل‌های فرهنگی با کار سیاسی را از هم تفکیک کرد.

### **. یک فعال فرهنگی از خود می‌پرسد حوزه**

**فعالیت سیاسی کسی همچون**

**من که خود را ملزم به حضور در**

**عرصه‌های فرهنگی می‌داند،**

**تا چه حد است...**

ببینید بزرگترین بخش جهاد

تبیین، آگاهی بخشی است.

ما سال‌هاست که با یک

مسئله جدی



دست و پنجه نرم می‌کنیم و این مسئله، عدم آگاهی عمومی یا ضعف آگاهی عمومی نسبت به تکالیف و وظایف هر یک از ارکان و تاثیرگذاران نظام است. همیشه در این زمینه تعطل داشتیم. مثلاً در گذشته در تبیین مأموریت‌ها و وظایف رهبری اینقدر کوتاهی شد تا خود امام جامعه مجبور شدند ورود کنند و تکالیف رهبری را برای جامعه تبیین نمایند. یعنی بگویند رهبری چه وظایفی دارد. افرادی که در تبیین این مأموریت، وظایف داشتند کاری در این زمینه نکرده بودند تا امام جامعه ورود کردند. اگر این اتفاق به موقع رخ می‌داد دیگر بعد از هر انتفاقی در جامعه تمام فلش‌ها از زاویه دید عوام و مردم به سمت رهبری نبود. چون طبق قانون اساسی رهبری تکالیف مشخصی دارد. بخش عمده‌ای از مأموریت‌ها و جریان‌های فرهنگی این است که قابلیت‌ها و وظایف هر کدام از ارکان نظام را تبیین کنند. مثلاً مادر آینده نزدیک انتخابات مجلس را پیشرو داریم، باید وظیفه مجلس شورای اسلامی تبیین شود. هر نماینده‌ای که از یک شهر یا از یک منطقه انتخاب می‌شود چه تکالیفی بر عهده دارد. مأموریت‌های یک نماینده مجلس چیست؟ پس آگاهی بخشی به جامعه نسبت به وظایف و تکالیف هر کدام از ارکان نظام مهم است. اگر بشود نوع دغدغه‌ها و انتظارات مردم را مشخص و دقیق با همان چیزی که قانون برای ارکان جامعه در نظر گرفته است منطبق کرد، طبیعتاً مطالبه مردم واقع بینانه خواهد بود. نکته دوم بحث سیاه‌نمایی است که نسبت به نظام اسلامی می‌شود. ما باید به خیلی از این شبهات و دغدغه‌هایی که توسط دشمنان ایجاد می‌شود و بر سر زبان‌ها می‌افتد، پاسخ‌های مشخصی داشته باشیم. مجموعه‌های فرهنگی موظف هستند هم به پیدا کردن این خلاءها و آسیب‌ها و شبهات کمک و هم پاسخ‌های مناسب را پیدا کنند. مجموعه‌ها، موسسه‌ها و تشکل‌های فرهنگی تکالیف دارند بعد از اینکه آگاهی دادند و شبهات را برطرف کردند، شاخص‌های انتخاب‌های برتر، آنی که مردم را ساعت‌ها می‌کند از کلام و بیان امام جامعه برای مردم تبیین کنند. سوال مشخص این است که به چه کسی رای بدهیم که اتفاقات بهتری برای کشور رقم بخورد؟ آگاهی بدهیم که وظایف این رکن از نظام که در معرض انتخاب مردم قرار گرفته است چیست، به شبهات پاسخ دهیم و اینکه بتوانیم شاخص‌های انتخاب اصلح را تبیین کنیم. این‌ها سه وظیفه تشکل‌های فرهنگی در عرصه انتخابات است.

## • با وجود این بحث‌ها، آیا دخالت مستقیم و حمایت آشکار از یک نامزد خاص را به صلاح می‌دانید؟

دخالت مستقیم مجموعه‌ها، تشکل‌ها و جریان‌های فرهنگی در انتخابات اگر به این معنا باشد که در مصادیق ورود و افرادی را معرفی کنند صد درصد آسیب‌زا و آسیب‌زننده

است. این به منزله‌ی عدم شجاعت در معرفی مصداق نیست، به منزله این است که جریان فرهنگی پشت سر شاخص‌ها و ارزش‌ها قرار می‌گیرد، نه پشت سر افراد. چون انسان‌ها خطا کار هستند، اما شاخص‌ها پایدار و ثابت هستند. این خیلی مهم است. ما از کسی حمایت می‌کنیم که در مسیر انقلاب باشد یا به تعبیری انقلابی باشد. انقلابی بودن یک شاخص است. وقتی ما شاخص انقلابی بودن را مطرح می‌کنیم هر انسانی که این شاخص را داشته باشد طبیعتاً در دامنه انتخاب مردم قرار می‌گیرد. بارها دیده شده است که معرفی فرد یا افراد و پشت سر افراد قرار گرفتن نتیجه‌بخش نبوده است. یک مجموعه فرهنگی پشت سر یک فرد می‌ایستند، هرچند آن فرد یک فرد انقلابی است و شاخص‌هایی را دارد اما بعد از گذشت مدتی آن افراد دچار آسیب‌هایی شده‌اند، آن وقت مردم و بدنه‌ی جامعه و مخاطبان این اتفاق را از چشم فلان مجموعه فرهنگی می‌بینند. اصل قضیه این است که وقتی یک شکل فرهنگی یک هدف متعالی دارد و گوش به فرمان امام جامعه است، طبیعتاً باید پشت شاخص‌ها بایستند. حتماً این شاخص‌ها را امام جامعه تعیین کرده است. لذا این شاخص‌ها را اینقدر برجسته می‌کند، می‌شکافد و صفات متصل به آن را معرفی می‌کند تا مردم بتوانند به راحتی مصادیق آن را پیدا کنند. هرچقدر که ما بتوانیم روی این شاخص‌ها کار کنیم و نحوه شناخت افراد را بر اساس شاخص‌ها، برای مردم باز کنیم، انتخاب مردم دقیقتر خواهد بود. حالا هر آنچه که اتفاق می‌افتد و هر فردی که انتخاب می‌شود، اگر با نظام تبیین مجموعه فرهنگی باشد به انتخاب اصلح نزدیکتر خواهد بود.



## • به یک آسیب جدی اشاره داشتید و آن اینکه برخی از نامزدها با وعده‌های دروغ سعی در جمع کردن رای دارند. شیوه برخورد با این موضوعات چگونه است؟ آیا موضع‌گیری منفی در برابر نامزدهای فریب‌کار به صلاح است؟

اگر قرار باشد برخی از نامزدها وعده دروغ بدهند و تشکل‌ها نسبت به این وعده‌ها کنشی داشته باشند، در بعد زمانی تکالیف تشکل‌های فرهنگی به قبل و بعد از انتخابات تقسیم می‌شود. در سوالات قبل توضیح دادم که تشکل‌ها قبل از انتخابات چه تکلیفی دارند و باید آن انسجام دورنی و توانمندسازی و همچنین طراحی عملیات و کنشگری بیرونی را انجام بدهند. مجموعه‌ها و تشکل‌های فرهنگی بعد از انتخابات باید در نقش مطالبه‌گر حقوق مردم ظاهر شود و وعده‌های کسانی که رای آورده‌اند تا محقق شدن دنبال کنند. یعنی از طریق مطالبه‌گری صدای مردم باشند. باید این صدای مردم بودن راهمه ببینند. یکی از دلایل اصلی اقبال کم مردم به مجموعه‌ها و فعالان فرهنگی همین است. مجموعه‌ها و فعالان فرهنگی پیش از انتخابات با شور و هیجان با هدف تضمین مشارکت حداکثری مردم پا به میدان انتخابات می‌گذارند و بعد از انتخابات به ماموریت‌های خودشان بر می‌گردند و یادشان می‌رود که باید در کنار مردم باشند و مطالبات جدی مردم را فریاد بزنند. اگر مردم ببینند مجموعه‌ها و تشکل‌های فرهنگی چه قبل و چه بعد از انتخابات در کنار آن‌ها ایستاده‌اند، اتفاقاً نظام مواجهه و تبیین برای مردم در دوره‌های آینده بسیار ساده و روان خواهد بود. تاثیرات این رویکرد مختص انتخابات هم نیست، در سایر حوزه‌های تبیین هم کار، تسهیل خواهد شد. اگر مردم را بعد از انتخابات رها کنیم، این تعارض در ذهنشان به وجود می‌آید که آن زمان که صندوق رای به حضور آن‌ها نیاز داشت به دعوت و فراخوان همین مجموعه‌ها آمدند و شرکت کردند، اما امروز که روز پیگیری وعده‌های داده شده توسط نمایندگان است کسی نیست و مردم تنها مانده‌اند. این رویکرد آفت بزرگی است و باید تکلیف بعد از انتخابات را فراموش نکرد و از آن غافل نشد.

## • یک تشکل فرهنگی، هنگامی که به سیاست وارد می‌شود، ممکن است از اهداف خود دور شود. چه بسا درگیر جناح‌بندی‌ها شود. چگونه می‌توان میان فعالیت فرهنگی و سیاسی، تعادل برقرار کرد؟

اگر مجموعه‌های فرهنگی می‌خواهد در انتخابات دچار افراط و تفریط نشوند، باید دو راهبرد جدی را دنبال کنند. در تحقق این دو راهبرد فرماندهان و روسای تشکل‌های فرهنگی به شدت نقش‌آفرین هستند. در راهبرد اول باید با مرور اهداف و آرمان‌های تشکیلاتی هر مجموعه، نقش و جایگاه آن در میدان تحقق سیاست‌های امام جامعه



تعریف شود. این کاری است که راس تشکیلات باید در بخش آگاهی بخشی و انسجام درونی انجام دهد. باید مشخص کند اگر هدفی را دارند دنبال می کنند ذیل این هدف، تکلیف، فرمان و ماموریتی دارند که آن راهم دنبال کنند و به نتیجه برسند. نیاز است آرمان و هدف مجموعه مشخص شود و تعیین شود که کجای این آرمان و هدف نقطه ورود به عرصه انتخابات و کنشگری سیاسی است. راهبرد دوم، فاصله نگرفتن از مبنا و شاخص هایی است که امام جامعه بیان کرده است؛ یعنی این مبانی و شاخص ها را ملاک و معیار قرار بدهند و دئامانوع کنشگری خودشان را با این شاخص های تنظیم کنند. این شاخص ها قطب نمایی است که مسیر را دقیق نشان می دهد. برای دور

نشدن از مسیر و جاده اصلی باید با قطب نمای شاخص و مبانی امام جامعه حرکت کرد. این نیاز به بروز بودن، جلسات و پیگیری های متعدد و آسیب شناسی مستمر دارد. در غیر این صورت هر گونه هیجان زدگی در ایام انتخابات و کنشگری سیاسی که دچار افراط و تفریط شود، مجموعه تشکل های فرهنگی را ضعیف خواهد کرد. این ضعف به مرور و بعد از انتخابات حتما خود را نشان خواهد داد.



• **در یک کلام، در شرایط فعلی،**

**مهمترین رسالت انتخاباتی تشکل ها و فعالان فرهنگی چیست؟**

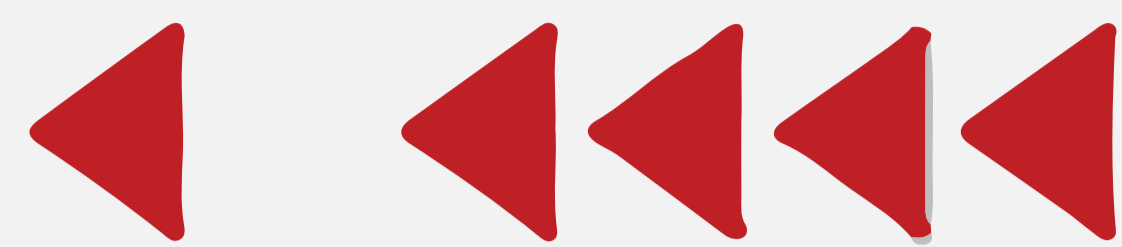
مهمترین رسالت انتخاباتی تشکل ها و فعالان فرهنگی در ایام انتخابات، مسئله تبیین است. ما اغلب مسئله تبیین را به گفت و گوی حضوری تعبیر می کنیم. مرحله اول جهاد تبیین رساندن صداست؛ یعنی ما باید در نقطه ای قرار بگیریم و به نوعی طراحی عملیات داشته باشیم که صدای ما به افراد بیشتری از جامعه برسد. برای تحقق این هدف می توان در فضای مجازی و حقیقی راهکارهای متعددی را دنبال کرد تا صدای ما یک صدای گیرا و رسایی باشد. برای رسیدن به این هدف نیاز به یک شبکه ی هماهنگ، منسجم و جدی وجود دارد. این کار منوط به انجام یک عملیات بزرگ و وسیع نیست، می توان کار را از یک محله شروع کرد یا می توان کار را از سر سفره خانه ها شروع کرد. پدر

خانواده سر سفره می‌تواند در حوزه جهاد تبیین نقش آفرین باشد. نکته‌ی اساسی، رسیدن صدای ما به عموم جامعه است. امروز رسانه‌های رسمی و پیامرسان‌ها می‌توانند این اتفاق را رقم بزنند. همه ما تا اینجای کار را واقف هستیم، ولی غفلت ما از پرداخت هنرمندانه و تولید محتوا منطبق بر ذائقه‌ی مخاطب است. رساندن صدا به مردم نیاز به طراحی درست است و قلق دارد. باید هم از ظرفیت مجموعه تشکلی خودمان استفاده کنیم و هم از ظرفیت شبکه پیرامونی ما که دغدغه‌ی مشترک دارند. متأسفانه در مسئله آگاهی بخشی ضعیف هستیم و تاکنون کار جدی انجام ندادیم. توضیح دادم که خروجی کار ما این است که تکالیف ارکان نظام به خوبی تبیین نشده است. نوع مطالبات مردم خارج از ابعاد و ظرفیت‌های قانونی افراد و ارکان نظام است. ممکن است برخی از نامزدها از این ناآگاهی سوءاستفاده کنند؛ یعنی وعده‌هایی را می‌دهند که می‌دانند هیچ نقشی در تحقق این وعده‌ها نخواهند داشت. نکته بعدی این است که باید محتوای تولید شده را به خوبی به اشتراک بگذاریم. متأسفانه در این موضوع هم ضعیف هستیم. شاید احساس ما این است که باید صفر تا صدر کار را حتما خودمان اجرا کنیم، ولی این را در نظر نمی‌گیریم که ممکن است ایده خوب من را مجموعه فرهنگی دیگری دیگری که امکانات مناسبی دارد می‌تواند بهتر انجام دهد. به این‌ها اصلاً فکر نمی‌کنیم. اشتراک‌گذاری ایده‌ها و طرح‌ها از رسالت‌های جدی مجموعه‌های فرهنگی برای تحقق آرمان شبکه‌سازی است.

## **• دشمن در همه انتخابات‌ها، خصوصاً در انتخابات آینده، روی بی‌میل نشان دادن مردم برای شرکت در انتخابات تمرکز کرده است. برای شکستن این جو و فضا باید چه کار کرد؟**

باید سوال اصلی و اساسی آدم‌هایی را که احتمالاً رغبتی به حضور ندارند، پیدا کنیم. سوالات و شبهات فراوانی در ذهن مردم است و با بررسی مختصری می‌توانیم سوالات اصلی مردم را حدس بزنیم و براساس آن‌ها طراحی‌ها و روش‌هایی را آماده کنیم. به طور مثال در بحث رای اولی‌ها که جامعه مخاطب بزرگی هم هستند و می‌توانند در مشارکت حداکثری موثر باشند، ما در سال ۱۴۰۰ طراحی‌ها و اقداماتی را تدارک دیده بودیم. اول اینکه هر کدام از این رای اولی‌ها که انگیزه جدی برای شرکت در انتخابات و تعیین سرنوشت سیاسی خودشان داشتند، شناسایی کردیم. شبکه‌ای از رای اولی‌ها تشکیل شد و این‌ها به کار گرفته شدند. در واقع از فرصت حضور آن‌ها به عنوان کسانی که می‌توانند پرسشگر باشند، سوال مطرح کنند، مجری یک برنامه رسانه‌ای باشند، سوالات و دغدغه‌های هم‌سن و سال‌های خودشان را مطرح کنند، استفاده کردیم.

در این سن نگاه و توجه به همسالان خیلی مهم است. بچه‌هایی که در قلب و دل خودشان به ارزش‌هایی از انقلاب اسلامی احترام قائل هستند، شناسایی شدند. تحلیل درست شرایط هم مهم است. فرض کنید برخی از این بچه‌ها ادبیات حضرت آقا و شهید بزرگوار حاج قاسم سلیمانی رامی‌پسندند، باید از این‌ها استفاده کنیم. خود ما در استان مازندان در روز انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰، با قریب به ۵۰ هزار دانش‌آموز از طرف مخابرات تماس صوتی گرفتیم و این نقل قول شهید حاج قاسم سلیمانی که «جمهوری اسلامی حرم است» و در نهایت صوت یک نوجوان که می‌گفت ما آماده‌ایم این حرم را حفظ کنیم و همه با هم پای صندوق حاضر خواهیم شد... پخش کردیم. صدای حاج قاسم را که نوجوانان قبولش دارند در روز انتخابات به گوش ۵۰ هزار دانش‌آموز که مخاطب اصلی هستند رساندیم. این اتفاق در روز انتخابات خیلی از افراد را پای صندوق رای آورد. سال ۱۴۰۰ رای اولی‌ها در استان مازندان مشارکت ۷۰ درصدی داشتند. پس پیدا کردن سوال اصلی افرادی که رغبتی برای شرکت کردن در انتخابات ندارند مهم است. باید این سوالات را گردآوری و آن‌ها را اولویت‌بندی و پاسخ‌های مناسب را آماده کرد. باید در مواجهه و گفت‌وگو با این افراد اجازه‌ی پرسش و بیان مطلب را به مخاطب داد. حرف خیلی از این‌ها تا کنون شنیده نشده است، کسی با دقت نکات و دغدغه‌ای این‌ها را گوش نداده است. همین که افراد احساس کنند نکات و دغدغه‌ها و صحبت‌های این‌ها با دقت شنیده می‌شود، قطعاً با دقت هم به صحبت‌های طرف مقابل گوش می‌دهند. گفت‌وگو یک قاعده‌ی دو طرفه است. اگر این اصول بدیهی رعایت شود آن وقت تلاش‌های ما هم می‌تواند تاثیرگذار باشد. پس باید سوال اصلی را پیدا کرد و آماده مواجهه با افراد شد و اجازه داد تا حرف خود را بزنند و به دقت هم باید به حرفشان گوش داد. در برابر این افراد باید بیش از اینکه زبان‌گویا باشیم نیاز است گوش شنوا باشیم و بتوانیم دغدغه‌ها و نکات آن‌ها را بشنویم. خوب شنیدن دغدغه‌ی افراد، قطعاً باعث می‌شود مطالب ما هم به خوبی توسط آن‌ها شنیده شود. □



# راهبرد جاهلانه یا خائنانه؟!

یک انتخاب در بزنگاه انتخابات؛

فرض بفرمایید سگ هاری قصد تهاجم به شما دارد، از آن جا که سیستم بدن انسان بسیار هوشمند است به محض این که متوجه شود خطری در آستانه وقوع است، سریعاً هورمون های متناسب را ترشح می کند تا در مقابل آن تهاجم، واکنش نشان دهد.



محمد حسن استرحام

اولین اتفاق بعد از ترشح هورمونها، «ازدیاد مقاومت» و چند برابر شدن «قدرت تاب آوری» است. یعنی بدن در مقابل آسیب ها مقاومت بسیار بیشتری از خود نشان می دهد و حتی سطح درد را تا مقدار قابل توجهی پایین می آورد. دومین اتفاق بعد از ترشح هورمون ها، «ازدیاد توان» و زور ماهیچه هاست، یعنی بدن در زمان حمله، توانش چندین برابر می شود و می تواند کارهایی انجام دهد که در حالت معمولی از عهده آن بر نمی آمد.

سومین که بیشتر در حوزه روحی و معنوی رخ می دهد، این است که شخص به اصطلاح، سیمش به عالم معنا وصل می شود و به صورت فطری (بدون توجه به دین دار بودن یا بی دین بودنش) حالت تضرع و رجوع به خداوند در او رخ می دهد و قدرت معنوی را برای نجات خود به یاری می طلبد.

حال فکر کنید دارویی به شخصی خورانده شود که متوجه نشود تهاجمی در حال رخ دادن است. در نتیجه بدن نمی تواند به موقع هورمون های متناسب را ترشح کند و سیستم دفاعی بدن که همان سه مرحله ذکر شده را به اجرا در می آورد، منفعل شود.

در این حالت به سرعت آسیب‌هایی جدی و بعضاً جبران‌ناپذیر در جسم و روح شخص پدیدار می‌شود.

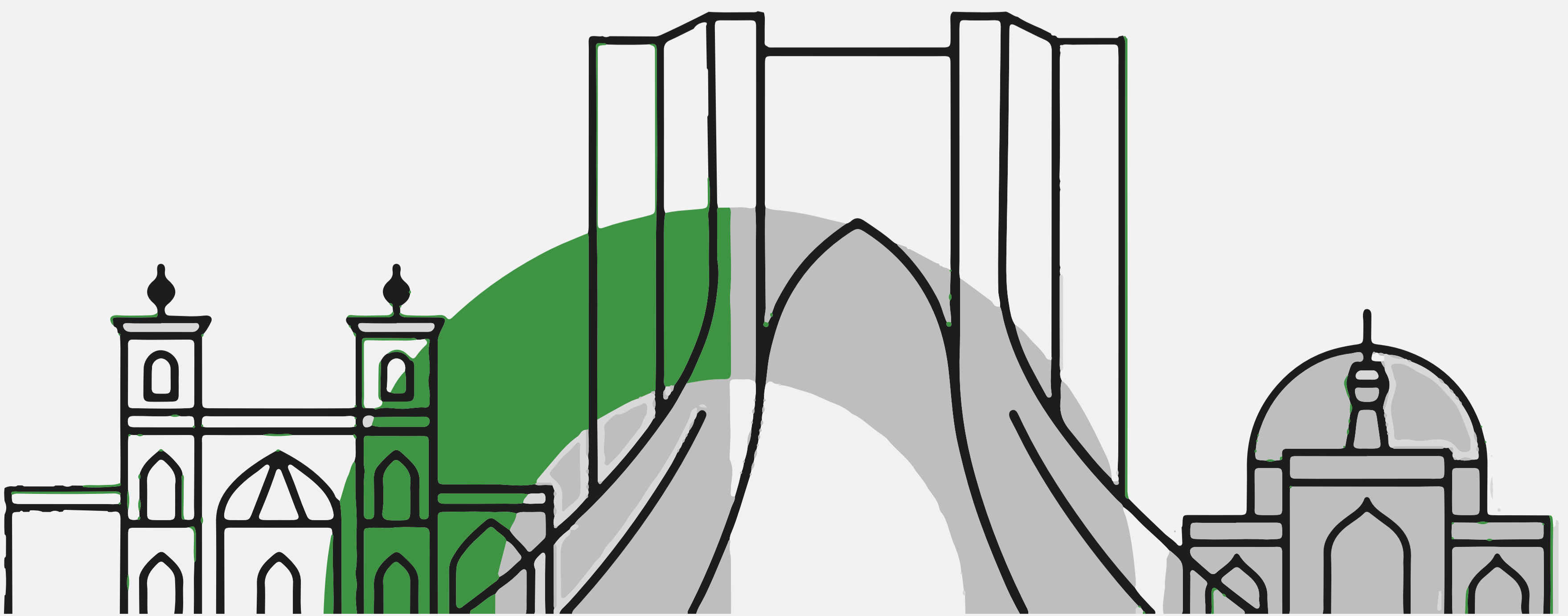
■ **برویم سراغ اصل ماجرا:** ماجرا این است که دشمن در چند سال اخیر با رصد ضعف در دولت‌مردان، یک جنگ بی‌سابقه و هیبریدی در تمام جبهه‌های اقتصادی، روانی، رسانه‌ای، سیاسی، نظامی، اعتقادی، امنیتی، اطلاعاتی و... علیه مردم ایران آغاز کرده است. بعد از ترور و وحشیانه حاج قاسم، این جنگ از حالت پشت پرده خارج شد و رسماً حالت علنی به خود گرفت. هر روز (دقیقاً هر روز) مرحله‌ای از این نبرد به اجرا در می‌آید.

حال دو نوع راهبرد برای مقابله با این تهاجم و جنگ جدی و خطرناک می‌توان طراحی کرد:

■ **الگوی اول:** اطلاعات دقیق و شفاف از جنگ همه‌جانبه، به آحاد مردم که در نوک پیکان هجوم قرار دارند، منتقل کنیم تا هورمون‌های متناسب ترشح و سیستم دفاعی (در قالب سه مرحله ذکر شده) فعال شود. بدین ترتیب از یک طرف، قدرت تاب‌آوری و توان مردم چند برابر می‌شود و از طرف دیگر، ارتباط معنوی و توکل و توسل و تضرع آنان به صورت چشمگیری رشد می‌کند، حالتی که منجر به ایجاد قدرت شکست‌ناپذیر معنوی می‌شود. همان قدرتی که در جبهه‌های دفاع مقدس، ما را در برابر همه ابرقدرت‌های جهان پیروز میدان‌ها کرد.

■ **الگوی دوم:** به خاطر این که مردم دچار «استرس» و اضطراب نشوند، جاهلانه، آن‌ها را در یک گیجی گنگ و مبهم فرو بریم که متوجه نشوند در وسط یک میدان جنگ و تهاجم بی‌سابقه و واقعی قرار گرفته‌اند. با این کار هورمون‌های متناسب ترشح نمی‌شود و سیستم دفاعی اجتماع، منفعلانه دائماً غافلگیر می‌شود و روز به روز، ضعف و انکسار و ناامیدی بالا می‌رود و در نهایت، آحاد مردم را از پای در می‌آورد.

کدام راهبرد کارآمدتر و دلسوزانه‌تر و عاقلانه‌تر است و کدام راهبرد در حال اجراست؟! چرانباید عاقلانه و شفاف و علنی و بدون رودربایستی به مردم بگوییم ترور سردار دلها، حملات سایبری، جنگ بیولوژیک، کرونا، فتنه زازا، تغییرات اقلیمی، ترورهای کور کرمان،



ترورهای هدفمند و هوشمندانه، آشفته کردن بازار، ناامنی مرزها، حمله به جایگاه‌های سوخت، ترویج سازماندهی شده بی‌حجابی، تشویق به عدم مشارکت در انتخابات و... همگی قطعاً از جورچین یک جنگ ترکیبی و ناجوانمردانه و بنیان برکن برای از بین بردن این سرزمین و مردمش است؟ باید این‌ها را بگوییم تا سیستم دفاعی آنان فعال شود؟ چه کسی از ناآگاه نگاه داشتن مردم سود می‌برد؟

بی‌شک تعصب و غیرت و حمیت و توان و مشارکت مردم کشوری که خود را در حال مبارزه و جنگ می‌بیند از کشوری که در آن «همه چی آرومه» هزاران برابر بیشتر است. ختم کلام اینکه این جنگ ادامه دارد و اگر با همین دست فرمان، راهبرد درستی در آگاه‌سازی مردم توسط رسانه‌ها انتخاب نشود، قطعاً به نقطه مطلوبی نخواهیم رسید. □

# فایده‌دار بودن انتخابات را تبیین کنیم

راهکارهایی برای حضور فعالان فرهنگی در عرصه انتخابات:

محمد تقی زاده گنجی، چند سالی هست در زمینه‌های مختلف فرهنگی، خصوصا حوزه‌های مرتبط با مدیریت اسلامی و تشکیلات فعالیت می‌کند. هدف اصلی این فعالیت‌ها توسعه گفتمان کار تشکیلاتی و رساندن مبانی اسلامی و انقلابی به میدان عمل است. وی در این یادداشت به تبیین جنبه‌های مختلف فعالیت‌های فرهنگی و سیاست پرداخته است.



## حساس تر از همیشه

مسئله انتخابات یکی از مصادیق مشارکت مردم در شئون حکمرانی در حکومت اسلامی است. از این منظر و با توجه به هجوم دشمنان اسلام و انقلاب برای ایجاد ناامیدی نسبت به آینده، اهمیت مشارکت در انتخابات ملموس تر از هر زمان دیگری است. بدون شک گروه‌های مردمی و تشکل‌های فرهنگی که دغدغه‌مندانه روی مسائل مردم و انقلاب اسلامی کنشگری دارند، در این زمینه مسئول هستند. مقام معظم رهبری همگان، به خصوص فعالین مردمی را افسران جهاد تبیین خواندند و فرمان جهاد را

در این زمینه صادر کردند. پس برگردن ماتکلیف جهاد قرار گرفته و تشکل‌ها به عنوان پیشران حرکت‌های مردمی، فرماندهان این جهاد هستند.

## فرهنگ سیاست‌رामी سازد

سیاست هیچ وقت نمی‌تواند از مقوله فرهنگ جدا باشد. فرهنگ سازنده سبک سیاست‌ورزی مانیز هست. بدون شک با تقویت فعالیت‌های فرهنگی، می‌توان نسبت به بهبود فضای سیاسی جامعه نیز اثرگذار بود. یک حرکت تشکیلاتی جان‌دار با طراحی و برنامه‌ریزی درست، گاهی می‌تواند یک موج جریان‌ساز موثر به راه بیاندازد. مادر شرایط کنونی به چنین فعالیت‌های فرهنگی نیاز داریم تا بتواند موجی از حضور و مشارکت مردم در سرنوشت خودشان را برای آینده روشن و فتح قله‌ها رقم بزنیم.

## از مصداق پیرهیزیم

بدون تردید ورود مصداقی در انتخابات باعث اعتمادزدایی از تشکل در میان آحاد مردم می‌شود. چراکه اولین برچسبی که به تشکل فرهنگی انقلابی مامی خورد، برچسب جانبداری و منفعت‌طلبی از این حمایت است. از طرف دیگر با ورود مصداقی به عرصه انتخابات و حمایت از یک نامزد خاص، کمک از روی دغدغه‌های انقلابی و آرمانی جایش را به طرف‌داری‌ها و حب و بغض‌های شخصی می‌دهد.

در مقابل این الگوز ورود به انتخابات، چه الگوی جایگزینی داریم؟ بهترین الگوی ورود، ورود جریانی به انتخابات است. تشکل انقلابی باید از آرمان‌ها و شعارهای انقلاب دفاع و آن را سر دست بگیرد و جریان‌های همسو با این مسیر را مورد حمایت قرار دهد، ولی نه به معنای جانبداری از نامزدی خاص، بلکه با نشان دادن تابلوی راهنما به مردم. بدیهی است که هر کس در جهت این تابلو راهنما حرکت کند، مورد حمایت است. با این تفاوت که ما فرد را نشان مردم نداده‌ایم، راه را نشان مردم داده‌ایم؛ به مردم قدرت





تمییز و تفاوت قائل شدن داده‌ایم. به مردم قدرت تشخیص دادیم. این گونه عمل کردن برای تشکل ما، مرجعیت در میان مردم ایجاد می‌کند، چون نمود تشکل در میان مردم همان نمود دغدغه‌مندانه و انقلابی است.

## مهم‌ترین رسالت

در شرایط کنونی تمام گروه‌ها و فعالین باید بخش قابل توجهی از توان خود را روی مشارکت حداکثری متمرکز کنند. شرایط جامعه به نحوی است که بازی‌های رسانه‌ای دشمن و بعضاً سوء تدبیرهای برخی مدیران، بخشی از جامعه در شک و تردید نسبت به شرکت در انتخابات هستند. باید روی این افراد سرمایه گذاری کرد. چند فعالیت در این زمینه بسیار حائز اهمیت است:

■ **اول** اینکه باید مخاطب‌شناسی دقیقی داشت. کدام مخاطبین در حال حاضر بیشترین تردید را برای شرکت در انتخابات دارند. وقت خود را با افراد مصمم به شرکت در انتخابات یا مصمم به شرکت نکردن در انتخابات تلف نکنیم!

■ **دوم** مسئله زمان است. زمان بسیار محدودی تا انتخابات مانده. در زمان محدود باید کار تهییجی و عقلانی را توأمان پیش برد. اگر از منظر انسان‌شناسی و فلسفه بخواهیم به ماجرانگه بیاندازیم، غلبه احساسات و تمایلات می‌تواند بدون تعقل هم حرکت ایجاد کند، ولی تعقل بدون گرایش و احساس قادر به ایجاد حرکت نیست؛ این نکته بسیار مهمی است. باید شور انتخاباتی در شهرها و معابر ایجاد و فضای کشور را از نشاط انتخابات پر کرد. الان این شور حس نمی‌شود. مردم در خیابان‌ها و کوچه‌ها و ترافیک و... حرفی از انتخابات نمی‌شنوند.

پس در همین‌جا به یک عملیات مهم می‌رسیم: باید تاملی توانیم حرکت‌های میدانی، خیابانی، جشن‌ها، مناظرات خیابانی، تریبون آزاد و... را افزایش دهیم. دشمن در فضای مجازی بر جوان و نوجوان ماسلط شده، ولی میدان واقعی زندگی در دستان ماست. خیابان‌ها را فتح کنید، معابر را، چهارراه‌ها را! برنامه‌هایتان را جلوی دید مردم ببرید. در پست‌و‌پنهنانی برنامه تولید نکنید. سرو صدای انتخابات، تولید هیجان، شور، احساس و حرکت می‌کند. حال اگر این شور با تعقل ممزوج شود، می‌توان امیدوار بود که اثرگذاری قطعی است.

■ از اینجا به نکته **سوم** می‌رسیم: در محتوا و توجه دادن به عقول چه بگوییم؟ فضای کشور مادرگیر چند مسئله اصلی است.

- گره دوران پهلوی و شبهات آن در اذهان مردم باز نشده و رسانه‌های معاند بسیار از این مسئله سوء استفاده می‌کنند.



- دستاوردهای دولت و مجلس به صورت محسوس و قابل لمس در زندگی مردم و اقشار مختلف احصا و بیان نشده است. عموماً آمار و ارقام روی موضوعات کلان که مردم درکی از ارتباط آن با زندگی خود ندارند داده می‌شود. تا حالا دیده‌اید یک رسانه معاند بیاید از آمار صادرات و ضریب جینی صحبت کند؟! ولی آن‌ها تا دلتان بخواهد درباره قیمت نان و بنزین و... گفته‌اند. چون مردم با قیمت نان و بنزین در کوتاه مدت ارتباط سریعتری برقرار می‌کنند. باید عملکرد را به صورت قابل درک و قابل لمس بیان کرد. طبق بیان مقام معظم رهبری، عده‌ای می‌گویند انتخابات بی فایده است. باید در مقابل اینها فایده‌دار بودن انتخابات را برای مردم تبیین کرد.

- مسئله دیگری که ذهن جوان ما و مردم ما را پر کرده، تبلیغات فانتری و بزرگن مایانه از غرب است. تا این ذهن‌ها از مسئله غرب و خودمفلوک‌پنداری خالی نشود و این بت در اذهان نشکند، حق در ذهن‌ها جاری نمی‌شود. پس مسیر دیگر محتوا، نشان دادن غرب بدون روتوش است.

- مسئله دیگر پرداختن به دستاوردهای انقلاب است. مردم ما از بسیاری از دستاوردهای بی‌خبرند. رسانه‌ها آن قدر خود تحقیقی به خوردشان داده‌اند که کوچک‌ترین دستاوردی برای کشور و انقلاب قائل نیستند. باید به مردم دستاوردها را نشان داد؛ باید سیاهه‌ای از دستاوردهای انقلاب را سر دست گرفت و بیان کرد.

- محور آخر، محتوا پاسخ به شبهات موجود در میان مردم است. بعضی وقت‌ها پاسخ به یک شبهه تردید یک فرد برای شرکت در انتخابات را از بین می‌برد.

### بهترین تجربه

بهترین تجربیات مادر زمینه‌اثرگذاری در جریان انتخابات و مشارکت، طراحی و اجرای عملیات‌های گسترده میدانی شامل حرکت‌های احساسی و عقلانی بوده است. در سال ۱۴۰۰ برای انتخابات ریاست جمهوری، حتی جلسات گفتگوی مستقیم با مردم در پارک‌ها و بازار برگزار کردیم. میزی می‌گذاشتیم و صندلی و میکروفنی قرار می‌دادیم و

گفتگو با مردم را شروع می‌کردیم. در انتهای گفتگو خیلی‌ها با ما هم نظر شده بودند و سوء تفاهم‌ها برطرف شده بود.

## دفاع از آبرو

تشکل‌ها و فعالین فرهنگی باید از آبرویی که برای مشارکت مردم در انتخابات گذاشته‌اند در بعد از انتخاب نمایندگان، دفاع کنند. چگونه؟ با مطالبه‌گری شعارهای انقلاب. ما راه را به مردم این‌گونه نشان دادیم و حالا هم بر سر راه می‌نشینیم و هر مسئولی را که بی‌راهه برود رسوا می‌کنیم؛ فریاد می‌زنیم! ابتدا تذکر می‌دهیم، واسطه می‌گیریم، اگر افاقه نکرد، فریاد می‌زنیم و رسوا می‌کنیم! زیرا آبروی انقلاب از آبروی یک مسئول بی‌کفایت یا خائن به مراتب بالاتر است ■

## نمایندگی می تواند مسائل را حل کند که وامدار کسی نباشد

مشارکت مردم به معنای آن است که هم مردم خود را مسئول بدانند و در اداره امور پا پس نکشند و هم مسئولان و نخبگان، با تعریف نقش برای مردم، فضایی را به وجود آورند که مردم بتوانند در صحنه حضور یابند. این موضوع تنها منحصر به انتخابات نیست، همان طور که در گذشته انقلاب، در دفاع مقدس، پشتیبانی جنگ، نهضت سوادآموزی، مقابله با فقر در قالب جهاد سازندگی و موضوعات



محمد صادق شهبازی  
نویسنده و پژوهشگر

فرهنگی، در الگوهای مختلف شاهد مشارکت مردم بوده ایم. در این همه موارد مردم احساس مسئولیت می کردند و حذر داشتند از این که سرنوشت انقلاب اسلامی به عاقبت حکومت امام علی و امام حسن علیهما السلام دچار شود یا گرفتار عاقبتی شود که نهضت مشروطه و جریان ملی شدن نفت شود یا نهضت های ملت های منطقه نظیر لیبی و سودان به آن رسید. از طرف دیگر، مسئولان هم برای مردم نقش تعریف می کردند. خود حضرت امام در عرصه های مختلف از مسئولان می خواست برای نقش آفرینی مردم میدان به وجود آورند. ایشان هم جلوی روشنفکری را که مدعی بود انقلاب با رسیدن به پیروزی تمام شده است و هم جلوی متحجرانی

که مردم و جمهوریت رابی اثر می دانستند، ایستادند. نهادهای انقلابی که امروز درگیر دیوان سالاری هستند، در ابتدای انقلاب، ساز و کار مشارکت مردم در حکمرانی بودند. در یکی دو دهه اخیر، در عرصه های فناورانه، چارچوبی تعریف شد و مردم توانستند مشارکت کنند، هر چند برخی از شرکت های دانش بنیان و نوظهور دچار انحراف هایی هم شدند.

## ذهنیت اشتباه

در بسیاری حوزه ها، وقتی مسئولان از «مردمی بودن» یا «مشارکت مردم» سخن می گویند، در ذهن شان این گونه جا افتاده که باید با دوربین جایی بروند که مردم در آن جا دچار مشکل هستند، سپس مسئولان پایین دستی را به خاطر کم کاری هایش مواخذه کنند. این ذهنیت با فاعلیت خود مردم و نقش آفرینی آن ها نسبتی ندارد. این منطق در اکثر حوزه های اداره کشور، از اقتصاد گرفته تا فرهنگ و سیاست حاکم است. در عرصه فرهنگ تجربه های فراوانی وجود دارد که نشان می دهد آن جا که توده های مردم وارد صحنه شده اند، موفقیت حاصل شده است. نظام و مسئولان باید بر اساس همان تعبیری که مقام معظم رهبری دارند، الگو و چارچوبی برای مشارکت مردم تعریف کنند.

## در حد مردم

در طول حیات انقلاب، مشارکت مردم در عرصه های مختلف، خصوصاً انتخابات بالا و پایین هایی داشته است. این مشارکت، در درجه اول با اعتماد مردم به مسئولان در



ارتباط است. مردم باید احساس کنند که مسئولان به فکرشان هستند و صادقانه برای آن که مشکلاتشان را حل کنند، تلاش می‌کنند. در چنین فضایی، مردم رای خود را موثر می‌دانند. توجه داشته باشید که هر رایی که مردم می‌دهند، دو وجه دارد: اولاً رایی به ثابتهای نظام و چارچوب‌های تعریف شده آن است؛ ثانیاً رایی به تحول و تغییر است. وقتی مردم ببینند برای آن‌ها، تحول به وجود می‌آید، امیدوارتر می‌شوند. اگر مسئولان بین خودشان و مردم تمایز قائل نباشند، مردم به آنان خوش بین می‌شوند. کمیت اسدی درباره وجود مقدس اهل بیت می‌فرماید: «ساسةُ لا کمن یری رعیةً/ الناس سواً و رعیةُ الأنعام»، یعنی اهل بیت سیاستمدارند، ولی نه مثل کسانی که مردم و چارپایان را یکسان می‌بینند... مردم اگر ببینند عده‌ای می‌خواهند آنان را از بازی کنار بگذارند یا کاری کنند که از فکر کردن دست بکشند، واکنش نشان می‌دهند. این که به زور، فهرست‌هایی ساندویچی از نامزدها ارائه شود و ساز و کارهایی تحمیل شود که مردم خارج از آن اجازه نداشته باشند به کسی رای بدهند، خلاف مشارکت مردم است.

## طاغوت‌ها علیه مشارکت

طاغوت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، با مشارکت مردم مخالفند. طاغوت سیاسی کسی است که مردم را به عدم حضور در انتخابات تشویق می‌کند، چه غرب‌گرا باشد، چه از آن محافظه‌کارها و سنتی‌هایی باشد که دوست دارد با عدم مشارکت، طرفدارهای آنان رای بیاورد. برخلاف فضا سازی‌ها، آمارها و نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد مردم به مشارکت در انتخابات علاقمندند و برای حضور در آن، انگیزه دارند، ولی برخی می‌خواهند این واقعیت را وارونه جلوه دهند.

کسانی که با شعارهای روشنفکری، با استفاده از ادبیاتی شبیه تحزب، فضای عمومی، جامعه مدنی و مشابه آن، انتخابات را سرد می‌کنند، طاغوت فرهنگی هستند. در مقابل آنان، طاغوت‌های فرهنگی سنتی هم هستند که گاهی با نام دین دست به تبلیغ مخرب می‌زنند. آنان مردم و مشارکت آنان را نفی می‌کنند و انتخابات را عامل مشکلات می‌دانند.

طواغیت اقتصادی نیز می‌خواهند طوری روی مردم فشار وارد کنند که آنان از صحنه خارج شوند. اگر مردم در صحنه باشند، این طاغوت‌ها دیگر نمی‌توانند به شکلی که امروز جریان دارد، با غارت منابع و معادن، خام‌فروشی کنند و با رانت فراوان، واردات انجام دهند، بدون آن که مالیاتی پرداخت کنند. آنان فقط در صورت خالی شدن صحنه از حضور مردم است که می‌توانند وظایف اصیل حاکمیت، مانند سلامت و آموزش را



به بازار تبدیل کنند و از آن پول درآورند. مشارکت مردم انحصارها را در هم می‌شکند و علامت سوالی بزرگ جلوی بی‌قانونی‌ها قرار می‌دهد. اگر مشارکت بالا وجود داشته باشد و دولت و مجلسی قوی شکل بگیرد، «همایش، نمایش، دوربین» کنار می‌رود و مردم به اهداف خود می‌رسند.

### تحول بدون انتخابات ممکن نیست

مخالفان حضور مردم در انتخابات، با ادبیاتی منسجم، حرف‌های خود را تئوریزه می‌کنند. می‌گویند «رای ندادن یک نوع رای دادن است!» در حالی که اگر مشارکت وجود نداشته باشد و مردم رای ندهند، فرصت طلبان راحت‌تر خواهند توانست به صندلی‌های مجلس دست پیدا کنند و دشمنان خارجی برای ادامه تحریم‌ها دلگرم شوند. بارای ندادن، آنان که نمی‌فهمند یا نمی‌توانند یا نمی‌خواهند، قدرت را در دست می‌گیرند و به خرابکاری دست می‌زنند. خروجی چنین رویکردی، از بین رفتن امکان تحول است.

این نکته رهبر انقلاب در جمع مردم خوزستان و کرمان بسیار مهم است: عده‌ای دنبال تحولند ولی دنبال انتخابات نیستند، در حالی که تحول بدون انتخابات حاصل نمی‌شود. انتخابات عرصه‌ای است که افکار مختلف برنامه‌های خود را ارائه دهند تا گفتمان عمومی عوض شود. متأسفانه در چند انتخابات اخیر، آدم‌ها و جناح‌ها عوض شدند، ولی گفتمان عمومی تغییری نکرده است، زیرا صحنه انتخابات جایی نبوده که افکار مختلف خود را به صورت جدی ارائه دهند تا مردم از میان آنان انتخاب کنند.

عده‌ای در مقابل سوال از برنامه‌هاشان، ادعای می‌کنند که برنامه مهم نیست. خروجی چنین رویکردی این می‌شود که نمی‌دانیم به چه سمتی پیش می‌رویم، در نتیجه مردم احساس می‌کنند رای‌شان مهم نیست. البته در واقعیت، مردم چنین احساسی ندارند و نخبگانی می‌خواهند این احساس را به مردم تحمیل کنند تا انتخابات ایران هم همچون کشورهای غربی برگزار شود.

## مجلس قوی و مجلس ضعیف

در کشورهای دیگر، خصوصاً کشورهای حاشیه خلیج فارس، اقلیتی با استفاده از فرصت‌های سیاسی، در رفاه هستند و اکثریتی با تبعیض و فشار دست به گریبانند. در این کشورها مردم حق انتخاب و حق تعیین سرنوشت ندارند. در ایران رقم بالایی از تایید صلاحیت شده‌ها که در بین آنان گزینه‌هایی جدی هم وجود دارد، از جریان حاکم نیستند، ولی برخی می‌خواهند مردم در انتخابات شرکت نکنند، با این هدف که حق تعیین سرنوشت را از آنان بگیرند.

وقتی مجلسی جدی شکل بگیرد، تصمیمات نابخردانه با واکنش مواجه خواهد شد و کسانی که چنین تصمیماتی را گرفته‌اند، باید جواب پس بدهند. مجلس جدی، کشور را اصلاح می‌کند. در دوره‌هایی، آدم‌هایی در مجلس بوده‌اند که کار را جدی گرفته‌اند و موجب شده‌اند مجلس قوت پیدا کند. بهترین مجلس بعد از انقلاب، مجلس اول بود که نمایندگان آن، عموماً تحصیلاتی در حد دیپلم داشتند، ولی کار را جدی گرفتند. قدرت این مجلس در قوانینی که از سوی آن وضع شده قابل مشاهده است، قوانینی که امروز، پس از چند دهه هنوز هم بسیار دقیق است. نمایندگان آن دوره نه پُز استاد دانشگاهی و نه ادعا داشتند، فقط از میان خود مردم برخاسته بودند. الان برخی مسائل به «کلاس» تبدیل شده، مثل مدرک تحصیلی که یک شرط برای نمایندگی شده است. در برخی دوره‌های مجلس، حتی گاهی یک نفر بر سر اصلاح یک قانون می‌ایستاد یا با یک تحقیق و تفحص، جلوی فساد را می‌گرفت. در این جریان‌ها با همراهی فضای رسانه‌ای و دانشجویی، مبالغ زیادی به بیت‌المال بازگشت داده شد و بحران‌هایی از بین رفت. در همین مجلس اخیر نیز قوانینی مانند رفع موانع تولید، مالیات بر خانه‌های خالی، مالیات بر عایدی سرمایه یا تسهیل مجوزهای کسب و کار به تصویب رسید که بسیار کارآمد بود و اگر آن را بررسی کنیم، در ورای آن چهار پنج نماینده قوی حضور داشتند. قانون شفافیت و دسترسی آزاد به اطلاعات دیگر قانون مهم این مجلس بود که بر اساس آن، اگر کسی در سامانه‌ای که طراحی شده سوالی را مطرح کند و پس از ۱۰ روز پاسخی نگیرد، می‌تواند علیه دستگاه مربوط طرح شکایت کند... اگر به جای



چهار پنج نفر نماینده، بیش از ۲۰۰ نفر نماینده به صورت جدی پای کار باشند و دنباله چالش‌های کشور را بگیرند، چه اتفاق می‌افتد؟ اگر نماینده وام‌دار فلان گروه قدرت باشد، اگر وام‌دار خام‌فروشان و واردات چی‌ها و سلبریتی‌ها باشد، نمی‌تواند کاری کند.

## نماینده حرمت مجلس را نگه دارد

در درجه اول، باید نمایندگان حرمت مجلس را نگه دارند. مجلسی که امام آن را در راس امور می‌دانستند، با قانون‌گذاری ریل‌گذاری امور را بر عهده دارد. یک فرد نماینده، بر اساس اختیاراتی که دارد، حدود ۱۶ کار را در حیطه قانون‌گذاری و نظارت می‌تواند انجام دهد. در کشور ما تورم قوانین وجود دارد که به بروکرات‌ها و تکنوکرات‌ها مجال می‌دهد راه فرار پیدا کنند. مجلس باید این قوانین را پالایش می‌کرد تا راه فرار بسته شود. در مجلس آمریکا، قانون موسوم به «کوانتوم اکت» تصویب شد که در آن برای همه حوزه‌های علم و فناوری پیش‌بینی‌هایی وجود دارد تا ایالات متحده بتواند در دهه‌های آینده سلطه خود را ادامه دهد. در قانون ایران ولی‌زمانی که از هوش مصنوعی صحبت می‌شود، همه موضوع منحصر است به این که مثلاً در قوه قضائیه، در کنار احکام و قوانینی که صادر می‌شود، هوش مصنوعی نیز به کار گرفته شود! مجلس جدی ولی‌اولویت را پیشرفت کشور می‌داند و هوش مصنوعی را نیز در این حیطه تعریف می‌کند. مجلس وقتی گزارش عملکرد ارائه می‌دهد و در همه حوزه‌ها از فعالیت‌های خود می‌گوید، هیچ اولویتی نداشته است! ما از ۱۳ سال پیش تا کنون درگیر جنگ اقتصادی هستیم، اگر مجالس ما جدی بودند، در این ۱۳ سال در این حوزه به صورت جدی قانون‌گذاری می‌کردیم. الان پس از عوض شدن سه مجلس و چهار دولت، هنوز هم مسیر مذاکره با آمریکا و رفع تحریم یا تصویب FATF حل نشده است، حتی برخی به دنبال آنند که همان مسیری را که طی شد در همین شرایط دوباره فعال کنند. نماینده‌ای که وام‌دار کسی نباشد می‌تواند مسائل مهم را حل کند. اگر هم نهادهای بیرونی مجلس را دور بزنند، دقیقاً به خاطر آن است که مجلسی قوی وجود ندارد. نماینده جدی می‌تواند حرمت مجلس را نگه دارد.

اتفاقی که در موضوع نانویاسلول‌های بنیادی رخ داد، یک اقدام عاقلانه بود که چندان هم برای آن پولی خرج نشد. قضیه از این قرار بود که کار این واحدها، تسهیل شد، در حالی که در دیگر ستادهای علم و فناوری چنین کاری انجام نشد و به جای آن، فضای رانت و دلالی پیش آمد. اگر یک مجلس قوی وجود داشت و با قانون‌گذاری، کار واحدهای مختلف علم و فناوری را تسهیل می‌کرد، امروز شاهد بسیاری اتفاقات نبودیم.

## عنصر کلیدی شفافیت

شفافیت یکی از موضوعات مهم در عملکرد مجلس است. با این حال این موضوع، در انتخابات قبل به شعاری برای دعوای جناح‌های سیاسی تبدیل شد. با شفافیت می‌شد بسیاری مسائل را به مردم نشان داد، مانند هزینه‌کرد، توصیه‌نامه‌ها و حتی رفت و آمدها. مردم با دیدن این موضوعات نماینده‌ای را که به آنان رای داده‌اند، زیر نظر می‌گیرند.

جالب است که در کشورهای دیگر، روی شفافیت تاکید دارند تا همه بفهمند نماینده چه کار می‌کند، ولی در ایران مدعی هستند اگر شفافیت وجود داشته باشد، نماینده تحت فشار دیگران قرار می‌گیرد.

می‌توان فضای انتخابات را تغییر داد و آن را به هزینه و پول وابسته نکرد، شبیه کاری که در این دوره صداوسیما انجام داد و به نمایندگان فرصت ارائه برنامه داد. □



تحلیل نقش زنان در انتخابات در گفت‌وگو با مسئول موسسه «بانوی میدان‌دار»

## آقایان به این باور نرسیده‌اند که بانوان قوی هستند

آقایانی که در راس قدرت هستند هنوز به این باور نرسیده‌اند که بانوان قوی هستند، اما حضرت امام به قدرت بانوان ایمان و باور داشتند و در زمان انقلاب خانم دباغ را با خودش همراه می‌کردند. در چهار دهه گذشته به این باور امام و بعد هم رهبری، کمتر بها داده شده است. بعد از گذشت چهار دهه از انقلاب و مسلم بودن نقش بانوان در عرصه‌های مختلف، هنوز باور به خانم‌ها در آقایان ایجاد نشده است و اگر هم هست نقش تبعی و مکملی دارد. در این زمینه بانوان مطالبه‌گری هم داشته‌اند و اگر تا الان هم خیلی مطالبه‌گر نبودند از سعه صدر و روحیه انقلابی‌گری آنهاست. زهرا مرادیان در تحلیل نقش زنان در انتخابات تاکید دارد که باید به تشکل‌های برآمده از جمع‌های مردمی هویت داد و امکانات در اختیارشان قرار داد تا بتوانند ظرفیت‌های مردمی را پای کار انقلاب و نظام بیاورند. او در این گفت‌وگو معتقد است باید از گروه‌ها و طوایف سیاسی درگیر با جناح‌بازی‌های سیاسی عبور کرد تا بتوان نقش‌های ویژه‌تری به بانوان در مدیریت کشور داد.

## فعالیت اجتماعی و سیاسی زنان با فعالیت اجتماعی و سیاسی مردان از چه نظر تفاوت دارد؟ آیا گستره فعالیت زنان در این حوزه‌ها باید محدود شود؟



حمید محمودی

در نگاه من هیچ تفاوتی میان فعالیت اجتماعی و سیاسی زنان با فعالیت‌های مردان ندارد. باید این را با تاکید گفت که اگر فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خانم‌ها نسبت به آقایان زیادتر نباشد، کمتر نیست. تازه تنوع فعالیت‌های زنان بیشتر هم هست. من برای استناد حرفم به حدیثی از پیامبر اسلام اشاره می‌کنم. در صدر اسلام زنی پیش ایشان آمد و اعتراض کرد که مردان ما جهاد می‌کنند و جهاد برای زنان واجب نیست. مضمون حدیث این است که چرا باید مردها به جبهه بروند و شهید شوند، اما برای خانم‌ها این بستر فراهم نیست و نبود این بستر اثرگذاری را از بانوان می‌گیرد. پیامبر (ص) فرمودند: حضور شما در عرصه خانواده مانند جهاد است. این کلام حضرت رسول (ص) نشان می‌دهد که عرصه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خانم‌ها خیلی متنوع‌تر است. منظور حضرت رسول (ص) فقط این نیست که خانم‌ها به شوهرداری و خانه‌داری مشغول شوند و در صحنه‌های دیگر وارد نشوند. وجود زن به طور طبیعی کار در خانه را بیشتر دوست دارد، همسر داری را دوست دارد، این مسئله یک مسئله فطری است و خداوند هم متناسب به این فطرت برای زن تکلیف تعیین کرده است. بنابراین زنان توانایی حضور در عرصه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی را دارند و اگر دقت کنیم می‌بینیم که این حضور و مشارکت حق مسلم آنهاست. اگر زنی بتواند در عرصه سیاسی و اجتماعی مدیریت کند، می‌تواند مسئول باشد، استعداد هم دارد و حق دارد خود را شکوفا کند. بر اساس آن چیزی که دین مشخص کرده است زن‌ها می‌توانند با رعایت خط قرمزها؛ بالاخره دین ما مشخص کرده است که اولاً حضور در جامعه و در کنار آقایان شرایطی دارد. جنس زن جنسی است که خدای ناکرده می‌تواند بستر و زمینه گناه را برای جنس مخالف فراهم کند. اسلام اختلاط زنان و مردان را نمی‌پسندد و می‌گوید برای رعایت آن حجاب داشته باشید. پس خانم‌ها با حفظ حجاب و حفظ شئون اسلامی می‌توانند در مسائل اجتماعی و سیاسی ورود کنند. در صدر اسلام هم زنانی را داشتیم، از زمان خود پیغمبر (ص) حضرت خدیجه (س) و بانوان دیگری که در کنار حضرت خدیجه بودند، حضرت زهرا (س) و بانوانی که در کنار ایشان بودند، نقش اجتماعی داشتند و مشارکت اجتماعی زنان در تاریخ اسلام دیده می‌شود. این مشارکت در صدر اسلام بیشتر بوده است، در عین حال مسئولیت خانوادگی هم داشته‌اند. اگر خانم‌ها این توانایی و قابلیت را مدیریت کنند، ضمن اینکه می‌توانند

عهدہ دار خانوادہ باشند، دوش به دوش مردان و حتی بالاتر از آنها کارمدیریتی داشته باشند و متناسب با نیاز جامعه ورود کنند. برخی از فعالیت های اجتماعی برای آقایان تک بعدی است. مثلا حضور در جبهه های جنگ را در نظر بگیرید، وقتی که مردها برای دفع شر دشمن در همین زمان خودمان برای دفع شر داعش به کشورهای سوریه و عراق می روند یک تکلیف دارند و آن هم دفع شر است، اما پشت صحنه خانم ها مدیریت تربیتی فرزندان را بر عهده می گیرند، گرم کردن کانون خانوادہ را بر عهده دارند. بانوان از نظر فرهنگی و علمی اثرگذارتر هستند. خانم های جرئی نگر هستند و خودشان تنوع فعالیت هایشان را بالاتر می برند. اینها را به وضوح در جامعه می بینیم. البته دین

اسلام تاکید دارد در شرایط خطرناک زن ورود پیدا نکند. در عین اینکه می تواند در جامعه حضور فعال داشته باشد، باید شغلی را انتخاب کند که ظرافت و لطافت زنانه او تحت الشعاع قرار نگیرد، ملاحظاتی مثل بحث عفاف و حجاب، حفظ استحکام خانوادہ را هم باید در نظر بگیرد تا اثرگذارتر باشند. با این حساب می توانیم بگوییم که عرصه فعالیت های بانوان خیلی متنوع تر است.



**حضرت آقا در دیدار اخیر با زنان به موضوع نقش زنان در انتخابات تاکید کردند. این نقش چه مختصاتی دارد؟ آیا یک نقش تبعی و مکمل است، یعنی فقط به تشویق و ترغیب منحصر است یا نقشی اصیل است؟**

بینید قطعا حضور زن نقش تبعی و نقش مکمل نیست، برعکس خانم ها اثرگذارترین موجودات هستند. نکته اول اینکه به مانند آقایان حق رای دارند. در این زمینه با هم برابر هستند. اینطور نیست که رای دادن فقط حق آقایان باشد. هر شرطی برای انتخاب وجود دارد برای خانم ها هم وجود دارد و هیچ فاصله ای گذاشته نشده است. نکته دوم، خانم ها هم می توانند کاندید باشند، محدودیتی در این زمینه هم وجود ندارد. همه شرایط کاندید شدن یک آقا برای یک خانم هم لحاظ شده است؛ چه



کاندید شدن برای نمایندگی مجلس، چه شورای شهر و حتی کاندید شدن برای ریاست جمهوری هم منعی ندارد. نکته سوم، خانم‌ها در جهاد تبیین از آقایان قوی‌تر هستند. چون دایره ارتباطات خانم‌ها در جامعه خیلی بیشتر است. حضور بانوان در کنام هم در مساجد، پایگاه‌ها، موسسات، آرایشگاه‌ها و مکان‌های مختلف خیلی بیشتر از آقایان است. شاهد مثال هم اینکه آقایان عموماً در پارک‌ها تنها هستند، ولی خانم‌ها را در پارک‌ها تک نفره نمی‌بینید و همیشه به صورت جمع قابل مشاهده‌اند. یک آقای اگر حوصله‌اش سر رفته باشد و قصد رفتن به کوه کند تنهایی می‌رود، ولی یک خانم حتماً با یک مجموعه به راه می‌افتد. امتیاز ویژه بانوان این است که دایره ارتباطات اجتماعی آنها چه در منزل و چه در جامعه خیلی بیشتر از آقایان است. ضمن اینکه در بیان هم خانم‌ها در اقناع اندیشه، دامنه‌ی گسترده‌تری از کلمات را دارند، اس‌ام‌اسی و تلگرامی حرف نمی‌زنند، موضوعات مختلف را به خوبی تبیین می‌کنند. بانوان در اطلاعات از امر ولایت هم همیشه و در همه عرصه‌ها حماسی برخورد می‌کنند. اگر دقت کرده باشد در دیدارها با مقام معظم رهبری هیجان خانم‌ها بیشتر است. خانم‌ها در انتخابات، راهپیمایی‌ها و کنشگری‌های اجتماعی به دلیل برخورداری از حس عاطفی خیلی بهتر می‌توانند ورود کنند. مقام معظم رهبری هم به همین دلایل به نقش بانوان در انتخابات تاکید کرده‌اند. بانوان ویژگی‌های خاصی دارند و کار آنها

فقط تشویق و ترغیب نیست، بلکه اینها در تبیین، راه‌اندازی و در جهاد روشنگری و ورودشان خیلی قوی‌تر از آقایان است. یک خانم می‌تواند تعداد زیادی از مخاطبین را به شرکت در انتخابات تشویق و ترغیب کند و در محیط خانواده هم اثرگذارتر است. تجربه نشان داده است که معمولاً خانم‌ها اگر در جهاد تبیین و ترغیب و شرکت در انتخابات از مردها جلوتر باشند می‌توانند سایر اعضای خانواده را هم با خودشان همراه کنند، ولی اگر یک مرد با اینکه در مسائل انتخاباتی خیلی فعال است نمی‌تواند روی اعضای خانواده اثر بگذارد. بعضی از سیاسیون در صدر انقلاب در جلسات شرکت می‌کردند، اما خانم‌های آنها فقط در همسراری و تربیت فرزند مشغول بودند، حتی گاهی خبر نداشتند که همسرشان به چه کسی رای می‌دهد. بانوان برعکس، وقتی که در عرصه مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ورود می‌کنند اعضای خانواده و دوستان و آشنایان را هم با خود همراه می‌کنند.

## **آیا در حال حاضر مشارکت و حضور زنان در فعالیت‌های سیاسی و مدیریتی مطلوب ارزیابی می‌کنید؟**

پاسخ صریح به این سوال نه است. حضور زنان در فعالیت‌های سیاسی و مدیریتی دو معقوله دارد؛ در به میدان آوردن، تحریک، تشویق و تهییج کردن خانم‌ها حضور خوبی دارند. در هیئت‌ها، گروه‌ها، موسسات و مکان‌های مختلف خانم‌های به خوب فعال هستند و واقعا اینها از خودشان ایثار و از خودگذشتگی نشان می‌دهند. به حرکتی که انجام می‌دهند ایمان و باور دارند، اما در بحث مدیریتی نه خیلی از وجود بانوان استفاده نشده است، خیلی کم و این نسبتی که هست نسبت به موثر بودن بانوان و نسبت به اهمیت و جایگاهی که اسلام، قرآن و بزرگان و امام و رهبر ما نسبت به زن داشته‌اند کم است. امام (ره) در زمان انقلاب خانم دباغ را با خودشان همراه می‌کنند. این یعنی حضرت امام به قدرت بانوان ایمان و باور داشتند، ولی این را ما بعد از انقلاب در برخی از عرصه‌های حاکمیتی ندیدیم و باور به خانم‌ها در آقایان ایجاد نشده است و اگر هم هست نقش تبعی و مکملی دارد. در این زمینه بانوان مطالبه‌گری هم داشته‌اند و اگر تا الان هم خیلی مطالبه‌گر نبودند از سعه صدر و روحیه انقلابی‌گری آنهاست.

## **ظرفیت زنان چه طور. آیا ظرفیت زنان در عرصه سیاست و مدیریت به خوبی به کار گرفته شده است؟**

باز هم پاسخ نه است.

## از نگاه شما چه عوامل و علت‌های مانع حضور مطلوب زنان است؟

ببینید هنوز که هنوز است در بین قشر نخبگانی و قشر اثرگذار جامعه، قدرت بانوان شناخته نشده است. آقایان هنوز به این معرفت و باور نرسیده‌اند که بانوان قوی هستند. نکته بعدی درگیری‌های سیاسی است. اینقدر برخی از گروه‌ها و طوایف سیاسی درگیر جناح‌بازی‌های سیاسی خودشان هستند که به مسئله حضور بانوان و استفاده از ظرفیت آنها توجه نکرده‌اند. نکته بعدی مسئولیت‌های مادری و همسری در منزل است. بانوان ما به علت روحیه ایثار و گذشت، خودشان به صورت جهادی وظیفه مادری و همسری را بر عهده گرفته‌اند و به همین علت در اجتماع کمتر نقش ایفای می‌کنند.

## برخی با ترویج این نگاه که زن باید در خانه بماند و اصلی‌ترین وظیفه زن خدمت به خانواده است، استدلال می‌کنند که زنان باید از تصدی پست‌های سیاسی و مدیریتی بر حذر باشند. این نگاه تا چه اندازه درست است؟

اینطور نیست. دین اسلام مدیریت خانواده را به علت سخت بودن به زن سپرده است. گرفتن این مسئولیت سنگین و خطیر و کانون خانواده را حفظ کردن و تربیت فرزند به معنای وارد نشدن زن به جامعه نیست، اتفاقاً برعکس این مسئله صادق است. من به کار بردن عبارت تصدی را قبول ندارم چون خانم‌ها دنبال این پست‌ها و مسائل نیستند. اگر منظور داشتن ظرفیت سیاسی و مدیریتی در بانوان باشد، باید اذعان کرد که بانوان قدرتمند هستند و تجربه نشان داده است هر جا مدیریت به بانوان واگذار شده است، هر جا جایگاه اجتماعی به بانوان واگذار شده است این کار را به نحو احسن، حتی گاهی بهتر از مردان انجام داده‌اند و مسئولیت‌پذیری بیشتری از خودشان نشان داده‌اند و انرژی بیشتری برای مسئولیتی که قبول کرده‌اند گذاشته‌اند.

## بسیاری از زنان در موسسات و تشکل‌های فرهنگی مخصوص بانوان حضور و فعالیت دارند. چگونه می‌توان از ظرفیت چنین نهادهایی برای ارتقای نقش زنان در خانواده استفاده کرد؟

اینکه چه کسی قرار است از ظرفیت چنین نهادهایی برای ارتقای نقش زنان در خانواده استفاده کند، مهم است. در خصوص استفاده از ظرفیت موسسات و تشکل‌های فرهنگی مختص بانوان باید گفت که این نهاد و گروه هستند؛ یک گروه افرادی هستند که مجوزهای این موسسات و تشکل‌ها را از نهادهای حاکمیتی گرفته‌اند و دولت ظرفیتی را برای اشتغالزایی آنها فراهم کرده است. با توجه به اینکه بنده از نزدیک با این نهاد ارتباط



هستم، اینها تحولی که باید، ایجاد نمی‌کنند مگر اینکه یک نظارت حقیقی بالادست آنها وجود داشته باشد و بتواند آنها را مدیریت کند. به زبان ساده‌تر نهادهایی مثل ورزش و جوانان، اداره ارشاد، فرمانداری‌ها، سازمان تبلیغات، به یکسری از تشکل‌ها مجوز فعالیت داده‌اند و حمایت مالی هم می‌کنند. مثلاً طرف طرحی را ارائه و تاییده می‌گیرد و فعالیت را انجام می‌دهد که متأسفانه هیچ نظارت حاکمیتی بالاسر این افراد نیست، خروجی کار کنترل نمی‌شود. آیا این سمن‌ها و تشکل‌ها با بودجه‌ای که دریافت کرده‌اند توانسته‌اند مسئله‌ای را حل کنند، توانسته‌اند در جایی معضلی را که دولت نتوانسته حل کند یا ظرفیت لازم را نداشته است یا نیروی انسانی رانداشته است حل کنند. این نظارت نیست و همه چیزها شده است. حمایت دارند و این حمایت هم معمولاً با رانت است. خود افرادی که این طرح‌ها را ارائه می‌دهند روزه‌های لازم را هم پیدا می‌کنند. در دولت‌های قبل این رویه بوده است و در همین دولت هم ادامه دارد. افرادی چهره شده‌اند که رانت دارند و از ابزار هنر در این راه استفاده می‌کنند، سایت‌های خبری لازم را هم در اختیار دارند و توانسته‌اند نظر بالادستی‌ها را جلب کنند. اینها بودجه‌های کلان را در اختیارشان قرار می‌دهند. در عین حال گزارش‌های بسیار شسته و رفته و پرطمطراقی را ارائه می‌دهند، به‌گونه‌ای که هیچ ایرادی بر آنها وارد نمی‌شود. کسی حتی یکبار از این برنامه‌ها، خروجی مطالبه نکرده است. برخی از سمن‌ها برای بحث اعتیاد بودجه‌های کلان دریافت می‌کنند، سوال این است آیا اینها توانسته‌اند مسئله‌ای را حل کنند. در زمینه پناه دادن به دختران بی‌سرپرست و بدسرپرست، فرار از منزل و معتاد این سمن‌ها چه کار کرده‌اند، آمارها پایین آمده است، آسیب‌ها کاهش پیدا کرده است. من با مجموعه‌های این‌چنینی سروکار دارم و خوشبین نیستم. در واقع دولت کوچکتری تشکیل شده است با این تفاوت که بر دولت‌ها نظارت می‌شود، اما این تشکل‌ها هستند و نظارتی وجود ندارد. اگر هم باشد تشریفاتی است. این کارویژه گروه اول، اما گروه دوم، تشکل‌های برآمده از جمع‌های مردمی است، گروه‌هایی که صفر تا صد فعالیتشان دلی است، خودشان احساس مسئولیت می‌کنند برای حل مسائل جامعه و کنشگری می‌کنند. این افراد فعالان فرهنگی هستند که عین سربازان گمنام امام زمان (عج) برای لبیک به ندای رهبری آماده‌اند. ویژگی اول آنها دغدغه‌مند بودنشان است. دغدغه دارند، نگران هستند و احساس می‌کنند اگر حرکتی انجام ندهند گناه کرده‌اند. ویژگی دوم اینها نداشتن چشم‌داشت است. کارهای اینها دیده نمی‌شود و سایت خبری ندارند، فضای مجازی در اختیارشان نیست، احسنت و بارک‌اللهی استاندارها و فرماندارها را هم ندارند، اما در محلات خودشان آدم‌های موثری هستند. اگر ببیند در محله‌ای

کسی نیاز مالی دارد کمک می‌کنند، کسی در بحث اجاره خانه‌اش مانده باشد بلند می‌شوند و آستین بالا می‌زنند، برای تهیه جهیزیه دختر خانواده‌های نیازمند جلو می‌افتند و کارهای مردمی انجام می‌دهند. اینها افرادی هستند که محفل اهل بیت (ع) راهم باروضه‌ها و عزاداری‌ها روشن نگه می‌دارند، در اربعین موکب می‌زنند، ایام محرم علم و کتل برپا می‌کنند. اگر بحرانی مثل بحران داعش رخ دهد وارد عملیات می‌شوند، در مدیریت سیل و زلزله نقش آفرین هستند، خانواده رارها می‌کنند و برای مدیریت بحران ورود می‌کنند. همیشه در صحنه گوش به فرمان رهبری هستند. اینها حتی در بحث انتخابات و راهپیمایی‌ها جلودار هستند. جایی که برای نظام احساس خطر کنند، مثلاً اگر افرادی بخواهند در کلام یا رفتار به نظام ضربه بزنند اینها اعتراضات و مطالبات خودشان را مطرح می‌کنند. همیشه بیدار و در صحنه هستند. برای این افراد

می‌تواند چند برنامه در نظر گرفت؛ اولاً به اینها باید هویت داد، نه تحت عنوان سمن و تشکل که در جاهایی از آنها کلک هم هست. برای هویت بخشی، باید اینها را شناسایی کرد. شناسایی همه افراد، ولو کسانی که کار کوچکی انجام می‌دهند. این کار باید دیده شود. با این دیده شدن هم باید خودشان را به این نتیجه برسانیم که شما در حل مسئله خیلی اثرگذار هستید و هم ما باورشان داشته باشیم. جبهه فرهنگی انقلاب



اسلامی یا سازمان تبلیغات اسلامی یا حتی دولت که دستیار مردمی دارد باید اینها را باور داشته باشند. حل مسئله اینها را ببینند و اهمیت بدهند. جاهایی هست که اگر بستر مناسب فراهم شود، اثرگذاری اینها بیشتر است. الان یک ظرفیت دارند و یا این یک ظرفیت گره کوچکی را باز می‌کنند، اگر ظرفیت اینها گسترش داده شود چهار تا گره را باز خواهند کرد. مثلاً داشتن یک مکان؛ پیشنهاد من این است که جدا از سمن‌ها و تشکل‌ها و جدا از برنامه‌های دولتی که با آمدن و رفتن رئیس جمهورها دل اینها بلرزد، باید مکان و امکانات در اختیارشان قرار داد. برای تمام تشکل‌های مردمی در سراسر کشور مکان در نظر گرفته شود تا آورده‌های خودشان را بیاورند و حمایت‌های

مردمی را هم دریافت کنند. می‌توانیم ماهی یک درصد هزینه فرهنگی را در اختیار این افراد قرار دهیم. الان موسسات و هیئت‌های مردمی ما مکان ندارند. برنامه‌های خودشان را گاهی در مسجد، گاهی حسینیه و گاهی در مصلی برگزار می‌کنند. اگر مکان ثابت و امکانات در اختیار داشته باشند می‌توانند بیشتر از اینها اثرگذار باشند. مادر دستگاه‌های حاکمیتی مدیرانی را نیاز داریم که در ترانقلاب باشند، کار تربیتی را باید به این افراد سپرد. مثل جهاد سازندگی که ورود پیدا می‌کنند و در اقصی نقاط این کشور مسجد می‌سازند، باید در کار تربیتی هم این کار جهادی را به این افراد داد. باید این دیده شدن و در اختیار قرار دادن امکانات به نحوی باشد که همه افراد بتوانند استفاده کنند و پای کار نظام و انقلاب باشند. کار دیگر، ارائه تسهیلات به این افراد است. این تسهیلات می‌توان مادی یا معنوی باشد تا اینها قوت قلب بگیرند و خروجی‌های بهتری داشته باشند.

### **برای آشنایی بیشتر مخاطب با فعالیت‌ها شما و شناخت بیشتر موسسه «بانوی میدان دار» شرحی از فعالیت خود را ارائه دهید.**

موسسه «بانوی میدان دار» در استان کهگیلویه و بویراحمد فعال است. دارای یکسری مجموعه‌های فرهنگی است که این مجموعه‌ها به یک قرارگاه فرهنگی در حوزه زن و خانواده وصل هستند. این موسسه ۱۲ فعالیت را برای خود تعریف کرده است، یک مرکز مشاوره خانواده در خصوص تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده دارد. این مرکز مشاوره، ضمن آموزش مهارت‌های همسررداری و تربیت فرزند در محلات طرحی را تحت عنوان طرح بیت‌الزهر اجرا می‌کند. مادر هر محله‌ای یک بیت‌الزهرابه نام شهید همان محله داریم. تعداد این بیت‌الزهرها قریب به ۹۰ بیت‌الزهر در سطح استان است. اینها مهارت‌های همسررداری و تربیت فرزند را آموزش می‌دهند و در مرکز مشاوره هم فعالیت‌های تخصصی مشاوره فردی برای تحصیل و ازدواج ارائه می‌شود. ۱۷ مشاور خانواده و روانشناس با ما همکاری دارند. یک هیئت مذهبی به نام هیئت محبین زهرا را با رویکرد عفاف و حجاب راه‌اندازی کردیم. تولیدی پوشاک اسلامی و ایرانی با نام «بانوی بهشت» و فروشگاه «بانوی میدان دار» تنها فروشگاه مختص بانوان در شهر یاسوج و هیئت سه‌شنبه‌های زهرایی با کار ویژه فعالیت در بحث معرفتی دختران نوجوان و جوان از دیگر فعالیت‌های موسسه است. □

# زن هر کاری می‌کند نباید با محوریت او در خانواده متضاد باشد

«**زینب شریعتمدار متولد مهرماه ۱۳۴۹ است. وی به عنوان یک مادر و یک مادر بزرگ، به تدریس در موسساتی همچون جامعه المصطفی مشغول است و خود را یک «باورمند به نظام توحیدی ضد صهیونیست» معرفی می‌کند. شریعتمدار مسوول بین الملل معاونت خواهران بنیاد خاتم‌الاولیاء و مدیر موسسه حامیان مقاومت اسلامی بوده است.**»



آیا نقش سیاسی مردان و زنان باید بایکدیگر تفاوت داشته باشد؟! من به عنوان یک انسان مسلمان بناست در فضای اجتماعی حضور داشته باشم و بر اساس نیازها و ضرورت‌های اجتماعی و سیاسی اقدام کنم. محدودیت در فعالیت وقتی مطرح می‌شود که اختلاطی باشد و این اختلاط، حدود شرعی را زیر پا بگذارد، اگر نه در هر نقطه جغرافیایی و تاریخی، انسان مکلف به نقش آفرینی تاریخی



زینب شریعتمدار

خود است، بدون توجه به حیثیت زنانه یا مردانه، بلکه با توجه به حیثیت انسانی. با این وجود باید این باور در صدر ذهن انسان تعریف شده باشد که زن، یک تکلیف بالذات تاریخی دارد که باید هر اقدامی می‌کند تلافی و تضادی با آن نداشته باشد و آن هم مادری و محوریت در خانواده است.

این یک تناقض نیست بلکه لازمه دانستن یک تقدم و ترتب نقشی است که نوع و کیفیت حضور اجتماعی را تعریف می‌کند. اگر به جملات حضرت آقا دقت کرده باشیم، اصلاً نقش آفرینی بانوان را نقشی تبعی یا مکمل نمی‌بینیم، بلکه نقش اجتماعی زنان، یک نقش مستقل و البته تعیین‌کننده است. در دیدگاه ایشان، وادار کردن همسر و فرزند بر فعال شدن در انتخابات و حضور محققانه در انتخابات به عهده زن و به ویژه مادر گذاشته شده است.

در بیان مقام معظم رهبری، شناخت دقیق‌تر و ظریف‌تر بانوان از اشخاص، راهبردها و جریان‌ها نسبت به مردان، مورد تاکید واقع شده است. این موضوع نه تنها تبعی نیست، که می‌توان گفت در این نگاه، به مرد توصیه شده از نگاه دقیق و ظریف زن بهرمنند شود.

به علاوه زن در کمیت و کیفیت حضور انتخاباتی افراد موثر است و نقش جدی ایفا می‌کند. ایشان در دیدار اقشار مختلف بانوان در اوایل دی ماه فرمودند: «مهم‌ترین نقش شما در داخل خانه و ترغیب کردن همسر و فرزندان به فعال بودن در مسئله انتخابات و تحقیق درست است، به خصوص که زنان در برخی مسائل از جمله شناخت اشخاص و راهبردها و جریان‌ها، دقیق‌تر و ظریف‌تر از مردها به صحنه نگاه می‌کنند، بنابراین می‌توانید در شناخت نامزدهای انتخاباتی و تشویق به حضور در پای صندوق‌های رأی، نقش مهمی ایفا کنید.»

در هر صورت نقش زن در ابعاد سیاسی و اجتماعی، به شکلی تبعی تعریف نمی‌شود. حتی اگر برخی در معنای عام، آن را تبعی تفسیر کنند، ولی بی‌شک هر نقشی که بر عهده زنان گذارده شود، در ضمن اصیل بودن، مکمل هم هست. عالم خلقت بر

اساس نظام ترابط و تکامل شکل گرفته و به شکل پاره‌های جدا از هم و در کنار هم قرار گرفته، نیست. زن نقش اصیلی دارد، اما اصالت او به آن است که بخشی از یک کل محسوب می‌شود و در کنار سایر نقش‌ها، نقشی پیدامی‌کند که تعریف‌کننده جایگاه او و دیگران است. □

# راه‌حلی برای وضعیت بفرنج زنان ایران

موفقیت زنان نیاز به تعادل،  
تجربه و سیاستگذاری زنانه دارد؛

« در جامعه ما مسائل حل نشده‌ی زیادی در رابطه با نقش زنان وجود دارد و این مسائل حل نشده هر روز به شکل‌های مختلف خود را نشان می‌دهد. نقش‌آفرینی زنان در جامعه یا حضور تمام و کمال در خانواده دو ارزشی که بعضاً منجر به تضادهای درونی در بانوان شده است و آنها مجبور به اولویت دادن به یکی از این دو ارزش شده‌اند. برای شناخت این مسائل و ارائه راه‌حل‌های برون‌رفت، به سراغ بانوان فعال در اجتماع رفته‌ایم، کسانی که جایگاه علمی دارند و در جامعه شاغل و مهمتر از همه یک مادر هستند.

در ادامه ما حاصل گفت‌وگوی حلقه وصل با زهرا کوهکن، موسس «جامعه بانوان زاهدان» را می‌خوانید. در این مجموعه حدود ۲۰۰ نفر از زنان موفق و فعال زاهدان عضو هستند. حمایت از زنان سرپرست خانوار و تجمیع گروه‌ها و افراد فعال در حوزه زنان با هدف هم‌افزایی آنان، از جمله اهداف این جامعه است.

کوهکن مدرک تخصصی دکترای داروسازی دارد و هم‌اکنون در زاهدان ساکن است. وی مطالعاتی آزاد در مباحث علوم انسانی، فلسفه، روانشناسی، ادبیات روایی و مطالعات زنان داشته است. عضویت در گروه مردمی نخبگانی سیستان و بلوچستان آباد که به مسائل استان از جمله آب و سیاستگذاری مسئولین می‌پردازد،

تاکید خانم کوهکن بر تغییر نگاه مردانه به زنان و قبول تصمیم‌گیر بودن زنان در مسائل خود و لحاظ تکثر زنان ایران در سیاست‌گذاری‌هاست. او معتقد است زنان ایران هنوز حضور باکیفیت در اجتماع را به تمامه تجربه نکرده‌اند که امروز حرف از بازگشت و تقویت حضور آنها در خانواده مطرح است. پاپس کشیدن مردان از تصمیم‌گیری و سیاستگذاری برای زنان، راهکار کوهکن برای تضمین حضور باکیفیت همزمان زنان در جامعه و خانواده است.



## شکل‌گیری «جامعه بانوان زاهدان»



زهرا کوهکن

امروزه زندگی در سیستان و بلوچستان به مسئله تبدیل شده است و به عبارت دقیق‌تر نمی‌توان در سیستان و بلوچستان زندگی کرد و اهل دغدغه نبود. در همین ابتدا تکلیف خودم را با خواننده روشن کنم و این را بگوییم که رویکرد و نظام ارزش‌گذاری من اینطور است که امروز و با این شرایط، بودن یک زن در جامعه را بیش از اینکه کمک‌کننده بدانیم به انقیاد کشاندن زنان می‌دانم. یعنی معتقدم در شرایط فعلی حضور زنان در جامعه حریت فکری را از آنها می‌گیرد. به عنوان یک انسان سعی و تلاش ما باید این باشد که زندگیمان هدر نرود. اگر انسان در زمان خودش به اندازه کافی مطالعه کند و خروجی داشته باشد، رشد اتفاق خواهد افتاد. مسیر سیر رشد انسان هیچ وقت به انتها نمی‌رسد. در زندگی نگاه من بیش از اینکه مقصد محور باشد، مسیر محور است. در این نگاه مسیر محور نمی‌توان گفت ما حقیقی را کشف کرده‌ایم و به دنبال انتقال این حقیقت به دیگران هستیم. رشد مانند درخت است و همین که ما باغبان خوبی باشیم، کافی است. نگاه مقصد محور از چالش‌های امروز ماست. با این آسیب‌شناسی، ما هم‌زمان با پایان دوران تحصیل، دو کار جدی را شروع کردیم. یک گروه رفاقتی به اسم «سیستان و بلوچستان آباد» را تشکیل دادیم و به صورت تخصصی بحث حق‌آبه را پیگیری کردیم. در ادامه کارها به صورت تخصصی‌تر تعریف و پیگیری بحث زنان بر عهده من گذاشته شد. تاسیس «جامعه بانوان زاهدان» حاصل همین نگاه تخصصی بود.

## مسئله چیست

پیگیری بحث زنان را با احصای مسائل این حوزه شروع کردیم. شروع کار هم با پیگیری مسائل کشوری در حوزه زنان بود. کتاب‌های چاپ شده در این زمینه را مطالعه کردیم و با متخصصان این حوزه به گفت‌وگو نشستیم. نتیجه کار این بود که مسائل زنان باید به صورت بومی پیگیری شود. نمی‌توان «سیمین دو بووآر» خواند یا با «سحر دانشور» حرف زد و انتظار داشت با راهکارهای به دست آمده مسائل زنان زاهدان را حل کرد. این مسائل نیاز به نگاه بومی دارد. چون هم طیف و هم اولویت مسائل زنان زاهدان با بقیه جاهای ایران و دنیا متفاوت است. مهم‌ترین مسئله زنان در زاهدان به این برمی‌گردد که تعامل و گفت‌وگو لازم بین اقشار مختلف وجود ندارد. هر کسی در قشر خود، نظام ارزشی منحصر به فرد خود را دارد و جزیره‌ای عمل می‌کند. وقتی جزیره‌ای کار می‌کنید اطلاعات شما کم است و آدم‌هایی که می‌بینید شبیه شما هستند و در



شناسایی نظام مسائل هم فعالیت شما به مانند همان جزیره، کوچک است. اگر راهکاری هم داده شود، کارآیی لازم را ندارد. چون راه حل از نظام مسائل یک جزیره بیرون آمده است و می خواهد برای کل منطقه اجرا شود. برای رسیدن به راه حل درست نیاز به اطلاعات کل منطقه است. این همان رسالتی است که «جامعه بانوان زاهدان» برای خود تعریف کرده است. جامعه بانوان زاهدان می خواهد یک ظرف بزرگ را بردارد و براساس معیارهایی مانند کرامت انسانی، آدم ها را دور هم جمع کند تا به هم افزایی لازم برای عبور از مشکلات برسد. تاکنون خروجی کار باعث ارتباط گرفتن آدم ها با هم شده و در کنار آن مطالعه و رشد لازم در حال تحقق است.

### تفاوت های زیست زنانه و مردانه

مسئله دیگر لحاظ تفاوت های زیست زنانه و مردانه در سیاست گذاری است. به این معقوله نمی توان صفر و صد نگاه کرد و لازمه تحلیل درست، داشتن نگاه خاکستری است. به صورت کلی تفاوت هایی بین زیست مردانه و زنانه وجود دارد، اما سوال این است که بر اساس جهان بینی دینی غایت و هدف آفرینش یک انسان چیست؟ ما می دانیم که انسان در تسخیر اختیار است؛ یعنی آن چیزی که انسان را از بقیه جدا می کند اختیار است. سوال اصلی این است که چه طور می توان فضای مناسبی را برای اعمال اراده و اختیار افراد فراهم کرد؟ شاید یک خانم تصمیم بگیرد که خانه دار باشد، این تصمیم مشکلی ندارد و اتفاقا خیلی هم خوب است، مشکل زمانی است که در گرفتن این تصمیم جبر و زور وجود داشته باشد. در مقابل خانمی ممکن است تصمیم



بگیرد شاغل باشد، پشت این تصمیم هم نباید جبر و زور باشد. تا اینجا هیچ تفاوتی بین خانم و آقای نیست و مسئله میزان حریتی است که باید در یک بستر مناسب برای اعمال قدرت اختیار فراهم شود. در نگاه خاکستری، به صورت عام به دلیل تفاوت‌های زیست مردانه و زنانه، کنش اجتماعی و سیاسی این دو جنس هم می‌تواند متفاوت از هم باشد، اما این را باید بدانیم که این تنها زنان هستند که می‌توانند در رابطه با این تفاوت‌ها حرف بزنند و سیاست‌گذاری کنند. آسیب وضع موجود در قالب دو سوال مطرح است؛ یک، آیا این زنان هستند که تصمیم می‌گیرند و تعیین می‌کنند که در چه بخشی کار کنند؟ و دو، اگر برای زیست زنانه این قشر زن است که تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری می‌کند، آیا این تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری حامی کثرت زنان در ایران است یا نه؟ به عبارت دیگر آیا این سیاست‌گذاری، تفاوت‌های زنان ایران را لحاظ می‌کند یا نه؟ مادر جامعه ایران با این دو چالش مواجه هستیم. درست است زیست زنانه و مردانه با هم متفاوت است و کنش‌ها هم می‌توانند متفاوت باشد، اما حد و حدود و میزان این تفاوت در یک طیف گسترده‌ای قرار دارد و عنصر تعیین‌کننده این طیف هم باید زنان باشند. لازم است نماینده‌ای از کثرت زنان ایران در حوزه‌های تصمیم‌گیر و سیاست‌گذار حضور داشته باشند تا ما را از خطای تحلیلی و استراتژیک دور نگه دارند.

## نگاه شتاب‌زده

لنز و دریچه‌ای نگاه هر آدمی به جهان، مشکلات و راه‌حل‌های آن یک نگاه منحصر به فردی است. این نگاه منحصر به فرد از فردی به فرد دیگر قابل تشخیص است. در سیاست‌گذاری حوزه زنان هم نوع نگاه باید نسبت به قوم‌ها، جغرافیا و سنین مختلف متفاوت باشد. تقسیم‌بندی آدم‌ها به دو نوع زن و مرد پرجمعیت‌ترین تقسیم‌بندی است، اما آدم‌های به شدت فردگرا هستند و تفاوت‌های فردی مختلفی دارند. لذا در سیاست‌گذاری، تحلیل و نوع انتخاب در رسیدن به شناخت درست و احسن مهم است. باید لنز زنانه داشته باشیم تا بتوانیم راه حل زنان را درست تحلیل و انتخاب کنیم. اگر در انتخاب راه حل نگاه ما زنانه نباشد، قطعاً بخشی از معقولات را نمی‌بینیم و راه حل‌ها هم نتیجه بخش نخواهد بود. نگاه به حضور زنان در عرصه‌های مختلف نباید سلبی باشد. اگر به هر دلیلی اعم از تاریخی یا فرهنگی، حضور زنان در جامعه دچار خدشه شده است باید انرژی مضاعفی گذاشت تا حضور زنان با حفظ زنانگی و رعایت اصل انتخاب، حفظ شود. گاهی اوقات بودن زنان در جامعه براساس سیاست‌های غلط مردانه شکل می‌گیرد. در صورتی که نوع بودن زنان در جامعه را باید

خود این قشر تعیین کنند و در واقع، یک نگاه ایجابی لازم است. وقتی لنز مناسبی برای دیدن جمعیتی با این کثرت رانداشته باشیم، قطعا درکمان از درست و نادرست و تشخیص مسائل اشتباه خواهد بود. نقل به مضمون، رهبر معظم انقلاب هم چنین نگاهی را مطرح کرده و فرمودند: به جای چهار تا مسئول یا مدیر خانم، اگر ۴۰ تا مدیر یا مسئول خانم داشته باشیم قطعا مسائل با درک بهتری بررسی و راه حل ها و انتخاب ها هم نتیجه بخش خواهند بود. امروز مسئله زنان در دستور کار قرار دارد و همگان به آن می پردازند. به اعتقاد من، شناخت مسئله یا اهمیت دادن به مسئله بخشی مهمی از مسیر رشد را فراهم می کند، اما آسیب این است که در برخی مواقع واکنش های شتاب زده است. این شتاب زده‌ی در بین قشرهای مختلف اعم از روشنفکر و مذهبی دیده می شود. در نظام مسائل و بررسی مشکلات هم راه حل های مناسبی ارائه نمی شود. اینکه مسیر حضور و مشارکت زنان در ایران و احصای ظرفیت آنها بررسی می شود و آدم های آگاه در حال پرداخت به آن هستند خوب است ولی در شرایط فعلی نوع واکنش ها و افق هایی که برای زنان مطرح می شود مطلوب نیست. علت هم شتاب زده‌ی است که ما را از تعمق کافی برای بررسی ریشه های تاریخی و فرهنگی باز می دارد. در این شرایط راه حل ها هم راه حل های جامعی نیستند. اگر نوع نگاه به معقوله زن، نگاه رشد و امکان بروز اراده های مختلف باشد حتما بستر خود شکوفایی فراهم خواهد شد.

### تصمیم گیر نبودن اکثریت زنان

حضور زنان در جامعه و شغل های مختلف به این دلیل که بخشی از وجوه انسانی را فعال می کند و بستر مناسبی برای تجربه و رشد فردی را فراهم می کند، یک نگاه ایجابی است. یک زن باید بعد های مختلف زندگی خود را شکوفا کند تا زندگی اش از تعادل خارج نشود. اگر این بعدها شکوفا نشود، افراد حتما در مسائل خانوادگی و شخصی هم دچار بحران خواهند شد. زندگی زنان نیاز به تعادل، تجربه و نگاه جامع دارد. خانمی که دغدغه تربیت فرزند و رسیدگی به مسائل خانه را دارد، مادامی که در جامعه رفت و آمد نداشته باشد و با مسائل مختلف مواجه نشده باشد طبیعتا ناتوان از پیش بینی خیلی از خطر هایی

است که ممکن است در خانواده رخ دهد. در صورت رخ دادن این خطرها، نمی‌تواند واکنش مناسبی نسبت به مسائل مختلف خانواده داشته باشد. چراکه سایر اعضای خانواده به دلیل حضور در مدرسه یا در محیط شغلی با مسائل مختلف جامعه مواجه هستند و اگر خانمی با این مسائل آشنا نباشند در حل مشکلات محیط خانواده ناتوان خواهد بود. چرا؟ چون آن آدم در رشد فردی خود نتوانسته تعادل لازم را ایجاد کند. زندگی افراد ابعاد مختلفی دارد و یک بخش از آن مسائل فردی و علایق فردی است، بخش دیگر همسر داری و فرزند پروری است، بخش دیگر بعد اجتماعی است. باید دید بروز آن فرد در اجتماع به چه شکل است. راه‌های ارتباط با جامعه مختلف است و اصل، مواجهه با اکثریت جامعه و آشنایی با تفکرها و چالش‌های مختلف است. این مواجهه افراد را رشد می‌دهد. به این دلایلی که گفته شد تعریف اصلی‌ترین وظیفه زن در چارچوب خدمت به خانواده، کم‌لطفی به زنان و آزاردهنده است. چراکه بودن تک بعدی زنان در جامعه حتی در خدمت خانواده بودن آنها را هم تحت تاثیر قرار می‌دهد. امروز این نوع بینش، کارایی لازم را ندارد. در مقابل این بینش، نگاهی است که بودن زنان در جامعه را بر اساس ارزشگذاری مالی و پولی تعریف می‌کند. این هم نگاه کاملاً غیربومی است و هر دو نگاه زنان را به انقیاد می‌کشاند. نگاه دینی با اینکه حضوری بر زنان قائل است، ولی نوع بودن زنان در جامعه را در انحصار دارد و اکثریت زنان جامعه ایران در این نوع از بودن دخیل و تصمیم‌گیر نبوده و نیستند.

### دلایل آسیب در زاهدان

دلیل اولی که حضور زنان و استفاده از ظرفیت آنها در استان سیستان و بلوچستان را به خطر انداخته، ریشه‌های تاریخی است. در یک نگاه تاریخی همچنان نگاه «مردسالارانه» بر حضور زنان در جامعه غلبه دارد. این نگاه در طول تاریخ حکم فرما بوده است و زنان همیشه مملوک مردان تعریف شده‌اند؛ از جسم تا اختیار یک زن



جزئی از املاک و در حیطة مردان است. مهترین مشکل زنان در استان سیستان و بلوچستان همین مسئله است. هنوز میزان اختیار، حریت و همه حقوق انسانی که برای یک انسان می شود تعریف کرد برای یک زن در سیستان و بلوچستان تعریف نشده است. این مسئله در جامعه سنتی زاهدان می تواند ریشه در قومیت و خوانش های مختلف از دین داشته باشد. برای حل آن، ریش سفیدان یا علما می توانند مطرح کنند که یک زن چه قدر از حقوق انسانی برخوردار است؟ براساس گفته ی علما ارزش یک زن مساوی با یک مرد است، اما مشکل این است که این مردها هستند که نوع بودن زن ها را تعیین می کنند. در زاهدان - حداقل در بیان و ادعا- ارزش انسانی یک زن به اندازه یک مرد است، اما تعیین حیطة فعالیت زنان و مردان از دو مشکل عمده رنج می برد. اول اینکه این مردها هستند که حیطة حضور زنان را تعیین می کنند. نکته دوم؛ حتی اگر زنان در نوع بودن زنانه خود تصمیم گیر باشند، زنان تصمیم گیر اکثریت زنان ایران را نمایندگی نمی کنند و عموماً از یک قشر خاص هستند. آفتی که در همه سیاستگذاری ها وجود دارد. به اعتقاد من انقیاد و بردگی که در زاهدان شکل گرفته است به علت تعامل کم زنان با جامعه بیرون است. اگر یک فرد تعاملات اجتماعی مناسبی داشته باشد، رشد بیشتری خواهد داشت و فردی که رشد بیشتری داشته باشد می تواند مسائل مختلف زندگی خود را بهتر مدیریت کند. جامعه سیاستگذاران اعم از مردان و زنان باید نسبت به حضور زنان به لحاظ کمی و کیفی حساس باشند. یک سیاستمدار و مدیر یک منطقه باید در نظر بگیرد که چند نفر از کارمندان اداره اش خانم هستند و چند نفر از آنها آقا، چند درصد از محصلان دختر هستند و چند درصد پسر. حضور در جامعه، خیلی از مشکلات را حل خواهد کرد. چون زنان وقتی در جامعه قرار می گیرند و با مسائل مختلف جامعه مواجه می شوند تشنگی و سوال هایی برایشان مطرح می شود که برای رسیدن به پاسخ ها و سیراب شدن قطعاً مطالعه می کنند و رشد در همین مسیر اتفاق می افتد. هر کسی که قدرتی در دست دارد باید به حضور زنان در جامعه حساس باشد و نوع بودن زنان در جامعه را باید طوری طراحی کند که کثرت حضور آنها تضمین شود. سود این سیاست قطعاً به جامعه بر خواهد گشت. زنان نصف جمعیت هر کشوری هستند و قطعاً زنان آگاه جامعه آگاه تری می سازند. فکر می کنم این حرف، حرف دقیقی است که اگر امروز به جای چهار تا مدیر خانم، ۴۰ تا مدیر خانم داشتیم، نوع نگاه و نوع تصمیمات متفاوت بود.

## تبعیض مثبت

در سیاستگذاری های کلان کشور ما همیشه نسبت به مناطق محروم تبعیض مثبت

وجود دارد و استدلال این است که با این تبعیض مثبت عقب افتادگی های این مناطق جبران می شود. پس همه قبول داریم که نمی توان یک منطقه محروم را در رقابت با کلان شهرها قرار داد و پشت شایسته سالاری قایم شد. نسبت به قشر زنان هم نیازمند یک تبعیض مثبت هستیم تا مسئله حضور اجتماعی زنان به تعادل لازم برسد. هنوز در مرحله پسامسئله قرار داریم و نمی توانیم این تبعیض مثبت را قائل نباشیم و دم از شایسته سالاری بزنیم. هر چند شایسته سالاری هم مسئله مان نیست و بعد رفاقت و رانت پیشبرنده و تاثیرگذار است. اگر معیار اصلی برای حضور زنان در شغل ها و سمت های مختلف جامعه شایسته سالاری باشد، به علت همه شرایط تاریخی و فرهنگی و جغرافیایی که گفته شد این تبعیض مثبت باید لحاظ شود. شما از خودتان بپرسد که امروز چه مقدار از جایگاه های قدرت محور در دست خانم هاست؟ بحثم صرفا فعالیت به عنوان کارگر و کارمند نیست. زمینه های اجتماعی، سیاسی، قانونی و فرهنگی مناسبی در این زمینه نیست و نوشته نشده است. مشخصا در زاهدان ریش سفیدان و علمای توانمند این سازوکار را تعریف و بستر لازم را فراهم کنند. در سطح کشور، رسانه های توانمند در فراهم کردن این بستر تاثیرگذار باشند. در بخش قانونی، مجلس می تواند محدودیت های زنان را در قانون گذاری لحاظ کند. قانون هایی در رابطه با زایمان و بارداری داریم، اما به درستی اجرا نمی شود، قانون هایی که مربوط به دوره های قاعدگی زنان است. دوران قاعدگی چیز کمی نیست و به شدت میزان کارایی زنان را تحت تاثیر قرار می دهد و تبعات آن فقط برای همان دوران یک هفته نیست. اگر زنان در آن یک هفته به درستی استراحت نکنند، خستگی جسمی و روانی در طول ماه باقی می ماند و بازدهی آنها را پایین می آورد. گروه های اجتماعی فعال در جامعه هم باید نسبت به حضور زنان در جامعه حساس باشند و مطالبه کنند. حضور زنان در جامعه و نقش آفرینی آنها برای خالی نبودن عریضه و به عنوان سیاهی لشکر نیست، حضور زنان در مشاغل و سمت های مدیریتی است که می تواند تعیین کننده باشد، اما حضور زنان در جامعه به صورت کلی در سازمان ها و ادارات هنوز ذیل قدرت مردانه و سیاست گذاری مردانه تعریف شده است. در ادارت فرهنگی هنوز نظام سلسه مراتبی حاکم است و مردان در راس مدیریت قرار دارند. این را نمی توان نادیده گرفت. قطعا این

سیطره در نوع سیاستگذاری و نوع فعالیت‌ها، اثرگذار است. مشکل همینجاست و برای همین بر حساسیت نسبت به حضور کمی و کیفی بانوان در جامعه تاکید دارم. در یک سازمان یا نهاد یا اداره‌ای ممکن است حضور کمی زنان مناسب باشد، اما با نگاه کیفی متوجه می‌شویم که سیاستگذاری این حضور ذیل قدرت مردانه تعریف شده است. نوع فعالیت زنان به گونه‌ای است که احساس می‌شود زنان با فعالیتشان قدرت مردان را تسهیل می‌کنند و کارهای آنها را پیش می‌برند. خیلی مهم است که آیا اعمال اراده‌ای که صورت می‌گیرد حاصل از اعمال اراده ذاتی زنان بوده است یا خیر؟ بحث ساده‌ای نیست. شاید یک خانم بگوید این خود من هستم و این کارها را به میل خودم انجام می‌دهم. در اینجا باید پرسید چه دوره‌هایی را تجربه کرده‌اید، چه کتاب‌هایی را خوانده‌اید و با چه قشری مکالمه داشته‌اید. پاسخ این سوال‌ها میزان استقلال زنان را مشخص می‌کند.

### حضور زنان در خانواده

سوال می‌شود که چگونه نقش زنان در خانواده را می‌توان تقویت کرد. این سوال اشکال ذاتی دارد. معنی این آن است که حضوری در تشکل‌ها و موسسات بوده است و حالا دوباره باید به فکر تقویت حضور بانوان در خانواده باشیم و به قبل برگردیم. معتقدم هنوز حضور بانوان ما در جامعه یک حضور با کیفیتی نیست و مسئله حل نشده است. کما اینکه این مسئله را می‌توان موازی با تقویت نقش زنان در جامعه پیگیری کرد. برای حضور با کیفیت زنان باید نهادهای قدرت اجازه بدهند و فضا را چه از لحاظ قانونی و چه از لحاظ فرهنگی و اجتماعی فراهم کنند تا گروه‌هایی از خود بانوان برای بررسی نظام مسائل و راه‌حل‌ها شکل بگیرد. این گروه‌ها باید برآمده از خواسته زنان باشند، نه وابسته به گروه‌های قدرتی که به هر شکلی مردسالاری



در بین آنها وجود دارد. نبود تکثر در هر گروه و موسسه‌ای، برای زنان آفت است. اگر کثرت نباشد، آفت به انقیاد کشیده شدن و سیاهی لشکر بودن زنان برای قدرت مردانه رشد می‌کند. اگر کثرت نباشد، مواجهه با مسائل مختلف هم رخ نخواهد داد و در نتیجه حضور زنان موثر خواهد بود. آسیب این آفت به مراتب بیشتر از عدم حضور زنان در جامعه است. باید تعادل اتفاق بیفتد. در حال حاضر، حضور زنان در اجتماع همچنان فرم مردانه دارد. وقتی زن و مرد هر دو شاغل هستند، باید به یک میزان در فعالیت‌های خانه و بچه‌داری کمک کنند. کیفیت این فعالیت‌ها می‌تواند فرق کند ولی میزان آن را می‌توان به یک تعادل مناسبی رساند. مهمترین مشکل و علت اصلی حضور نداشتن زنان در جامعه، فرزندان آنهاست. همسر فرد بالغی است و می‌تواند از پس فعالیت‌های خود بر بیاید ولی بچه چنین شرایطی را ندارد. یکی از علت‌های اصلی مشکل حضور خود من در جامعه، نبودن بستر مناسب برای حضور همزمان به همراه فرزند است. اگر در محیط کاری مثل بیمارستان، مهدکودکی وجود داشته باشد، این حضور تسهیل خواهد شد. شهریه مهدکودک‌ها خیلی زیاد است، کیفیت آنها هم خیلی پایین است. ترجیح من این است که سختی زیاد را تحمل کنم ولی بچه‌ام به دلیل اثرهای فرهنگی مهدکودک نرود. محیط‌های مختلف جامعه ما محلی برای بچه‌ی من ندارند و من مجبور هستیم بین بودن در آن محیط و بچه‌ام، یکی را انتخاب کنم. تکلیف ما مشخص نیست و در حالت گذار هستیم، یعنی نه شرایطی را داریم که مرد بچه را نگهدارد و نه شرایط این را داریم که جامعه این پذیرش را داشته باشد. در حالت گذار هم مشکلات سنتی را داریم و هم مشکلات جامعه مدرن را به دوش می‌کشیم. شرایط برای زنان خیلی بغرنج شده است.



### چه باید کرد

حضور زنان در ادارات و تشکل‌ها بیش از اینکه ساعت‌محور باشد، نیاز است کیفیت‌محور باشد. اگر می‌شود بخشی از شغل را با دورکاری انجام داد، این بستر فراهم

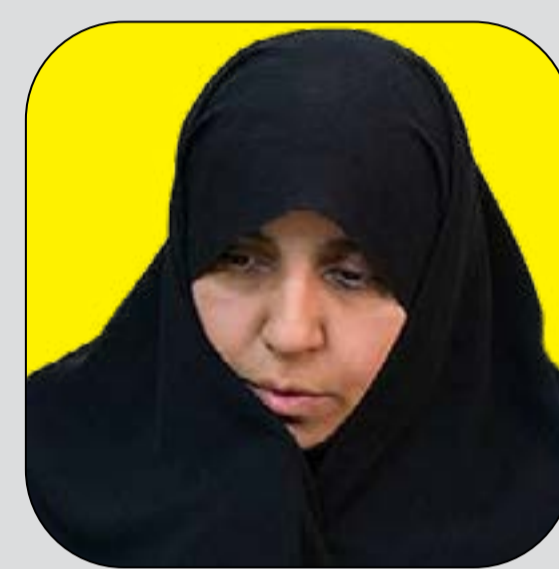


شود. البته بدون اینکه زن در این رقابت حذف شود. چون خیلی وقت‌ها زنان به این دلیل دورکاری را مطرح نمی‌کنند که می‌دانند در رقابت با مردان و به دلیل نداشتن حضور فعال، حذف خواهند شد. قانون باید برای مردانی هم که مشکل فرزند دارند انعطاف داشته باشد، برای حضور مستمر زنان در جامعه هم شرایط منعطفی را در نظر بگیرد. امروز شرایط به گونه‌ای است که زنان برای حضور در جامعه حتماً باید یکی از اعضای بدن خود را از بین ببرند، حتماً باید علقه عاطفی خود را از بین ببرند و هفت هشت ساعت در کنار فرزند خود نباشند. این تصمیم هم به خود زن و هم به خانواده و فرزند آسیب می‌زند. نیاز است نوع بودن در جامعه زنانه‌تر باشد. نهادها برای کمک به زنان باید امکان حضور زنان را بپذیرند و حاضر به پرداخت هزینه حضور زنان در جامعه باشد. جامعه‌ای که به حضور مردانه عادت کرده است، سخت است که حضور زنان را با همه الزاماتش از قبیل رعایت انعطاف در کار و سیکل قاعدگی و... را بپذیرد ولی راه میانه‌ای وجود دارد. بودن زن حُسن‌هایی دارد که به همه این تغییر و تحول‌ها می‌ارزد. حرف زدن با این نگاه و تاکید بر روی این گفتمان می‌تواند کمک‌کننده باشد. در حال حاضر وقتی از حضور زنان در جامعه حرف زده می‌شود بلافاصله حرف آموزش به میان می‌آید، اینکه چگونه زنان موفق شوند، چگونه فرزند تربیت کنند و... نقد من به این رویکردها نادیده گرفتن مسائل و تکثر زنان و داشتن احساس اشباع و سیری است. یک خانم با دیدن این بسته‌های آموزشی احساس می‌کند مسائل را می‌شناسد و می‌تواند مسائل خود را حل کند. افراط در آموزش، ضرورت ندارد و وقتی یک زن با چالش به صورت طبیعی مواجه شود قطعاً در پی پاسخ آن خواهد بود. هزینه‌های مراجعه به روانپزشک، روانشناس و مشاور خانواده هم زیاد است، ارگان‌ها باید این بستر را با قیمت ارزان فراهم کنند. این بستر بیشتر از هر کار دیگری می‌تواند برای بهبود شرایط یک زن کمک‌کننده باشد. مسائل زنان و انسان‌ها با هم خیلی متفاوت است. محتواهای آماده آموزشی تفاوت‌ها را نادیده می‌گیرد و یک احساس سیری در رابطه با شناخت مسائل و حل آنها به افراد تزریق می‌کند. زن احساس می‌کند در خانواده حضور فعال دارد و خیلی از راه‌ها را برای حل مسائل خود را بلد است، اما در عمل می‌بینیم با خیلی از افراد خانواده به جنگ برمی‌خیزد. چون حضور اجتماعی ندارد با خانواده وارد جنگ می‌شود و این خطای شناختی بزرگی است که یک تراپیست و روانشناس می‌توانند این خطای شناختی را به کمترین حالت ممکن برسانند. فراهم شدن امکان دورکاری، داشتن مهد کودک و بودن تراپیست و روانشناس در هر ارگانی از ضروریات امروز است. □

# حضور در اجتماع یا ماندن در خانه، مسئله این نیست!

نقدی بر کلیشه‌ای مرسوم؛

وجود تفاوت در نوع و روش فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی بانوان و آقایان، بدیهی است، چرا که ساختار وجودی آن‌ها، اعم از ظرفیت جسمی، روحی و توانمندی‌ها و ظرفیت مابین دو جنس زن و مرد متفاوت است. بر این اساس دین و شریعت الهی نقش‌ها و وظایف متفاوتی را برای زنان و مردان تعریف کرده و متوقع است.



مونس سیاح  
مدرس دانشگاه و  
رئیس مرکز معارف  
اسلامی دانشگاه صنعتی شریف

## برداشت غلط

آن چه در این تفاوت‌ها باید مورد توجه قرار گیرد، انجام وظیفه مورد انتظار و مطابق با رضای الهی است. به این تفاوت نمی‌توان و نباید لفظ "محدودیت"



را اطلاق کرد، چرا که وقتی اصولاً حوزه صحیح و شروع فعالیت دو نفر یا دو گروه متفاوت باشد این نقص یا زیادی عملکرد در هر دو طرف و عدم ورود به حیطه فعالیت دیگری، محدودیت نخواهد بود. این لفظ زمانی به غلط به کار می‌رود و موضوعیت پیدا می‌کند که حیطه فعالیت انسانی در هر حوزه‌ای، مساوی با فعالیت مطلوب تعریف شده برای مردان بشناسیم و سپس عدم ورود بانوان به آن را محدودیت تلقی کنیم. عجیب آن که در عرف، برگرفته از این فرض نادرست، به عکس این اتفاق محدودیت گفته نمی‌شود! مثلاً عدم توان و ظرفیت آقایان برای ورود در برخی نقش‌ها و فعالیت‌های بانوان را محدودیت آن‌ها نمی‌شناسند.

### وظیفه سیاسی اصیل زن

مقام معظم رهبری در دیدار اخیر با زنان به موضوع نقش زنان در انتخابات تاکید کردند. اما مختصاتی این نقش چیست؟ آیا باید آن را تبعی و مکمل دانست، یعنی فقط به تشویق و ترغیب منحصر می‌شود، یا نقش سیاسی زنان اصیل است؟ به نظر می‌رسد پیش فرض سوال آن است که یک نوع عملکرد و نقش‌آفرینی در عرصه سیاسی و اجتماعی و به طور ویژه در عرصه انتخابات، اصلی یا اصیل است و سایر فعالیت‌ها که آن مختصات را نداشته باشد، نقش‌های فرعی یا مکمل و تبعی است. واقعیت آن است که در پارادایم تفکر دینی، این تقسیم‌بندی صحیح نیست. اگر مقام معظم رهبری از نقش‌آفرینی بانوان سخن می‌گویند، نقشی اصیل و اصلی مدنظر ایشان است.

### نقشی فراتر از نقش مردان

مسلمانان ابعاد اثرگذاری بانوان در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را به جهت مشارکت خودشان و تاثیر در نحوه مشارکت اطرافیان، می‌توان فراتر از آقایان ارزیابی کرد. این نقش‌آفرینی یقیناً منحصر به تشویق و ترغیب نیست بلکه از حضور به عنوان نامزد یا گروه پشتیبانی نامزدها و حضور در احزاب و گروه‌ها گرفته تا عملیات تبلیغ و تبیین و اجرا و نظارت، همه را شامل می‌شود.

در طول چهار دهه گذشته از انقلاب، برای هیچ یک از این زمینه‌ها محدودیت و ممنوعیتی نبوده است، اما نکته بسیار مهم آن است که اگر بر فرض، محوری‌ترین حیطه اثربخشی بانوان را تشویق و ترغیب افراد شایسته در نامزد شدن یا عموم جامعه به مشارکت تلقی کنیم (که البته اینطور نیست)، در این صورت نیز بانوان اصلی‌ترین تاثیر را در فرایند انتخابات دارند چرا که بدون این ترغیب و اقناع، نهایتاً رای به صندوق‌ها ریخته نمی‌شود!



## مشارکت درست

مشارکت و حضور بانوان مادامی که بر اساس توانمندی‌ها و شایستگی‌های ایشان رقم می‌خورد و دارای نتایج واقعی و برکات ناشی از صحت و سلامت در نیت خالصانه، روش صحیح و بدون آسیب و در چهارچوب موازین مورد رضای الهی باشد، مطلوب است. در خانه ماندن یا خارج از منزل پست‌های سیاسی و مدیریتی داشتن، هیچ کدام فرمول ثابت و شاخص صحیحی برای ارزیابی نیست و در واقع برای هر مصداق یعنی هر زن و خانواده او و شرایط و اقتضائات زندگی، متفاوت است، لذا عملکرد صحیح و مطلوب برای هر مورد می‌تواند کاملاً متفاوت باشد. بنابراین قضاوت کلی درباره اینکه فعالیت زنان در جایگاه بهینه خود قرار دارد یا خیر به آسانی ممکن نیست.

اما در این خصوص یک واقعیت انکارناپذیر وجود دارد و آن رشد بسیار چشمگیر و سریع حضور بانوان در چند دهه اخیر، تقریباً در همه عرصه‌های اجتماعی است. این رشد مدیون فراهم بودن زمینه‌های قانونی و اجتماعی و سیاسی و تشویق‌ها و فرهنگ‌سازی‌های فراگیر صحیح و بعضاً نادرست بوده است.

## وسيله‌ای برای جناح‌ها

نکته دیگر آن که این حضور گسترده که از عرصه‌های دانشگاهی و علمی تا اجرایی و اداری و حتی سیاسی و مدیریتی رشد داشته است، آیا در جهت مسیر صحیح خود بوده و به درستی در راستای ارزش‌های انقلابی و اسلامی راهبری شده است؟ تا حد زیادی پاسخ به این سوال منفی است. واقعیت آن است که هرچند نظام اسلامی

محدودیت و قوانین دست و پاگیر خاصی برای مشارکت بانوان در عرصه‌های مختلف نداشته است، لیکن در فرهنگ‌سازی و جلوگیری از گرایش عموم جامعه به مدل‌های فمینیستی حضور اجتماعی نیز توفیق چندانی نداشته است. جامعه ما در مواجهه با دوگانه کاذب و ساختگی "حضور در خانه یا اجتماع" به صورت انفعالی و بدون معیار دقیق، حضور حداکثری اجتماعی را انتخاب کرده است. از طرف دیگر حرص و ولع عجیب، همراه با فشارهای حزبی برای احراز پست‌های مدیریتی، سایه سنگینی بر این موضوع انداخته است.

به این ترتیب می‌توان ادعا کرد بخش قابل ملاحظه‌ای از حضور بانوان را در برخی سمت‌ها و جایگاه‌های سیاسی و اجتماعی، نه به دلیل شایستگی ایشان بلکه با اصرار و فشار جریان‌های سیاسی بوده است، جریاناتی که بخشی از توفیق خود در رقابت‌های سیاسی و در کسب آرا، خصوصاً آرای جامعه زنان را از این طریق دنبال می‌کنند؛ و این البته نکته تاسف‌برانگیزی است.

ظرفیت نهادها و تشکل‌های فرهنگی، به ویژه مواردی که محیطی امن برای حضور بانوان فراهم می‌کنند و مؤسسات و تشکیلاتی که خارج از کلیشه‌های مرسوم با هدف استفاده واقعی از توانمندی‌های بانوان، چه در زمینه علمی، چه اقتصادی و چه حتی سایر زمینه‌های فناورانه یا سیاسی ایجاد شده‌اند، بسیار مناسب و مغتنم است، هرچند چنین ساختارهایی متأسفانه به دلیل تفاوت با ساختارهای مرسوم از بسیاری منافع و امتیازات بی‌بهره می‌مانند. ■

# خلوص

زمانی بر ما گذشت  
که «خالص» بودیم!  
چه خوب است مرور  
کنیم دورانی را که  
«خلوص» فصل  
مشترک مان بود!

ك



## مردم مکلفند به این که در انتخابات شرکت کنند

« دومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۲۶ فروردین ۱۳۶۳ برگزار شد. بر اساس آمار، در این دوره انتخابات ۱۵۸۴ نفر از ۱۹۳ حوزه انتخابیه برای کسب ۲۷۰ کرسی مجلس ثبت نام کرده بودند که صلاحیت ۱۲۷۵ نفر توسط هیات های اجرایی و هیات های نظارت تایید شد. از میان این ۱۲۷۵ نفر، پس از اعلام صلاحیت ۱۱۵ نفر استعفا دادند. در تهران ۲۴۳ نفر نامزد شدند و صلاحیت ۱۶۳ نفر به تصویب رسید که از میان آنها ۴ نفر استعفای خود را اعلام کردند. در تاریخ ۲۶ فروردین سال ۱۳۶۳ اولین مرحله با حضور ۱۵ میلیون و ۹۹۵ هزار نفر در پای صندوق های رای برگزار شد و ۱۲۱ نماینده به مجلس راه یافتند. در مرحله دوم در تاریخ ۲۷ اردیبهشت، ۱۳۰ نماینده دیگر نیز پایتشان به مجلس باز شد و سومین مرحله انتخابات میان دوره ای بود که در تعداد معدودی از حوزه ها همچون تهران برگزار شد.

پیش از سال ۱۳۶۳، بسیاری از افراد هسته ای انقلاب همچون شهید بهشتی، مطهری، رجایی و باهنر به شهادت رسیده بودند و کشور در گیرودار جنگ قرار داشت. جنگ بیش از آن که تصور می شد ادامه پیدا کرده و حتی صدام به استفاده از سلاح های شیمیایی دست زده بود. در آن دوره هم تلاش دشمن روی ناامید کردن مردم از حضور در انتخابات و ایجاد اختلاف در میان مردم بود، از این رو امام خمینی از چند ماه پیش از انتخابات، به واکنش علیه این تلاش ها اقدام کردند. در این مطلب که در صد و دومین شماره نشریه پیام انقلاب، در اول بهمن ۱۳۶۲ منتشر شد، سخنان امام در چند دیدار مورد بررسی قرار گرفته است، سخنانی که در ایران امروز نیز خواندن آن خالی از لطف نیست و آموزه های بسیاری با خود دارد.

حضرت امام امت و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران در دیداری که آقایان عسگر اولادی و سعید امانی به اتفاق گروهی دیگر از بازاریان تهران در تاریخ ۱۲ دی ماه ۶۲ با ایشان داشتند، بیاناتی ایراد نمودند که محورهای عمده آن به شرح زیر است:

۱. اگر امروز گله‌هایمان به اختلاف تبدیل گردد، همه‌مان مسئولیم؛
۲. اگر در انتخابات مجلس مسامحه کنیم، مطمئن باشیم که از راه مجلس به ما لطمه می‌زنند.

### امروز ما احتیاج به اتحاد داریم

رهبر کبیر انقلاب اسلامی در ابتدا، ضمن اشاره به سهم زیاد بازار در پیروزی انقلاب اسلامی و همراهی با مردم محروم، تذکر دادند که گله‌ها نباید به اختلاف کشیده شود و باید با یکدیگر متحد بود. ایشان فرمودند: «آن چه که باید همه به آن توجه داشته باشیم این است که امروز اکثر حکومت‌ها با ما بد می‌باشند، پس ما هم باید همه با هم متحد و خوب باشیم. اگر بنا باشد که بازارها همراه جمهوری اسلامی نباشند، جمهوری شکست می‌خورد. امروز ما احتیاج به اتحاد داریم. امروز باید همه با هم باشیم، اگر چنین نباشیم ما را از بین خواهند برد. همه قدرتها احساس کرده‌اند که اسلام برایشان ضرر دارد، و بعضی از آنها صراحتاً می‌گویند که با این اسلامی که در دنیا مطرح کرده‌ایم مخالف‌اند. آنها اسلامی مانند اسلام سعودیها را می‌خواهند. منافقین هم می‌گویند اسلامی که دست برد اسلام نیست، با اینکه در قرآن صراحتاً آمده است. البته گرانی هست، کمبود هست، و بیشترین صدمه اش به کارمندان دولت می‌خورد، ولی باید تحمل کرد. اگر امروز گله‌هایمان به بازار، مجلس و دولت کشیده شود و این گله‌ها به اختلاف تبدیل گردد، همه‌مان مسئول هستیم. اگر امروز اسلام سیلی بخورد، دیگر سربلند نمی‌کند. به خاطر اسلام باید مقداری از ناراحتی‌هایمان را کنار بگذاریم.

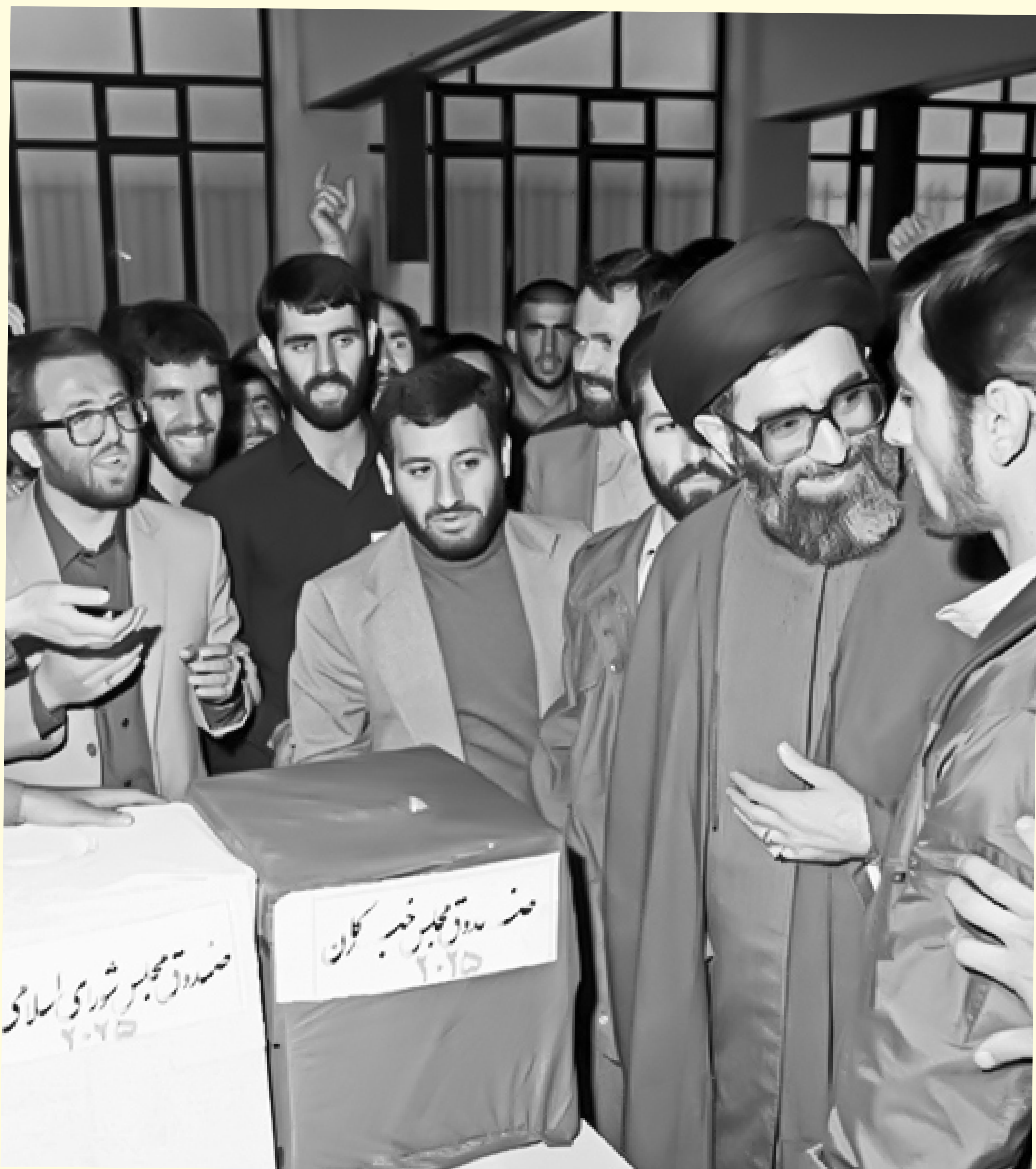
من که قریب هشتاد و پنج ساله هستم، با ضعف بسیار آن قدر که برای من ناراحتی و خستگی هست برای شماها نیست. اگر بنا باشد کنار رویم من باید کنار روم. ولی همه وارد در میدانی شده‌ایم که اگر یک قدم عقب بنشینیم شکست می‌خوریم. اگر انسان بخواهد برای اسلام خدمت کند نباید توقع این را داشته باشد که همه او را بپذیرند. کسی که می‌خواهد برای خدا کار کند باید پیه حبس، تبعید، بدنامی و سایر چیزها را به خود بمالد. اگر به شما فحشی می‌دهند، شما برای خاطر خدا بپذیرید و ثواب کنید. این را نباید فراموش کنیم که ما همه یک چنین کار بزرگی را انجام داده‌ایم، حالا از شرق و غرب فحاشی نشنویم یا در داخل با فساد کسانی



مواجه نگردیم؟! عده‌ای فاسد می‌خواهند بازار را بر ضد دولت و دولت را بر ضد بازار بشورانند. من همین حرفهایی را که به شما می‌زنم هر کسی که اینجا بیاید به او هم می‌گویم. ان شاء الله همه با هم خوب بوده و موفق باشید.»

## اهمیت انتخابات

امامت و فرمانده کل قوا در خاتمه بیاناتشان به مساله مهم انتخابات اشاره نمودند و بهنمود دادند که باید فردی را انتخاب کرد که هم مسلمان متدین باشد و هم جمهوری اسلامی را قبول داشته و از مسائل روز اطلاع داشته باشد: «امروز مسئله مهم، مسئله انتخابات است. به انتخابات توجه داشته باشید. در اول مشروطه اصناف بازار هم وکلایی داشتند، انتخابات تا اندازه‌ای دست مردم بود. بعد کم کم آنهایی که فاسد بودند کار را طوری کردند تا متدینین را از مجلس کنار گذاردند. آنها هم مقاومت نکردند و کنار رفتند. بعد دیدید که مجلس را چه کردند، هر کاری



که خواستند انجام دادند. اگر در مجلس آینده یک قدم عقب نشینی کنیم، در آینده نزدیک ما را کنار خواهند گذاشت. باید قهر نکنیم و کوشش کنیم تا بازار هم خودش برای انتخابات اشخاصی را معرفی کند. ما نباید مقلد کسی باشیم که هر چه را عده‌ای تشخیص دادند همان را عمل کنیم، بلکه باید کاملاً توجه کنیم که مثلاً در تهران چه کسانی لیاقت دارند که هم مسائل روز را بفهمند و هم متدین باشند و هم برای اسلام کار کنند، اشخاصی را انتخاب کنیم که از هر جهت صالح باشند. اگر کسان دیگری هم اشخاص صالحی داشتند به آنها رأی دهید و الا نه. بازار اختیارش دست خودش است، آنچه بینی و بین الله تشخیص می‌دهد آن را انتخاب کند. اگر در انتخابات مسامحه کنیم مطمئن باشید که از راه مجلس به ما لطمه می‌زنند. باید دانست مسلمان بودن تنها فایده‌ای ندارد، باید جمهوری اسلامی را قبول داشته باشد و از مسائل روز اطلاع داشته باشد.»

### رهنمود به فرمانداران و بخشداران

حضرت امام امت در دیداری که وزیر کشور و نماینده امام در جهاد سازندگی به اتفاق فرمانداران و بخشداران و اعضای شوراهای اسلامی روستائیان وابسته به جهاد سازندگی در تاریخ ۱۳ دی ۶۲ با ایشان داشتند، بیانات مبسوطی ایراد نمودند که محورهای عمده آن بدین شرح است:

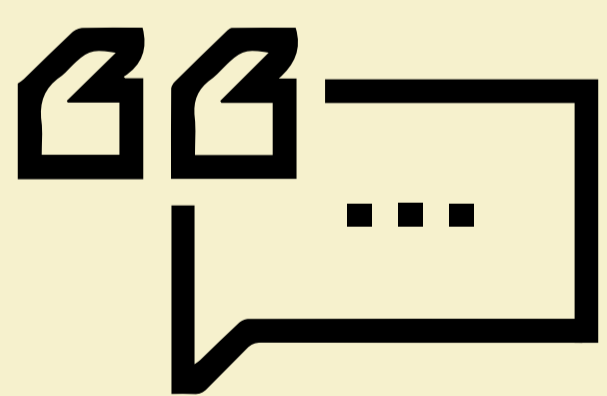
۱. باید وضع ظاهری و روحی فرمانداران و بخشداران و دیگر مسئولان، به مانند حضرت رسول و ائمه اطهار، بی‌آلایش و ساده باشد؛

۲. مردم کوچه و بازار و کشاورزهای عزیز و کارمندان و کارگران ولی نعمت مسئولان هستند؛

۳. مجلس، اشخاص سیاسی، اقتصاددان، سیاستمدار، مطلع به اوضاع جهانی و متعهد به اسلام لازم دارد؛

۴. ماموران اجرایی انتخابات باید در امر انتخابات دقت کنند که خوب انجام بگیرد و خدای نخواسته، تقلبی در کار نباشد؛

۵. مردم مکلفند در انتخابات شرکت کنند و کنار رفتن مخالف



پس ما هم باید همه  
با هم متحد و خوب  
باشیم. اگر بنا باشد که  
بازارها همراه جمهوری  
اسلامی نباشند،  
جمهوری شکست  
می‌خورد. امروز ما  
احتیاج به اتحاد داریم.

اسلام است.

رهبر کبیر انقلاب اسلامی در ابتدای سخنان‌شان مسئولان جمهوری اسلامی را با زمان طاغوت مقایسه کردند و از آنان خواستند که چون گذشته، به مانند حضرت رسول و ائمه اطهار، بی‌آلایش و ساده باشند و مردم را ولی نعمت خود بدانند: «من امیدوارم که همین طوری که وضع ظاهری شما آقایان فرمانداران و بخشداران و دیگران و همین طور همه اجزاء حکومت اسلامی، امروز همان طور که وضع ظاهریشان یک وضع بی‌آلایشی است، وضع روحی و معنویتان هم همان طور باشد. همان طوری که حضرت امیر - سلام الله علیه - می‌فرماید که وقتی به او اطلاع داده بودند که یک خلخال را از پای یک زن - حالا یا یهودی بوده یا نصاری - کشیدند، می‌فرماید که - به حسب نقل - که انسان اگر از غصه بمیرد عیب نیست. این طور در مقابل ظلم ناراحت می‌شدند. شما همه در محضر خدا هستید، هر جا باشید. قلبهای شما در محضر خداست، بازوهای شما، چشمهای شما، همه چیز شما در محضر خداست و خدا حاضر است در همه جا.

کوشش کنید که با بندگان خدا جوری رفتار کنید که امامان شما رفتار می‌کردند، پیغمبر شما رفتار می‌کرد و سایر انبیا رفتار می‌کردند. گمان نکنید که حالا فلان نخست وزیر است، فلان وزیر کشور است، فلان رئیس جمهور است، فلان رئیس مجلس است. فلان استاندار است، فلان بخشدار است، فرماندار است، گمان نکنید که اینها یک چیزی است. آن که همه چیز است به دست آوردن رضای خداست، و آن به این است که رضای مخلوق خدا را به دست بیاورید. با مردم که شما سرو کار دارید این مردم را باید رضایشان را به دست بیاورید. همین مردم کوچه و بازار و کشاورزهای بسیار عزیز و کارمندان و کسانی که در کارخانه‌ها زحمت می‌کشند اینها هستند که مایه افتخار یک ملت و مایه پیروزی یک ملت است. پیروزی را برای ما و شما اینها به دست آوردند و اینها ولی نعمت ما هستند. و ما باید این معنا را در قلبمان احساس کنیم که با این ولی نعمت‌های خودمان رفتاری بکنیم که خدا از آن رفتار راضی باشد.»

### حفظ پیروزی

بنیانگذار جمهوری اسلامی در ادامه با اشاره به این که در گذشته مقدرات کشور ما به دست بیگانگان بود، فرمودند: «مقدرات کشور ما دست دیگران بود. آن چیزی که شما به دست آوردید این است که شما مقدراتتان را به دست خودتان آوردید. دست امریکا و شوروی و انگلستان و سایر کشورهای دیگر را قطع کردید، بیرونشان کردید. این یک چیز کمی نیست که دست شما آمده است، این یک چیز بزرگ

است و حفظش بالاتر از خودش است. آن‌هایی که از شما شکست خوردند آرام نمی‌نشینند. آن‌ها در صدد این هستند که جبران کنند شکست خودشان را، و شکست خودشان را بخواهند جبران کنند، به حسب آن طوری که وضع آن‌ها و سیره آن‌هاست، به دست خود شما می‌خواهند جبران کنند. می‌خواهند شکست شما به دست خودتان باشد، و این امر بسیار مهم است و باید بسیار رویش دقت بشود. اگر مردم را در کارخانه‌ها، در کشاورزی و ادار کنند به اینکه - با ایادی خودشان، و ادار کنند به اینکه - سستی کنند در امر کشاورزی که در رأس امور یک کشور امثال کشور ماست، و آن‌هایی که در کارخانه‌ها کار می‌کنند و ادار کنند به کم‌کاری، و کارهای دیگر، از آنجا نقطه شکست ما شروع می‌شود.»



### انتخابات دست مردم است

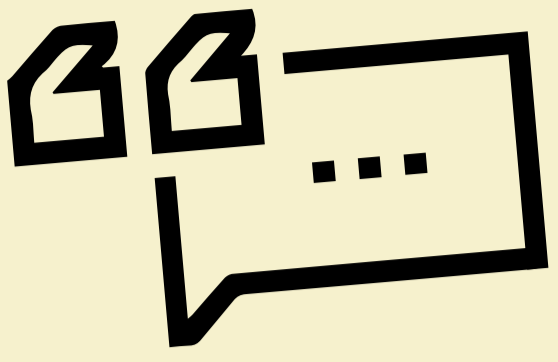
امام امت و فرمانده کل قوا یادآور شدند که در گذشته، رژیم ستم‌شاهی هر کسی را که مطابق خواست آن‌ها عمل می‌کرد وکیل می‌کرد و مردم در انتخابات آزاد نبودند، اما حالا مردم آزاد هستند و انتخابات دست آن‌هاست و هیچ کس نمی‌تواند در مورد انتصاب وکیل به آن‌ها دستور دهد: «هیچ قدرتی الآن در ایران نمی‌تواند یک کاری را تحمیل کند به ما. امروز باید خود شما بنشینید کارتتان را انجام بدهید. انتخابات مثل سابق نباشد که از مرکز دستور داده می‌شد که این باید وکیل بشود، دیگر کسی هم حق ندارد حرفی بزند. انتخابات دست مردم است...»

در تشخیص خوب و بد، اتکال به قول غیر نکنید مگر اشخاصی باشند که مورد اعتماد خودتان باشد صد درصد. این را به مردم دارم می‌گوییم و به شما آقایانی که در آتیه متصدی اجرای انتخابات هستید توجه می‌دهم که اگر یک انحرافی در یکی از شما پیدا بشود، و این بعد موجب این بشود که در این جمهوری یک لطمه‌ای وارد باشد به گردن شماست. به اسلام لطمه‌ای وارد بشود به گردن شماست. و اگر در اینجا هم کشف بشود معذور نیستید و مورد تعقیب وارد می‌شوید. باید شماها بدون توجه به اینکه دستور کسی داده، دستور کسی حق ندارد راجع به انتخابات بدهد، دستور در اجرا، در خوبی اجرا بله، وزیر کشور دستور می‌دهد که اجرا خوب بشود، اجرا اسلامی باشد. اما یک بالایی بخواهد به شما دستور بدهد که کی‌یک باید وکیل بشود، کی‌یک می‌خواهد وکیل بشود این امر نیست در اسلام، در ایران هم نیست. اینکه من عرض می‌کنم برای این است که بعدها کسانی که در ایران بعدها و نسل‌های بعد می‌آیند بدانند که باید این طور باشند و الا امروز ما کسی را نداریم که دستور بدهد، پیشنهاد می‌کند و مردم مختارند.»

### شرایط نمایندگان مجلس

رهبر مستضعفان جهان در ارتباط با مجلس شورای اسلامی آینده و شرایط افرادی که مردم باید انتخاب کنند فرمودند: «مجرد اینکه این آدم یک آدم خوبی است خیلی، اول وقت نمازش را می‌خواند و نماز شب می‌خواند، این برای مجلس کفایت نمی‌کند. مجلس اشخاص سیاسی لازم دارد، اشخاص اقتصاددان لازم دارد، اشخاص سیاستمدار لازم دارد، اشخاص مطلع بر اوضاع جهان لازم دارد. باید تعهد به اسلام باشد و موافقت با جمهوری اسلامی باشد لکن این مسائل هم باشد. در یک مجلس باید همه چیز باشد در این کمیسیون‌های مجلس از امور ارتشی و کشاورزی و اقتصاد و همه چیز بحث می‌شود، باید مطلع باشند اینها.

آنهایی که در این کمیسیون‌ها هستند باید اشخاصی باشد در بینشان که عالم به اقتصاد باشد، عالم به امور کشاورزی باشد، عالم به امور اداری باشد، عالم به مسائل جهانی باشد. مجلس می‌خواهد ایران را در مقابل جهان اداره کند، مجلس یک چیزی نیست که بخواهد ایران را در مقابل خودش درست بکند. ایران در مقابل جهان است امروز، آن هم یک جهان امروزی و یک ایران امروزی. ایران امروزی که تک است در دنیا و جهان امروزی که همه مهاجم‌اند، همه مهاجم به شما هستند. شما می‌خواهید که یک مجلسی داشته باشید که در مقابل این مهاجماتی که از خارج می‌شود پایدار باشد. یک دولتی را تعیین کند که در مقابل مهاجماتی



اگر در انتخابات  
مسامحه کنیم مطمئن  
باشید که از راه مجلس  
به ما لطمه می‌زنند. باید  
دانست مسلمان بودن  
تنها فایده‌ای ندارد، باید  
جمهوری اسلامی را قبول  
داشته باشد و از مسائل  
روز اطلاع داشته باشد.

که در دنیا واقع می‌شود، فشارهایی  
که واقع می‌شود در دنیا این بتواند  
دفاع کند، و این از مجلس سرچشمه  
می‌گیرد، از مجلس دولت درست  
می‌شود و شما یک همچو مجلسی  
لازم دارید. شما برای حفظ کشور  
خودتان، برای حفظ اسلام عزیز، که  
این همه خون در راهش ریختید  
باید پایداری کنید و توجه بکنید  
که حفظ کنید این را، و حفظش  
نسبت به شماها که مأمورین

هستید به این است که -اجرایش را بدون اینکه به کسی اعتنا کنید اجرایش را  
خوب و موافق شرع و موافق اسلام و موافق مصالح کشور اجرا کنید. و مردم هم  
همه آزادند. عرض کردم از رئیس جمهور و نخست وزیر و وزیرکشور و همه اینها  
گرفته تا آن کسی که در آخر این کشور مشغول کشاورزی است فرقی ندارند در اینکه  
مکلف اند آدمی را که باید به درد مملکت بخورد انتخاب کنند و خودشان تشخیص  
بدهند. بازار باید خودش تشخیص بدهد... باید خودشان تشخیص بدهند، هیچ  
کس تحت تأثیر دیگری نیست. بله اگر چنانچه اشخاص مطمئنی باشند که آنها  
تشخیص بدهند، شهادت بدهند که فلان آدم جهات مختلفش همه خوب  
است، آن وقت مانعی ندارد که کسی به واسطه تشخیص آنها و اطمینان به اینکه  
این صحیح است رأی هم به آنها بدهد. اما این طور نیست که کورکورانه انسان  
دنبال این باشد که ببیند کیک چه گفته، این صحیح نیست، این در اسلام نیست  
و در جمهوری اسلامی هم نباید باشد.»

### شرکت نکردن در انتخابات خلاف اسلام است

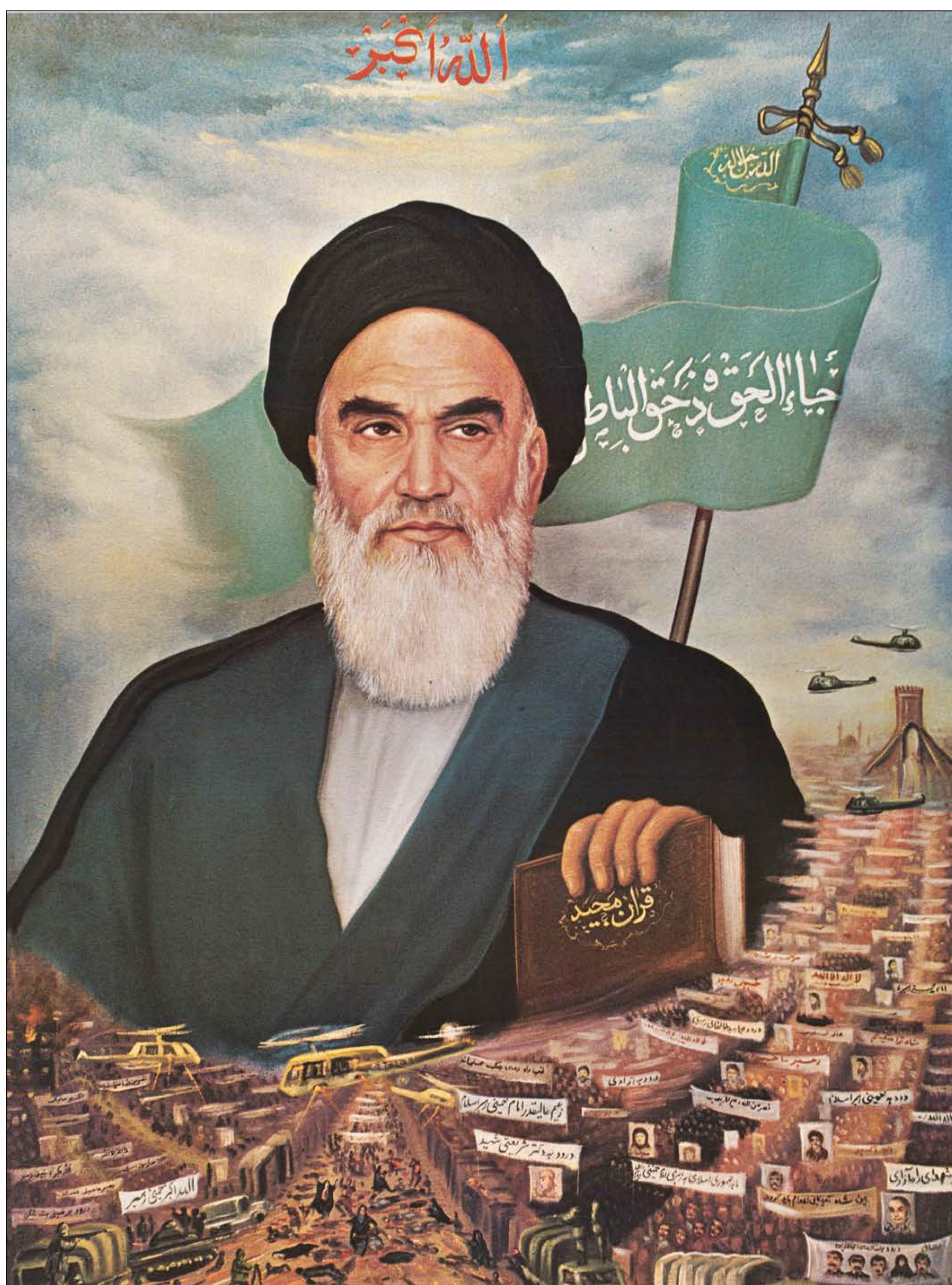
حضرت امام و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران در خاتمه مسئولان اجرای انتخابات  
دقت کنند تا خوب انجام گیرد و خدای نخواستہ، تقلبی در کار نباشد و همه را مکلف  
ساختند که در انتخابات شرکت کنند: «شما فرمانداران و بخشداران و همین طور  
اشخاص محترمی که این انجمن‌های اسلامی را در سرتاسر کشور دارند، همه تان  
موظفید به اینکه در این امر دقت کنید که خوب انجام بگیرد، نبادایک وقت خدای  
نخواستہ، یک تقلبی در کار بیاید، نباد خدای نخواستہ یک اشخاص نابابی خودشان

را عوضی جا بزنند که از این معانی بسیار خواهد بود. اینها تکلیف شماست که بکنید. مردم هم خودشان مکلفند به اینکه هم شرکت کنند در انتخابات. نروند کنار، تکلیف است، حفظ اسلام است، رفتن کنار خلاف تکلیف است، خلاف مصالح اسلام است. آن مقدسی که خیال می‌کند کنار نشسته و دخالت در امور اسلامی نمی‌کند، او بر خلاف اسلام دارد رفتار می‌کند، اگر خدای نخواستہ یک همچو آدمی باشد. آن آدمی که به واسطه اینکه مثلاً یک چیز اوجاجی از یک نفر می‌بیند یا از یک گروهی می‌بیند کنار برود، این برخلاف مصالح اسلام عمل می‌کند. این معانی در صدر اسلام هم بوده است، در زمان ائمه ما هم بوده است. خوب، همه اینها بوده لکن آنها کنار گرفتند، آنها مشغول فعالیت خودشان بودند. به مردم عرض می‌کنم شرکت کنید در این انتخابات و تمیز بدهید اشخاصی را که لایق اند برای این مقام. مقدرات کشورتان را به دست کسانی بدهید که برای کشور شما مفیدند از حیث سیاست، از حیث اقتصاد، از حیث همه چیز. اگر مسامحه بکنید و امروز هم کسی نفهمد، خدا هست، خدا می‌داند و می‌بیند. شما در محضر خدا هستید هر جا هستید. همه خلق الله در محضر خدا هستند هر جا هستند. بر فرض اینکه من یک کار خلاف کردم اسلام که خلاف نکرده است، شما برای اسلام کار بکنید، چکار دارید که فلان آدم بد کرده. خوب، بد کرد، بد بکند شما خوب بکنید برای اسلام تا آن بد هم به تبع شما ان شاء الله خوب بشود.» □



# شرکت در انتخابات ندای لبیک گفتن به رسول گرامی اسلام است

این یادداشت در شماره ۹۹ نشریه پیام انقلاب (نوزدهم آذرماه ۱۳۶۲) منتشر شده است.





اگر از عقلا و حکمای ملل جهان بپرسیم نظر شما بهترین حکومت چه نوع حکومتی است، قطعاً در جواب خواهند گفت حکومتی که سعادت و رستگاری ملت‌ها را تأمین کند. لیکن در این که چه نوع حکومتی تأمین‌کننده سعادت و رستگاری است، اختلاف نظر وجود دارد.

از دیدگاه ما که مسلمانیم، حکومتی ویژگی‌بالا را دارد که دارای بهترین قانون و نیز بهترین مجری و ضامن اجرای قوی و استوار داشته باشد. بر این اساس است که معتقدیم بهترین قانون راه‌رگز انسان‌هانی می‌تواند جعل کنند، زیرا انسان‌ها هر چند دانشمند و بی‌غرض باشند، ولی در عین حال علمشان محدود است و نمی‌توانند به تمامی ابعاد وجودی انسان واقف شده و در نتیجه قانونی که سعادت‌شان را تأمین کند، پی‌ریزی کنند.

علاوه بر آن که انسان‌ها در هر حال رنگ‌پذیرنده و در معرض گناه و لغزش هستند، بدین جهت است که معتقدیم بهترین قانون، قانونی است که خالق انسان آن را بنیان نهد، زیرا که او واقف به تمام ابعاد وجود مخلوق است و از عیوب و نواقصی که انسان‌ها دارند، مبرا و منزّه است. بر این اعتقادیم که بهترین مجری قانون الهی نیز آن کس است که خداوند او را برای اجرای قوانون معرفی کند زیرا که قانون‌گذار نیک می‌داند که چه کسانی توان اجرای قانون او را دارند.

با توجه به این دو مطلب است که در این آیین الهی قانون، تنها قانون خداست: «إِنَّ الْحَكْمَ إِذَا لِلَّهِ». مجریان این قانون نیز بی‌واسطه یا با واسطه از سوی او انتخاب می‌شوند. و به حمد الله در جمهوری اسلامی ایران این دور رکن اساسی تحقق یافته و می‌رود که ان شاء الله با تحقق این دو اصل، سعادت در دیگر بلاد اسلامی زمینه سعادت دیگر ملل اسلامی نیز فراهم آید.

در حکومت جمهوری اسلامی ما قانون اساسی، قرآن است که فقهای امت که در حقیقت خبرگان امت اسلام بودند، آن را در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران متبلور نمودند و مجری اساسی این قانون نیز مجری الهی، یعنی ولی فقیه است که او راهم امت مسلمان با خصوصیات که امام معصوم فرموده است، برگزیده‌اند.

ولی فقیه در زمان ما، یعنی رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی با استنباط از قرآن کریم و احادیث رسول گرامی اسلام و عترت پاکش، این شکل حکومت، یعنی «جمهوری اسلامی» را تصویب فرمودند. در این حکومت بنا بر قانون اساسی مصوب ولی فقیه و امت مسلمان در بسیاری موارد، امت اسلام برای تعیین سرنوشت خود تصمیم می‌گیرند. ولی فقیه را آنان بر می‌گزینند، رئیس جمهور را آنان انتصاب می‌کنند، نمایندگان خود را در مجلس شورای اسلامی با رای خود بر می‌گزینند... و این



بیانگر مردمی بودن این حکومت و اتکای آن به مردم است و اول آموزنده این نوع از برخورد «مردمی بودن» شخص رسول گرامی اسلام بود.

حضرتش با آن که از هرگونه عیب و خطا و اشتباهی معصوم بود، ولی برای آن که به امت خود شخصیت دهد و اسوه و الگویی برای آیندگامان باشد، با اصحاب خود مشورت می فرمود و این روش را به دستور خداوند برگزیده بود. خداوند حضرت را امر به مشورت با مردم امر فرمودند. در تاریخ می خوانیم: رسول گرامی اسلام در جنگ بدر در چند مورد با مردم مشورت کرد. در جنگ احد در مورد شیوه دفاع که از داخل دفاع کنیم یا از شهر بیرون برویم با اصحاب مشورت فرمود. در جنگ خندق نیز در مورد پایان نبرد و شیوه آن با یاران مشورت فرمود. در ماجرای حدیبیه با اصحاب مشورت فرمودند. در جنگ بنی قریظه و بنی النضیر با اصحاب خود مشورت فرمودند. در فتح مکه هنگامی که شنیدند ابوسفیان می آید، با اصحاب مشورت کردند. در جنگ تبوک نیز با اصحاب مشورت فرمودند. در غیر امور جنگی، همانند تعیین فرماندار و حاکم نیز با احترام به نظر مردم، آنان را تعیین می فرمودند.

در تاریخ می خوانیم که امیر مومنان، به هنگام حرکت به سوی شام برای نبرد با معاویه،

با اصحاب و یاران مشورت فرمودند.

این نمونه‌هایی که به اجمال از رسول گرامی اسلام و امیرمومنان گفته آمد، مهم‌ترین دلیل بر این است که در اسلام، به حضور مردم در صحنه و در جریان امور قرار گرفتن آنان، عنایت شده است.

البته روشن است که مشورت رسول خدا و علی علیه‌السلام در اموری بوده که از سوی خداوند دستور خاصی نرسیده باشد، وگرنه در این گونه امور جای هیچ گونه مشورتی نیست.

رسول گرامی اسلام مأمور است در اموری که مربوط به مردم است با آنان مشورت کند، نه در امور الهی که در آن‌ها از ناحیه خداوند تکلیف مشخص شده است. «تشریح احکام» و «تحلیل حلال» و «تحریم حرام» همگی مربوط به خداست و هرگز این امور مورد مشورت نیستند و پیامبر اسلام این‌ها را از منبع وحی تلقی کرده و به مردم عرضه می‌کردند.

این رشته از امور و مانند آن‌ها در بست در اختیار جامعه باایمان است که باید با تشکیل شوراهای نظامی و سیاسی گره کار را بگشایند، خود پیامبر در دوران زمامداری خود در چنین مواردی شوراهایی تشکیل داده و عملاً مسلمانان را به اصل شورای و حدود آن آشنا کرده‌اند. باید توجه کرد که تصمیم‌گیرنده نهایی شخص رسول الله است. آری مشورت رسول خدا و ائمه بیانگر اعتنای آنان به مردم و شخصیت دادن به آن‌ها و ایجاد احساس مسئولیت در تک‌تک افراد جامعه است. اینک جمهوری اسلامی ما که افتخارش این است که پیرو مکتب پیامبر است، باید مجلسی بانمایندگانی متعهد، متخصص، اسلام‌شناس و فداکار است. این مجلس باید در تصمیم‌گیری‌های خود رضای خداوند متعال را مدنظر قرار دهد و در راستای خدمت به مردم کوشش کند. مجلس توانمند باید تمام تلاش خویش را برای پیاده کردن احکام و قوانین اسلامی که از سوی خداوند وضع و به وسیله رسول گرامی اسلام به ما ابلاغ شده است به کار گیرد. تنها در صورتی یک جامعه به فلاح و رستگاری نایل می‌شود که قوانین الهی در آن جاری و ساری شود. این قوانین ذیل حکومت ولایت فقیه که قواعد آن منطبق بر سیره رسول گرامی اسلام و ائمه اطهار چیده شده، به اجرا در می‌آید و در تمام شئون اجتماعی پیاده می‌شود. نه تنها در قانون‌گذاری و اجرای قوانین، بلکه در حیطه قضا نیز باید توجه تام به قوانین الهی صورت گیرد. در دستگاه قضا، قضات و حاکمان شرع باید نهایت سعی خود را در پیاده‌سازی عدالت معطوف کنند.

شرکت در انتخابات، ندای لبیک به رسول گرامی اسلام است. حضرت می‌فرمایند: آگاه باشید همه شما چون شبانید و همگی مسئول هستید. در این که حفظ نظام اسلامی

از مهم‌ترین واجبات شرعی است هیچ فقیهی شک ندارد، حتی آنان که در بحث فقه به ولایت فقیه به گستردگی که رهبر کبیر انقلاب به آن قائلند، معتقد نباشند، در این جهت متفقند که اگر نظام اسلامی به وجود آمد، باید با تمام قوا در حفظ آن کوشید. بر این اساس هر آن چه حفظ نظام اسلامی به آن بستگی دارد، وجوب شرعی پیدا می‌کند.

رهبر کبیر انقلاب در این زمینه فرمودند: «مجلس را که در راس همه امور است تقویت کنید و دنبال این باشید که یک مجلس قوی قانون‌گذاری داشته باشیم تا بتوانند مملکت را به راه راست ببرند.» انتخابات مجلس بسیار سرنوشت‌ساز است و باید مردم با حضور در آن مایه یاس دشمنان اسلام و انقلاب را فراهم آورند. ملت حزب‌الله تاکنون با حضور خود در تمام صحنه‌ها امپریالیسم جهانی را به زانو درآورده‌اند و انقلابی اسلامی را که مایه حیرت جهان بوده، به پیروزی رسانده‌اند. ادامه مسیری که ملت حزب‌الله از سال‌ها پیش در پی گرفته، با حضور در انتخابات تحقق پیدا می‌کند. رای ملت ایران در انتخابات پیش‌رو نشانه‌ای است از همت آنان برای پیمودن مسیر حق و دفاع از حکومتی که نور حق و حقیقت را در جهان گرفتارِ ظلم و ستم روشن کرده است.



عزت و عظمت اسلام و انقلاب اسلامی در گرو شرکت وسیع امت حزب الله در انتخابات آینده مجلس شورای اسلامی است، زیرا بوق‌های امپریالیستی، صهیونیستی دنیا با تبلیغات وسیع می‌خواهند وانمود کنند که ملت از صحنه بیرون رفته و چندان به انقلاب اسلامی اش دلگرم نیست. به یاری خدا باید امت مسلمان ما با شرکت گسترده در انتخابات مشت محکمی به دهان این یاوه‌سرایان بزند. هر رای که ایرانی مسلمان در صندوق می‌اندازد تیری است که به قلب استکبار جهانی فرو می‌آید. دشمنان داخلی و خارجی مدت‌هاست خیال‌های خامی در اندیشه پوسیده و متعفن‌شان دارند و می‌کوشند از هم اکنون که چند ماه دیگر به انتخابات مانده، با جو سازی‌ها، تهمت زدن‌ها، فریاد و آزادی‌ها! سر دادن‌ها جو سالم انتخابات را از بین برده و از پیش آن را مخدوش کنند. بوق‌های تبلیغاتی دشمن از ماه‌ها پیش از انتخابات با هدف دلسرد کردن مردم از حضور در انتخابات و ایجاد اختلاف در آحاد ملت حزب الله به کار افتاده‌اند. در این راه هم هیچ حربه‌ای نبوده که به وسیله آنان به کار گرفته نشود. انواع دروغ‌ها و فریبکاری‌ها در کنار به کارگیری عناصر و ایادی منحط و منحرف داخلی به کار گرفته شده‌اند تا حضور مردم در صحنه کم‌رنگ‌تر شود، غافل از این که ملت حزب الله گوش به فرمان رهبر کبیر انقلاب باز هم در انتخابات حضوری پر شور خواهند داشت و برای خود پاسخ تمام یاوه‌گویی‌ها را خواهند داد.

آنان که یقین دارند دیگر امت مسلمان آنان را به نمایندگی از خود بر نمی‌گزینند، به دست و پا افتاده‌اند تا اصل انتخابات را مخدوش کنند و بنا به مثل معروف، اگر ما نیستیم پس هیچ کس نباشد! منطق‌شان این است حال که بناست ما انتخاب نگردیم، پس بگذار برای مجلس آینده، آبرویی باقی نگذاریم. ولی به یاری و لطف خداوند، همچنان که تا به امروز ملت همیشه در صحنه ما نشان داده است که مقلد واقعی امام امت است، این بار نیز به فرمان رهبر با دل و جان لبیک گفته و با شرکت وسیع و همه‌جانبه در انتخابات، امید دشمنان اسلام و قرآن را به یاس مبدل می‌سازد. بدین ترتیب عزت و عظمتی دیگر برای انقلاب خون‌بار اسلامی می‌آفریند و ندای حق طلبی امت حزب الله را بار دیگر در سراسر جهان، طنین انداز می‌کند. ■

# هلاهل

هر آن چه از  
نازیبایی‌های ما بینیم  
بر آن خنده می‌زنیم،  
نه این که این‌ها  
خندیدن دارند، بلکه  
تلخی «هلاهل» را  
باید چشید و تحمل  
کرد و به دیگران  
شناساند تا همه  
هم‌درد و همراه  
شویم...

## گور بابای دموکراسی

آورده‌اند روزی شیخ چَرّات‌الشعر در نزد مریدان نشسته بود و آب معدنی گازدار خویش را سر می‌کشید و جمله مریدان به آب نوشیدن او می‌نگریستند.

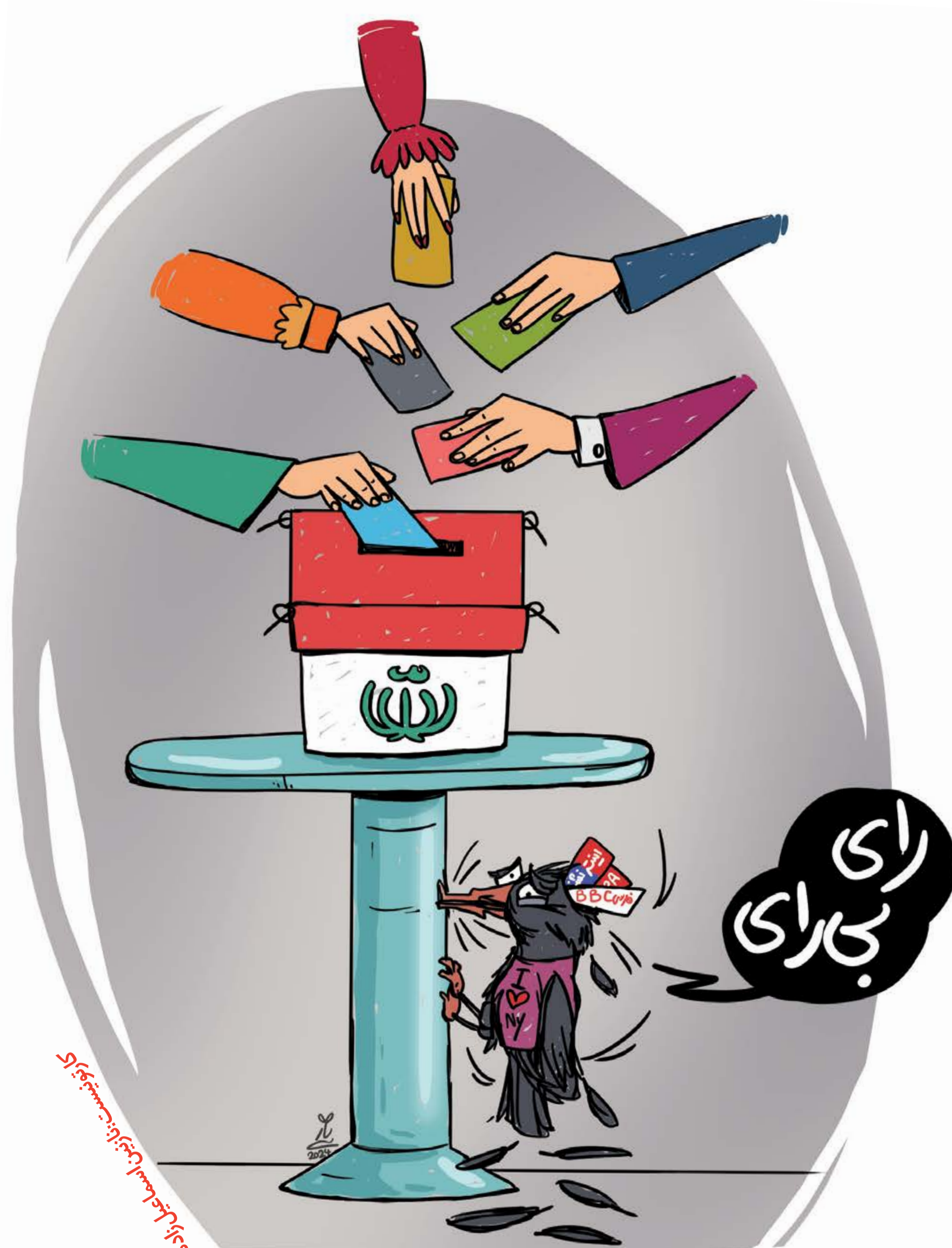


سیما شرفی

شیخ پس از یک هورت طولانی شروع به سخنان نمود و گفت: «به دوازدهمین سخنرانی بنده در باب «رای ندهید» خوش آمدید! لطفا کامنت، لایک و سابسکرایب

فراموش نشود! اما بعد؛ اگر تغییری قرار بود رخ بدهد، رخ می‌داد.»  
مریدان گفتند: «اووه اینو... چقدر می‌داند!» پس وی را تشویق نمودند.  
ناگاه از وسط مجلس جوانکی که کله‌اش بوی قورمه سبزی جانيفتاده می‌داد بلند شد و گفت: «اگر فرقی نمی‌کند پس چرا پشت سر هم جلسات «رای ندهید» را برگزار می‌کنید؟»

شیخ که جوانک را جاهل دید دستور داد مقداری از آن آب معدنی‌های بدون گاز به وی بدهند تا بفهمد هر حرفی مکانی دارد.  
وی ادامه داد: «مثلا این همه رای‌گیری برای چه انجام می‌شود؟ هزینه این رای‌گیری‌ها را بدهند به فقیر بیچاره‌ها! چقدر ما در کشور گرسنه داریم؟» که مریدان فریاد زدند: «راست می‌گوید!» شیخ در ادامه گفت: «اصلا گور ابوی و اخوی دموکراسی! ما دموکراسی و جمهوری نمی‌خواهیم! اصلا دنیای فردا دنیای بدون این‌هاست!» □



## مؤذن جامعه در انتخابات

دانشجو مؤذن جامعه س. اینو همه تون می دونید. اما فکر کردید اگه این مؤذن خواب بمونه، چه مشکلاتی برای جامعه پیش می آد؟ بیایید باهم بررسی کنیم!

فکر کنید دانشجو خوابه. خب نمی شه که! این جوری اصلاً دانشجو، دانشجو نیست. یعنی وقتی دانشگاه می شه پاسگاه و هرکی می رسه شعارش می شه «پاس کن بره»، دانشجو هم



علیرضا عبدی





بیشتر بالشجوئه. می شینه جلو کلاس و به چشمای استادزل می زنه ولی از درون خوابه. آقای دانشجو! خانم دانشجو! اگه بیرون خوابه می شه بیدارش کرد. اما اگه درونت خوابه، نمی شه بیدارت کردا... از من گفتن!

دانشجوی بیدار باید بقیه رو بیدار کنه تا مسئولیت های اجتماعی شون روانجام بدن. مثلاً چی؟ رأی دادن! اگه نمی خوای رأی ندی، تا آخر این متن با ما باش. اگه می خوای رأی هم بدی، با ما باش. کجا می خوای وقتتو تلف کنی؟ خب این چند دقیقه رو با ما تلف کن. انگار می خواد بره اورانیوم ها رو ۲۰ درصدی غنی کنه!

رأی گیری اسفند ماه واسه انتخابات مجلسه ها... نه واسه شورای دانش آموزی. یاد تونه توی مدرسه مون یکی کاندیدامی شد، می خواست لوله کشی مدرسه به جای آب بکنه شیرموز؟ یا اون یکی که می خواست مدیر رو عوض کنه و معلم ریاضی رو هم روزی سه وعده شکنجه کنه؟ اینا خوب بود، یکی بود توی مدرسه مون می خواست به مدرسه بغلی تونل بزنه که خدارو شکر رد صلاحیت شد و بعداً میکروفون رو از روده کوچیکه ش درآوردن بنده خدا... نکته دیگه هم که مجلس این قدری مهم هست که یه نماینده توی شهرش و توی بطن جامعه می تونه خیلی کار کنه.

حالا می گی که می خواد از آبدارچی تار بیس کل رو عوض کنه، خب باشه بکنه. ولی اونا اگه اومدن و چهارتا کار مفید کردن چی؟ ها؟ بذارید دو نفر بیان که اگه کاری کردن، به قول بایرام باقالی توی اخراجی ها، ثوابش برسه به روف مرده هاتون! انتخابات هم که جمعه س. آدم سرکار نمی ره و بُنیه زیاد داره. اصلاً جمع بشید برید بهم رای بدید. کار ثواب جماعتش خوبه! ■

# من غنی آم، از ...

سوار تاکسی های کارگر شمالی می شوم و تامی نشینم، می گویم کار خودشان است. راننده تاکسی زیرچشمی نگاهم می کند و لبخندی می زند. انگار واقعاً می داند کار کیست. من هم زیرچشمی نگاهش می کنم و یکهویی می گوید برو پایین آقا، من از این تاکسی اینترنتی ها هستم! شما آقای کارتوشیان هستید مگه؟ با آرامش می گویم که من دوست آقای کارتوشیان هستم و ایشان برای من تاکسی اینترنتی گرفتند. به زور می اندازدم پایین، حرفم را باور نکرده است. به سامان زنگ می زنم و می گویم سفر را لغو کند، طرف خیلی بی ادب است! پیاده به سمت بالای خیابان می روم. یاد انتخابات شورای دانش آموزی افتادم. دو سال متوالی کاندیداشدم و چهار پنج تارای آوردم. یادم هست یکی از رفقاییم هم به من رأی نداد و به آن پسر نفله که برای بچه ها شکلات خمیردندانی خریده بود، رأی داد. انصافاً خوشمزه بود! برای تجدید خاطره، یکی

از مترو بیرون می زنم و هوای بهمن ماه را استشمام می کنم. تازگی ها باد زده و آلودگی هوا را



محمد حسین دهقانی ایبانه

↙ شسته و برده است. واقعاً تهران جای خوبی می تواند باشد ولی تلاشش را نمی کند یا خیلی تلاش نمی کند، شاید تلاش می کند ولی تلاشش نیازمند تلاش بیشتر است! نمی دانم! کلاً جای عجیبی است برای خودش. یک ماه بعد، درست در زمستان و در فصل بعد بهمن، جمعه ای باید بروم سر صندوق و اسم چند آدم بنویسم و خوب های کاندیداها را انتخاب کنم تا بروند و چهار سال در آن ساختمان مثلثی با قاعده ی مربعی بنشینند. قاعده اش مربعی بود یا مثلثی؟ یادم نیست و این هم از عجایب تهران است، زوال عقل می آورد از بس شلوغ است.

از این شکلات خمیردندانی‌هامی خرم و فشارش می‌دهم. تاجایی که یادم هست، خودم هم به آن پسر نفله رأی دادم چون قول داده بودم به او رأی بدهم و دو سه تا شکلات خمیردندانی برایم بخرد. مرد است و قولش! شکم بر عقل پیروز می‌شود اما من عاقلانه به نفع شکم رأی دادم هنوز که هنوز است، راضی هستم!

چراغ عابر قرمز است و موتورهای گذرند؛ ویژژژ! ماشین‌ها هم می‌گذرند؛ با همان صدای قبلی! بد نیست بعد از فارغ‌التحصیلی بروم کاندیدای شورای شهری چیزی بشوم. حداقل رزومه‌ام پر می‌شود. درست است که رأی ما فقط چلو چنجه، ولی خب به هر حال، شأن و منزلت بی‌خود و الکی هم دارد. هنوز نمی‌دانم به چه کسی رأی بدهم و این یک خرده سخت است. اگر وعده‌ای دادند و عمل نکردند چه؟ اگر یک‌هویی یکی‌شان گذاشت زیر گوش مأمور راهنمایی و رانندگی چه؟ اگر ماشین شاسی‌بلند خواست تا به نقاط کوهستانی حوزه انتخاباتی‌اش برود چه؟

البته اگر بروی نقاط کوهستانی حوزه انتخاباتی‌اش را ببینی، نودوپنج درصد ماشین‌ها، سواری ایرانی است و آن پنج درصد هم برای یک نیسان آبی است که وانت مشدی حسن است. مشدی حسن با نیسان آبی‌اش دام زنده می‌فروشد و اگر فصل گرم و معتدل باشد، آدم هم به شهر می‌آورد. مشدی حسن آدم خوبی است. مشدی حسن یک خانه در شهر دارد که در حیاطش دو خودروی لوکس خارجی و یک موتور ۱۵۰۰ سی‌سی است. این وسایل نقلیه برای مشدی حسن نیست، برای نماینده مذکور هم نیست، بلکه برای پسرخاله‌ی نماینده است که در کار واردات است. بماند که خانه هم صوری به اسم مشدی حسن است و چند سفته سفت و سخت از مشد گرفته شده تا حرف زیادی نزنند. به خوابگاه می‌رسم و کارت می‌زنم. بدهی خوابگاهی دارم و برای بار چندم، دور اسمم قرمز می‌شود و تذکر پرداختی می‌گیرم. به صورت حراستی پشت سیستم نگاه می‌کنم؛ من غنی‌ام، از فقرا! ■

## فهرست



# دو دل

شاید بعضی از مردم برای شرکت در انتخابات دوسه و یا چهار دل باشند و از اهمیت آن غافل و ندانند که با عدم شرکت خود سرکه به آسیاب دشمن می‌ریزند. نگارنده برای یک دل کردن آن‌ها از هیچ تلاشی فروگذار نکرده و تمام زور خود را می‌زند. لازم به ذکر است که ایشان برای نیل به این هدف چند فروند نوشابه زورزا نیز مصرف نموده است.



وحید سلطان‌علیان

این کشور بعد از ۲۵۰۰ سال پادشاهی که توضیحات آن در کتب تاریخ دوران مدرسه پدرمان را درآورد و مخ‌مان را مچل خود نمود به جمهوری تبدیل شد. یعنی ۲۵۰۰ سال



هر کسی پرزورتر بود و قلدرتر، شاه کشور می شد و دارنده ی بلامنازعه ملک و ملت و کنترل تلویزیون. اصلا صندلی جلو مال او بود. کاری که انقلاب اسلامی کرد سرنگونی این نظام شاهنشاهی و جایگزینی آن با نظام جمهوری اسلامی بود که در آن مردم نقش مهاجم نوک را ایفا می کنند. دیگر ته دیگ های بین همه تقسیم می شد و پرزورترین و پررورترین عضو خانواده نمی توانست سهمیه بقیه راهاپولی نماید.

شاید بعضی از خردمندان بگویند که در دوره پهلوی هم انتخابات وجود داشت! بله احسنت! آفرین! شما دو موز بردارید! ۹۰ درصد حرف ایشان درست است، فقط ۱۰ درصد اشتباه دارند و آن هم حرف خ در کلمه انتخابات است که اگر برش داریم و حرف صادر را جایگزینش کنیم قضیه حل می شود، یعنی انتصابات.

اما در زمان حاضر با وجود مشکلات فراوان اعم از اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی و... نباید اعتراض خودمان را با نخوردن سرریز غذا و عدم شرکت در انتخابات نشان دهیم، چرا که دشمنان این ملت با عدم مشارکت ما، کمر قر می دهند و برای آن روز لحظه شماری می کنند. اگر هم اعتراضی به نحوه عملکرد مسئولین داریم که داریم، خیلی هم داریم، از راه و روش های قانونی خودش وارد می شویم، در فضای مجازی مطالبه گری می کنیم، چهره به چهره از مسئولین توضیح می خواهیم، گردن شان را گرفته و در حد خفه کردن می فشاریم (وام نگارنده جور نشده) و...

پس مثل کودک آدم، روز انتخابات بلند شوید و به اتفاق خانواده به دیار رای دهندگان بشتابید که در غیر این صورت نگارنده به همراه عوامل صندوق با صندوق به منزل شما مراجعه نموده و برای ناهار روی سرتان تیلیت شده و در یک حرکت غافلگیرانه در زمان نوشیدن چای دوم رای ارزشمندتان را از شما خواهد ستاند! □

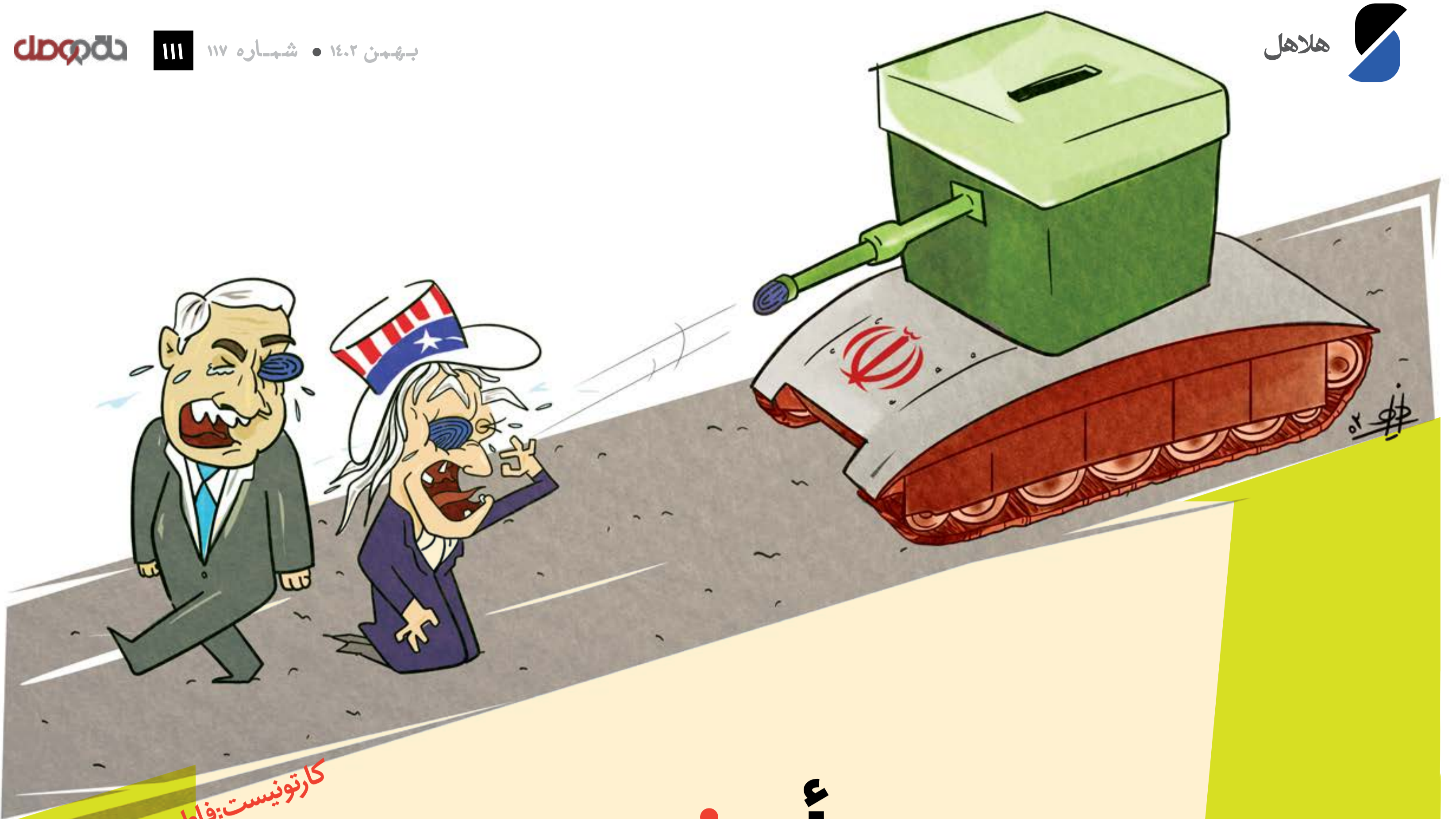


جواد قره محمدی

## چون فانتوم بیا!

من جدا باید بمانم، تو جدا؟!  
 منتها با علم برتر فندها  
 هست در هر جا، چنان باد هوا  
 وعده گر دادی، نگویی کی؟! کجا؟!  
 یاد ما هم باش حتماً، ناقلاً!  
 ضربه‌ها خوردیم از رنگ و ریا  
 رفت و فاکتور کرد واسه بعدیا...  
 در رُود از کشور زیبای ما  
 راسِ آنان است مِسْتِر کد خدا!  
 زندگی کردیم با رازِ فنا...  
 جنگ اگر باشد، شود دردت دوا؟!  
 سنگدل هست او چو "موساد" و "سیا"  
 من جدا باید بمانم، تو جدا؟!  
 انتخابات است، چون فانتوم بیا!

هم وطن هستیم بی چون و چرا  
 رای یعنی: سعی در بهتر شدن  
 وعده‌های کهکشانی مُهمَل است  
 آی کاندیدی که محتاجی به رأی!  
 چون خَرَت از پُل گذشت و رَد شدی  
 مذهبی بودن فقط در حرف نیست  
 دولتِ قبلی، خدایی کم گذاشت  
 «فقر» باید مطمئناً گم شود  
 دشمنان هستند دائم در کمین  
 عهدِ برجام است عبرت در جهان  
 سفره‌ها کوچک شده، آری! قبول  
 قصدِ دلسوزی ندارد "غرب"، چون:  
 ما کنار هم خفن هستیم، پس:  
 حرف بسیار است و محدود است جا



کارتونیست: فاطمه ندیمی

## رأی نمی دم، رأی می دم

دنبال منوتو ولو ام، قطع امیدم!  
پس رأی نمی دم که نمی دم که نمی دم!

تو منطق من کار درست اینه که بی باک  
از نرده روی پُله، با کله پریدم!

من مٹ شما حوصله بحث ندارم  
هر کی سر رام سبز بشه چاقو کشیده‌م!

هر چی که بگم ماست؟ همونم که سیاهه!  
حتی اگه برگرده بگه پاک و سفیدم

من رأی نمی دم به کسی، رأی من اینه  
من خواب‌ترین حافظ ایران رشیدم

از صادق زیبا که کلامه ته اسمش  
می‌پرسم اگه گفت طرفدار یزیدم

من رأی نمی دم ولی از خلق چه پنهون  
باید که زدوبند کنم با در جیبم!!!

شاید به یکی رأی بدم قاتی کاراش  
شرخر بفرسته واسه چک‌های سفیدم



ابراهیم صفائی



فرشته پناهی

## انتخابی مطمئن!

عکس می‌گیرم از خودم کلی  
با تریپ و فیگور رنگ به رنگ  
باب میل تمام ذائقه‌ها  
پر تلاشم شبیه بچه زرنگ

تا که باشم تو دل برو، ناچار  
می‌کنم هی گریم و آرایش  
تا کنم جذب رای ملت را  
می‌نمایم به هر زبان خواهش

گاه هستم سه تیغه باعینک  
گاه تسبیح و ریش و انگشتر  
می‌شوم خیره در افق بلکه  
دوراندیشی‌ام شود باور

عکس می‌گیرم از خودم حین  
کار خیر و کمک به محتاجان  
تا که ملت یقین کنند که من  
دارم از عمق جان به حق ایمان

عکس بعدی کنار ساحل عاج  
تا بگویند اند فرهنگ است!  
می‌نویسم شعار «oh! No war!»  
تا بگویند دشمن جنگ است!

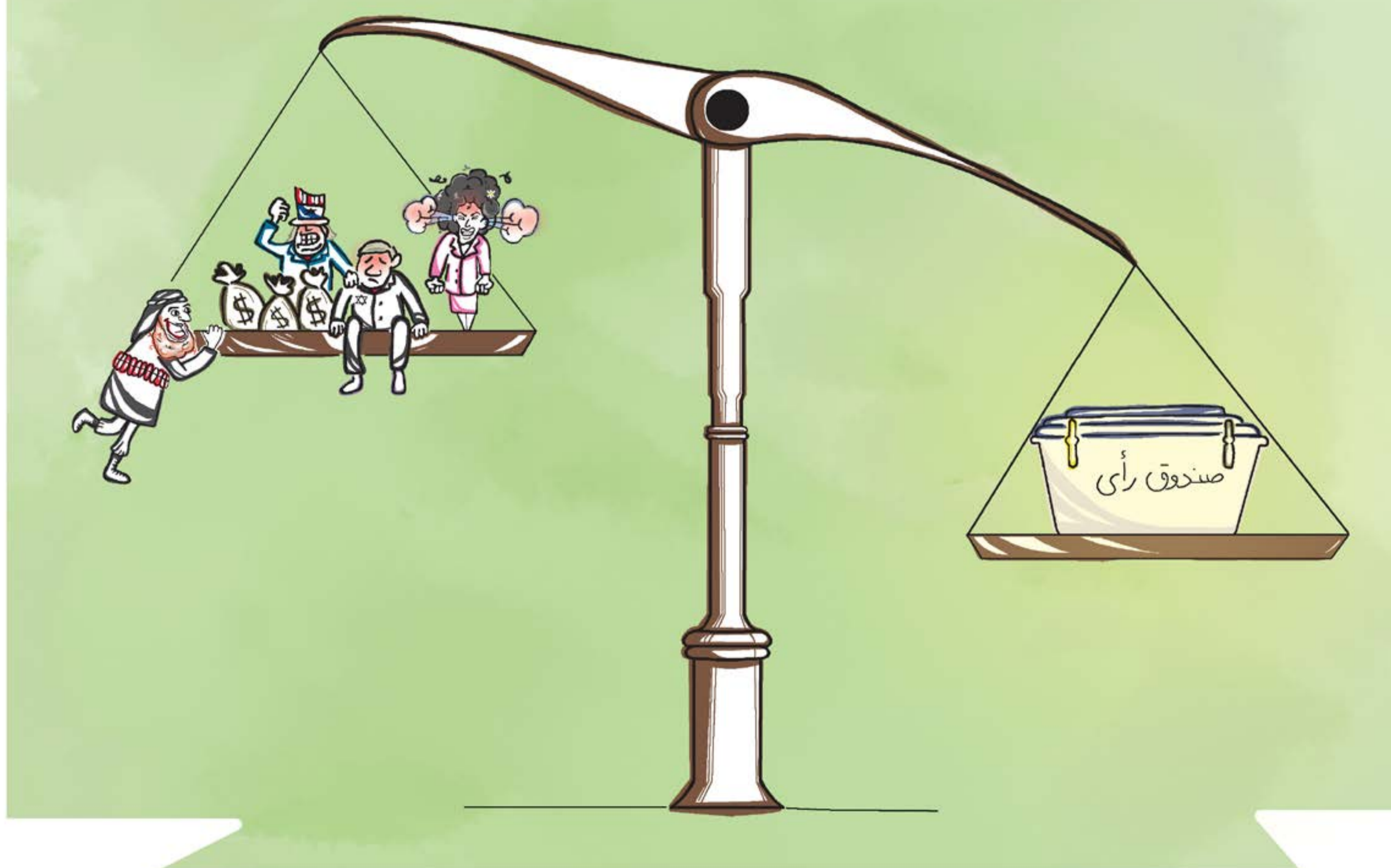
عکس بعدی کتابخوان شده‌ام  
پشت صحنه، کتاب‌های خفن!  
زیر هر عکس می‌دهم آخر  
دو سه من وعده‌ی سرِ خرمن

ای خدا کاش رد شود زودی  
از پیل انتخاب و رای، خرم!  
تا که کارآفرین شوم بهر  
فک و فامیل و دختر و پسر

خبر آمد ولی در آخر که  
باز رد صلاحیت شده‌ام  
راه حل‌ها نکرد افاقه و شد  
زیر بار هزینه پشتم خم!



## میزان رأی ملت است



# وکیل الرعایا در صندوق

آورده‌اند که در روزگاران نه چندان دور در بلاد پارس مردمانی می‌زیستند صاحب جعبه‌ای جادویی. گویا در نظر اول تلویزیون به نظرشان متبادر گردد اما نه! این جعبه از شش جهت پلمپ گردیده و روی و زیر و بالا و پایینش مهر و موم گشته، در واقع بسی تاپ‌سکرتینگ بوده. لازم به ذکر است که این جعبه را خاصیت فراوان است.

گفته می‌شود که از این جعبه هزاران کار ناممکن برخواهد آمد که در باور ننگجد. آورده‌اند در خلال این دوران مردمانش روی سردی به سمت این جعبه نشان دادند و از برکاتش ناامید گشتند. زیرا این جعبه ظرف انتخابات نام دارد و همه‌ی امور آن مردمان به انتخاب داخل این جعبه می‌انجامد.

چندی قبل که از انتخاب پساآخرشان سیسمونی ترکیه و چند دستگاه دنا پلاس و کلی ملک و املاک فقره و ضمیمه‌ی انتخاب‌شدگان قرار گرفته بود. مردم چنان‌که از سوار شدن، آن هم با مبلغ گزاف بر پراید لگن خاطری ناکوک داشتند معلوم است که اهدای بی‌خود و بی‌جهت مرکب دناپلاس بر نمایندگانشان را برنتابند و از اعمال ریز و درشتشان ناراضی باشند.

باری! عده‌ای از خطبا و سخنرانان و مردم یک باره به صدا درآمدند که یا نمایندگان! از چه رو طرح شفافیت را تصویب نکردید! تا شاید ما هم قدری به اموری که به نام مردم وکیل آن شدید مشرف باشیم و نتوانید مثل آب خوردن قانون و ما را دور بزنید.

القصد تمامی این متذکرات و عناوینی که گرد هم آمد و نیامد حاصل این قهر کردن با آن جعبه‌ی جادویی شد. گفتنی است که وکیل‌الرعایایی از جمع آن نمایندگان به پاخواست و مردم را به آمدن به پای صندوق‌های رای دعوت ساخت و قول به اصلاح امور داد. ■